

حکومت قانون را برقرار کنیم

فرمان با اهمیت امام خمینی درباره لزوم اجرای قانون و ضرورت مجازات افراد خاطی از قانون، که دوشنبه گذشته انتشار یافت، بار دیگر مقامات مسئول قرار داد و بصورت محور مسائل سیاسی روز درآمد.

مسئله حیاتی اجرای قانون را در مرکز توجه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که در آغاز سال ۶۰ این بقیه در صفحه ۱۴

شماره ۱۰۷ دوره سوم دوشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۷ صفر ۱۴۰۲ و ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱ به ۳۰ ریال

آمریکا ترکیه و پاکستان را علیه ایران تحریک و تسلیح می کند

سه مسافرت و یک نتیجه نمی تواند جلب نظر نکند. مسافرت کنعان اورن - دیکنا تور نظامی ترکیه به پاکستان و مذاکرات او با ضیاء الحق - دیکنا تور نظامی پاکستان، مسافرت و این برگروزی دفاع آمریکا به ترکیه و مذاکرات او با کودتاگران ترکیه، مسافرت سلطان بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی به پاکستان و مذاکرات وی با ضیاء الحق و دیگران، این هر سه مسافرت و مذاکرات به یک منظور انجام گرفت و یک نتیجه به بار آورد: تسریع در تسلیح ترکیه و پاکستان و توسعه همکاری های نظامی بین ترکیه و پاکستان و این نتیجه، چون می بایستی اجراء شود و اجراء می شود، و بنا بر این پنهان گردنی نبود، رسماً اعلام شد.

خود به خود این سؤال مطرح می شود که: برای چه، لازم آمده است که در تسلیح ترکیه و پاکستان تسریع شود و همکاری نظامی بین این دو کشور کودتا زده نظامی و این دو دولت دست نشانده و متحد نظامی آمریکا، توسعه یابد؟

در پاسخ این سؤال، که خود به خود مطرح می شود، "امپریالیسم خبری" به نشر "اخبار" ی پرداخت از این دست: "شوروی بیست و چهار لشکر بقیه در صفحه ۷

با عاملین اصلی تروریسم اقتصادی و سرمنشاء تروریسم اقتصادی مبارزه کنیم

سلاحهای مخرب: احتکار، ایجاد کمبود - های مصنوعی، گرانی، گرانیفروشی و تورم، خلاصه استفاده از حربه کالاهای سرمایه، درست قلب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نشانده رفته اند، زیرا پنهان نیست که قلب هر انقلابی را، در تحلیل نهائی، وضع اقتصادی - اجتماعی تشکیل می دهد.

ابعادی فراتر از جنگ نظامی دارد، که امپریالیسم بدست صدام به کشور ما تحمیل نموده است. این جنگ، از همه جنگ های دیگر امپریالیسم و ضدانقلاب علیه کشور ما خطرناک تر است. جنگ تروریست های اقتصادی جبهه های به وسعت تمام کشور دارد و همه سکنه مستضعف و زحمتکش را شامل می شود. تروریست های اقتصادی با بهره گیری از

اصطلاح "تروریست اقتصادی"، اصطلاح کاملاً گویایی است این اصطلاح که اول دفعه در خطبه نماز جمعه توسط حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی عنوان شد، به کسانی اطلاق می گردد که با خزیه اقتصادی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ داده اند. جنگ تروریست های اقتصادی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

بقیه در صفحه ۱۲

بین تحریک و اخلال میان کارگران و عدم رضایت بحق و قانونی

باید باروشن منطقی و بردبارانه در رفع عدم رضایت ها کوشش بعمل آوریم. تنها با چنین روش و برخوردی می توانیم انقلاب را از گزند و آسیب پذیری در محیط های کار مصون بداریم و در عین حال اتحاد و اتفاق میان کارگران و زحمتکشان و حاکمیت انقلابی را هر روز مستحکمتر سازیم.

اعتصاب اخیر در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی زنگ خطر جدی بشمار می رود. این زنگ خطر فقط در مورد تحریک و اخلال ضدانقلاب در واحد های تولیدی و خدماتی نیست، این زنگ خطر همچنین باید نشانه انباشته شدن برخی نارضایتی ها میان کارگران و زحمتکشان تلقی گردد. طبیعی است که همانطور که حق نداریم نسبت به تحریک

باید باروشن منطقی و بردبارانه در رفع عدم رضایت ها کوشش بعمل آوریم. تنها با چنین روش و برخوردی می توانیم انقلاب را از گزند و آسیب پذیری در محیط های کار مصون بداریم و در عین حال اتحاد و اتفاق میان کارگران و زحمتکشان و حاکمیت انقلابی را هر روز مستحکمتر سازیم.

آنان باید فرق گذاشت

باید باروشن منطقی و بردبارانه در رفع عدم رضایت ها کوشش بعمل آوریم. تنها با چنین روش و برخوردی می توانیم انقلاب را از گزند و آسیب پذیری در محیط های کار مصون بداریم و در عین حال اتحاد و اتفاق میان کارگران و زحمتکشان و حاکمیت انقلابی را هر روز مستحکمتر سازیم.

یک پیروزی دیگر...

رزمندگان قهرمان ایران در روزهای پایان هفته پیش فتح بزرگ دیگری را رقم زدند. دلاوران ایرانی در پی فتح بزرگ بستان، که خود پیغام شکست محاصره آبادان بود، در یورش شجاعانه ای به متجاوزان صدامی، ۱۶۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی غرب را آزاد کردند.

در این نبرد قهرمانانه متجاوزان صدامی، که مجری توطئه آمریکا در خاک میهن انقلابی ما هستند، با دادن هزار کشته و سیصد اسیر عقب نشستند و چندین دهکده و ارتفاع و تنگه استراتژیک بدست نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران افتاد.

بدینسان دلاوران پاسدار، ارتشی، بسیج و دیگر نیروهای خلقی با نثار جان خود راه فتح دیگری را هموار کردند و دشمن را باز هم از خاک میهن عقب راندند.

این پیروزی های بی دردی در طول جبهه های جنگ خیر از تحول کیفی اوضاع بسودنیروهای دلاور ایران دارند، که بعد از ۱۴ ماه، حملات نهائی خود را برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن انقلابی شدت بخشیده اند.

اخبار فتوحات بی دردی بیگمان برای مردم قهرمان ایران، که به بهای خون بهترین فرزندان خود، ابتدا راه نفوذ دشمن آمریکا انگیخته را سد کردند، و سپس به بیرون راندن آن پرداختند، مژده بزرگی است. فتح های مرحله ای امروز خبر از پیروزی نهائی و حتمی فردا می دهد، و بار دیگر این درس بزرگ تاریخ تکرار می شود که، هرگز خونخوارترین متجاوزان هم نتوانسته اند و بقیه در صفحه ۱۴

بقیه در صفحه ۱۵

در صفحات بعد

سوریه هدف تجاوز و جنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم

۸ صفحه

جنبش دمکراتیک و مترقی بین المللی دانشجویان استوار و متحد براه خود ادامه می دهد

۸ صفحه

سیاستی مدبرانه در برخورد با ماجرای هواپیما ربایی

۲ صفحه

کارائی اوپک در مقابله با توطئه های امپریالیستی

۲ صفحه

سیستم اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران درباره

بسیار ابتدائی است و با وجود اینکه پر کاری افراد متعهد و مومن به انقلاب، این نقیصه را تا حدودی پرمی کند، ولی در درازمدت خلأ ناشی از نداشتن یک سیستم اطلاعاتی بیرون مرزی بیش از پیش محسوس خواهد بود. و در داخل کشور هم اکنون بر اساس تجربه و نیازهای آتی فعالیت های در زمینه اطلاعات وجود دارد که باید هم آهنگ شود. در این مورد باید سریعاً عمل شود و هر روز که ما این مسئله را به تاخیر بیندازیم، بنظر من، با دست خودمان زیان بزرگی را مرتکب شده ایم که قابل جبران نخواهد بود. اینها سخنان درستی است. هر بقیه در صفحه ۱۴

بمناسبت شهادت آیت الله دستغیب سرفروشت تروریسم شکست است

این جنایت هولناک بحق موج بزرگی از تاثر و خشم در مردم برانگیخت، دولت روز شنبه گذشته را عزای عمومی اعلام کرد و امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پیامی که به مناسبت شهادت آیت الله دستغیب دادند، اعلام کردند: "ما این بزرگان علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست آمریکا در منطقه و صدام آمریکایی در جبهه ها از دست می دهیم". در واقع نیز تروریست ها، که بعد از خوردن ضربات کاری از انقلاب، از آخرین نیروهای خود استفاده می کنند، بر آنند تا با این تشبثات و جنایات مانع از روند تثبیت انقلاب شوند. در این روزها، که بدنبال فرمان امام خمینی تلاش وسیعی برای حاکمیت بقیه در صفحه ۱۵

۶۲ - مین اجلاسیه و وزیران ۱۳ کشور عضو "اوپک" روزهای چهارشنبه تا جمعه، هجدهم تا بیستم آذرماه ۱۳۶۰ (۹ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۸۱) در ابوظبی برگزار شد. طی سال جاری مسیحی این چهارمین بار بود که وزرای کشورهای صادرکننده نفت به دورهم جمع شدند، تا با مشکلات و توطئه هایی که امپریالیسم برای "اوپک" فراهم می آورد، مقابله کنند.

فدل کاسرو: آمریکا جهان را به ورطه جنگ هسته ای سوق میدهد

۳ صفحه

سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه داری

بخش اول: دوگرایش متضاد در جنبش های رهائی بخش

۹ صفحه

سیاستی مدبرانه در برخورد با ماجرای

هواپیماربابی

برخورد دولت جمهوری اسلامی ایران، با ماجرائی که ربابندگان هواپیمای لیبیائی آفریدند و می-خواستند بیافرینند، برخوردی مسئولانه و مدبرانه، برخوردی از لحاظ سیاسی هشیارانه و صحیح بود. این برخورد چنان بود که نه فقط به دوستی بین لیبی و ایران لطمه‌ای وارد نکرد، بلکه آن را بیش از پیش تحکیم بخشید.

ولی بیجا نیست جریان ماجرا را ولو گذرا از نظریکدرانیم زیرا این هواپیماربابی، جنبه سیاسی دارد. اگر هواپیماربابیان موفق میشدند که "تقاضاهای" خود را در ایران به کرسی بنشانند، بیشک مناسبات دوستانه موجود بین لیبی و ایران مختل میشد و به تیرگی میگرایید. یعنی دوباره سیاست ایران نسبت به لیبی در خطی قرار میگرفت که بمدت دو سال لیبرالها در پیش گرفته و مانع برقراری مناسبات دوستی و همکاری ایران و لیبی در سارزه علیه آمریکا شدند.

در بررسی ماجرا، ابتدا منابر این فرض فراردهیم که هواپیماربابیان مردان صدیقی هستند که واقعا می-خواهند امام موسی صدر - رهبر مذهبی - سیاسی شیعیان لبنان و سازمان امل را پیدا کنند تا با برخورداری از رهبری ایشان، مبارزه را بر ضد امپریالیسم آمریکا و اسرائیل صهیونیستی باشد و گستردگی بیشتری دنبال کنند. بر منای همین فرض، عمل چنین مردان صدیقی می-بایستی اولاً بر زمینه چنان شرایطی صورت گیرد که در جهت گسترش مبارزه ضد امپریالیستی و ضد- صهیونیستی باشد. و ثانیاً می-بایستی با چنان شیوه‌هایی اجرا شود که انسانی و اخلاقی باشد، ولی عمل، دقیقاً در شرایطی انجام گرفت که لیبی به گناه مبارزه ضد امپریالیستی در معرض "برنامه" توطئه‌های آمریکا قرار گرفته است. از این "برنامه" که به گفته ژنرال هیک، وزیر خارجه آمریکا، در سپتامبر گذشته، "همه جانبه" بررسی شده است، تاکنون عناصری نظیر تهدید لیبی به تهاجم نظامی، سرنگون ساختن دو هواپیمای لیبیائی در فضای هوایی آن کشور، تحریک سودان به مداخله در امور لیبی، کوشش در فلج کردن تولید و فروش نفت فراخواندن "شهروندان" آمریکائی از این کشور

بدلیل "بی ثباتی" وضع آن، تبلیغات عنان گسسته، ضد لیبی و رهبران آن که گویا "تروریست" اند و چنان "تروریست" اند که گروهی تروریست برای کشتن ریگان به آمریکا فرستاده اند... عملی شده است. خلاصه عمل ریبودن هواپیمای لیبیائی در شرایطی انجام گرفته که به گفته "صدای آمریکا"، مسئله لیبی به عنوان مسئله عمده در مطبوعات و دستگاه تبلیغاتی آمریکا مطرح شده و همه شواهد و عملیات به وضوح نشان میدهند که آمریکا در صدور براندازی رژیم ضد امپریالیستی لیبی است. در چنین شرایطی، طرح مجدد اتهام ربودن امام موسی صدر و بدین وسیله گسترش تحریکات ضد لیبی حتی اگر صادقانه انجام گرفته باشد، عملی است که آب به آسیاب آمریکا میریزد. شیوه عمل نیز نه اخلاقی است، نه انسانی و نه اسلامی. گروهی مسافر و زن و کودک بیگناه را ربودن و مدت درازی از این سو به آن سو کشاندن و در اضطراب جانگاہ و زیر داس مرگ قرار دادن، هیچ وجه مشترکی با انسانیت و اسلام و اخلاق ندارد.

اما بررسی جریان ماجرا نشان میدهد که عمل ربابندگان هواپیمای نه صادقانه، بلکه از روی نقشه مشکوکی صورت گرفته و احتمالاً حق با دولت لیبی است که دست "سیا" در کار بوده. و برخی از جاسوسان "سیا" در سازمان امل رخنه کرده‌اند و به نام این سازمان عمل می-کنند. حتی گزارش‌های خود خبرگزاری‌های غربی که در روزنامه‌های کشور ما از جمله در "اطلاعات" و "کیهان" انعکاس یافت نکاتی دارند که اندک توجهی به آنها نشان میدهد که واقعه "اینگار" چند "مجاهد امام موسی صدر" نیست. برخی از این نکات چنین اند: هواپیمای ربوده شده در فرودگاه رم - نه فرودگاه هواپیمای مسافری -

چهارشنبه ۸ آذر) و پس از سوخت گیری و قبل از حرکت به سوی تهران "در آخرین دقیق مذاکره کننده" سازمان و دیگر فرماندهان امل نقشه فرودگاه مهرآباد تهران را در اختیار خلبان قرار میدهند "اطلاعات" به نقل از آسوشیتد پرس همان روز). در روزنامه "کیهان" (همان روز)، همچنین به نقل از گزارش فرانس پرس، چنین میخوانیم:

"در این میان "بنیمیری" دبیرکل نهضت سیاسی - نظامی شیعی (امل) در گفتگویی با خبرگزاری فرانس پرس ضمن تاکید بر این که در ماجرای ربوده شدن هواپیمای لیبیائی دخالتی نداشته است، به طور ضمنی این عمل را مورد تائید قرار داد. بنیمیری اعلام کرد: این هواپیماربابی از سوی طرفداران امام موسی صدر و در جهت اقداماتی که از دو سال پیش برای آزادی امام صدر و همراهانش به عمل آمده، انجام گرفته است و پاسخی مناسب (!؟) برای رسیدن به راه حلی عادلانه (!) بر ماجرای امام موسی صدر می-باشد. (کیهان ۸ آذر).

بدینسان هواپیمای ربوده شده لیبیائی به سوی تهران پرواز میکند. دولت ایران باین که قبلاً اعلام کرده بود که اجازه فرود به این هواپیمای نخواهد داد، معذالک چنانکه آقای علوی طباطبائی و نیز آقای نخست وزیر تاکید کردند، بنا به درخواست کتبی سفارت لیبی بدان اجازه فرود داده شد. این خود اقدامی مفید و لازمی در خط دوستی ایران و لیبی بود. غیر از تقاضای غذا، دیگر تقاضاهای هواپیماربابیان، از جمله تقاضای تشکیل هیاتی برای دنبال کردن

مسئله ربوده شدن امام موسی صدر" و یا تقاضای فرستادن "پیامی به ملت ایران" جامه عمل نپوشید. دوستی لیبی و ایران، نه تنها تضعیف نشد بلکه تقویت و تحکیم بیشتری یافت. این دست ردی بود به کوششی که دانسته و یا ناخودآگاه برای ایجاد تیرگی در مناسبات ایران و لیبی به عمل می‌آمد و به مدت دو سال لیبرالها در ایران با سماجت آنرا تحمیل کرده بودند.

جمهوری اسلامی ایران و لیبی در یک جنبه - جنبه مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا - قرار دارند و طبیعی و ضرور است که مناسبات همکاری متقابل دو کشور ما روز بروز استحکام بیشتری و تقویت بیشتری یابد.

هر دو کشور ما در معرض توطئه‌های براندازی آمریکا قرار گرفته‌اند. دولت تروریست و فاشیست آمریکا برای برانداختن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و نیز برای برانداختن انقلاب و نظام ضد امپریالیستی اسلامی لیبی "برنامه‌های" مشابهی تدوین کرده است. هر دو کشور ما دست در دست یکدیگر و دست در دست تمام دیگر کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی منطقه و جهان میتوانند و باید این "برنامه‌ها" را عقیم و خنثی کنند.

برخورد هشیارانه و مدبرانه دولت ما با ماجرائی که هواپیماربابیان آفریدند و میخواستند بیافرینند، نیک نشان میدهد خط سیاست خارجی ما لیبرال زدائی و آمریکازدائی شده و میشود و این باعث خرسندی و مایه امید و نوید بخش تسلط خط امام در سیاست خارجی است که خود وسیله و ضامن پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر همه دشمنان آن به سرکردگی شیطان بزرگ و ام الفساد قرن - آمریکائی توطئه‌گر و جنایتکار است.

کارایی اوپک

بقیما از صفحه ۱

"اوپک" از هر وقت دیگر دامنه دارتر بوده است. این توطئه‌ها، از دامن زدن به جنگ عراق علیه ایران گرفته تا تمرکز نیروهای نظامی واکش سریع آمریکا در جوار نواحی نفت خیز خلیج فارس، ذخیره سازی نفت در آمریکا و کشورهای غربی، مواجه ساختن بازار

نفت با افزایش عرضه در مقابل تقاضا و نظایر آن را در بر میگیرد. هدف این توطئه‌ها ابتدا و ادار ساختن اعضا "اوپک" به کاهش استراتژیک قیمت های پایه نفت و سپس وارد آوردن ضربات اقتصادی و مالی به کشورهای نفت خیز، اختلال در بودجه این کشورها، فلج اقتصادی و تغییر نظام های انقلابی، باتوسل به جنگ‌ها و منازعات داخلی و حتی تحریک و حملات مسلحانه از خارج است.

قبل از آغاز بکار آجلاسیه اخیر نیز امپریالیسم آمریکا وانحصارات نفتی به توطئه‌های جدیدی علیه کشورهای نفت خیز دست زدند. مانور نظامی "ستاره درخشان"، طرح فهد، تشدید فشار آمریکا به لیبی و تشدید توطئه علیه ایران، هدف تغییر تناسب قوانین میان کشورهای نفت خیز در حال رشد را بسود امپریالیسم وانحصارات نفتی تعقیب می‌کند. استفاده از موقعیت دولت های سرسپرده نظیر عربستان سعودی نیز، که با استخراج و صدور بیش از حد نفت، بازار جهانی را از نفت انباشته است (ذکی یمانی رسماً اعلام داشت که در آستانه سال نومیسی، در صد است هدیه کریسمس را به جهان صنعتی بدهد) از وسائل دیگری است که دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به منظور درهم شکستن مقاومت

"اوپک" بکار گرفته‌اند. در برابر یک چنین تهاجم سرتاسری نتایجی که از کنفرانس ابوظبی بدست آمده و طی آن قیمت پایه نفت (هر بشکه ۳۴ دلار طبق کنفرانس قبلی زنون) ثابت نگاه داشته شده، بی‌اگر کارائی "اوپک" در مقابل با توطئه‌های امپریالیستی است. البته در قیمتهای "تفاضلی" نفت، که بسته به درج مرغوبیت تعیین می‌شود، کاهش بی ۳۰ تا ۷۰ سنت در هر بشکه مورد قبول واقع شده، که با مخالفت بحق و درست وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران مواجه بوده است. با این حال، عمده آنست که باردیگر تیر تلاش مذبحانه دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به سنگ خورده و "اوپک" موجودیت و وحدت خود را در دفاع از مواضع استراتژیک خویش به نمایش گذاشته است.

"اوپک" از مواضع بسیار نیرومندی نه تنها در حفظ پیروزی‌های بدست آمده، بلکه در کسب پیروزی‌های بزرگی در آینده برخوردار است. شبهه نیست که تشبیت پیروزی‌های انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی در کشور ما، نقش عظیمی در تامین موقعیت‌های آتی همه کشورهای نفت خیز در حال رشد و ورهائی آنان از یوغ امپریالیسم وانحصارات غارتگر بین المللی نفت خواهد داشت. تناسب نیروها در جهان بسود ملل و دول ترقیخواه، ضد امپریالیست و صلح دوست بهم خورده و حرکت امپریالیسم وسلطه غارتگران امپریالیستی به سوی زوال اجتناب ناپذیر است. پیروزی‌های آتی "اوپک" بر همین مبنی استوار است و امید به کسب آن‌ها خلل ناپذیر.



در سال ۱۹۸۱ توطئه‌های دول امپریالیستی وانحصارات نفتی علیه

فیدل کاسترو:

آمریکاجهان را به ورطه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهد

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۴ شهریور ۱۳۶۰) شصت و هشتمین کنفرانس اتحاد بین‌الممالس مرکب از نمایندگان پارلمان‌های جهان در هاوانا پایتخت کوبا تشکیل شد. در این کنفرانس فیدل کاسترو رهبر انقلابی نطقی ایراد کرد که انعکاس جهانی یافت. از آنجا که متن کامل این نطق جالب و مهم در هیچیک از جراید ایران منتشر نشد، ما اینک ترجمه آنرا به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

نمایندگان محترم! مادر شرایطی در این کنفرانس گرد هم آمده‌ام که اوضاع جهان نگرانی آور است. من فراموش نمی‌کنم که در این کنفرانس نمایندگان مجلس‌سرایینش‌ها و ایدئولوژیهای متفاوت حضور دارند. اما به تصور من همه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس را نگرانی و دلواپسی مشترک، بخاطر سرنوشت بشریت، با هم متحد می‌سازد. در این جهان مبین هریک آزما و مردمی که در آن زندگی می‌کنند، مقدس‌ترین مکان را در قلوب ما دارند. من به همه شما در سرزمین کوبا صمیمانه تهنیت می‌گویم.

احتمال دارد که سخنان من مورد پسند یا نه ای از شرکت‌کنندگان در این گردهمایی نباشد. اما من قصد ندارم کسی را آزرده خاطر کنم. من فقط می‌خواهم با صراحت نظریات خود را، با استناد به واقعیت‌های موجود، بیان کنم و در این مورد ناگزیرم نظریات انتقادی خود را نسبت به برخی از دول و خط‌مشی سیاسی آنها اظهار کنم. آنچه که من خواهم گفت، منظور نه خلقها، بلکه دولتهاست، و کسانی که با این نظریات من موافق نیستند، کاملاً امکان دارد که در همین جلسه اعتراضات خود را ابراز دارند و اظهار نظر آنان با احترام کامل استماع خواهد شد.

فاصله عظیم میان کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و کشورهای کم‌رشد روبه افزایش است

سخنان خود را از مسائل اقتصاد بین‌المللی آغاز می‌کنم. ما بارها بر این مطلب تاکید داشته‌ایم که مشکلی که در مسئله وجود دارد - مسئله‌ای که سرنوشت ساز برای همه خلقهاست - بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی است که بخش اعظم سیاره ما محکومرماست. تازمانی که نظام اقتصادی جدیدی استقرار نیابد، که بتواند رشد مناسب و هماهنگ خلقها و کاهش نابرابری میان آنها را تأمین کند، نمی‌توان به تضادهای سیاسی، تشنج‌ها و تصادمات پایان بخشید. مشخصه وضع اقتصادی کنونی در جهان، فاصله عظیمی است که میان کشورهای رشد یافته و کشورهای کم‌رشد وجود دارد. صدها میلیون از سکنه کشورهای کم‌رشد از ۳ جمعیت کره ارض در آن‌ها زندگی می‌کنند. در فقر سر می‌زنند، از گرسنگی رنج می‌کشند و بعلت بیماری و جهل و عقب‌ماندگی تلف می‌شوند. تازمانی که با استقرار نظام اقتصادی بین‌المللی نوین، مبتنی بر برابری حقوق و عدالت، به این وضع فاجعه‌آمیز پایان داده نشود، مشکل بتوان در راه صلح واقعی و پایدار پیشرفت نمود.

وضع اقتصاد جهانی، که طی دهه‌های اخیر با شتاب روبه و خامت گرایده و زیانبارترین اثرات را در کشورهای به اصطلاح جهان سوم از خود باقی گذاشته، موجب آن گردید که برای اتخاذ تدابیر جدی، که از همان آغاز از این گرایش جلوگیری کند و سپس آنرا متوقف سازد، کوششهای فراوانی بکار برده شود. ادامه این گرایش اکثریت کشورهای این منطقه جهان را دچار بحران اقتصادی غیر قابل حلی خواهد کرد که برای تمامی جهان، در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، پیامدهای سنگین و خطرناکی در بر خواهد داشت. به همین علت اندیشه برقراری نظام نوین روابط اقتصادی بین‌المللی در سال ۱۹۷۴ مطرح گردید. این پیشنهاد بر زمینه بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری (۱۹۷۵-۱۹۷۶) که شدیدترین بحران دوران پس از

جنگ دوم جهانی بود، ارائه شد. این بحران پس از یک دوران فروکش ظاهری در سال ۱۹۷۶، همچنان ادامه یافت. مشخصات این بحران را عدم ثبات، ناتوانی اقدامات بحران‌زدایی، گرایش به رکود جدید تولید، تشدید مبارزه و رقابت در زمینه‌های اقتصادی و مالی، تورم فزاینده و بیکاری روزافزون تشکیل میدادند. این بحران از لحاظ خلعت، تداوم و وسعت، بارتاتی از بحران عمومی نظام سرمایه‌داری و نمایانگر عدم توانایی این نظام برای یافتن راه حل مشکلاتی است که در اثر نابسامانی دروسی آن پدید می‌آیند، و همچنین نشانه تشدید تضاد - های میان دول امپریالیستی بود، که از فرو - پاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم و شکست سیاست نو استعماری آن پس از جنگ دوم جهانی نشأت می‌گیرد.

تلاش سرمایه‌داری، به پیروی از قانونمندی‌های سرشتی خود، برای افزایش میزان درآمد، در حال حاضر از هر زمان در دوران پس از جنگ با دشواریهای بیشتری روبرو می‌شود، به این علت که تأمین چنین درآمدی به میزان زیادی با تشدید استثمار کشورهای کم‌رشد از جانب دول امپریالیستی مربوط میشود. برای برون رفت از این وضع اسف‌بار، که همچنان به و خامت بیشتری می‌گراید، راهی یافت نشده و برای استقرار نظام نوین روابط اقتصادی بین‌المللی، که برای کشورهای "جهان سوم" یک مسئله حیاتی است، حتی یک قدم برداشته نشده است.

دولت آمریکا با افزایش بهره وام‌های خود به میزان بی‌سابقه‌ای، بحران مالی جهان را تشدید می‌کند. از یسکو ارزش دلار را در عرصه اقتصاد ایالات متحده آمریکا، به منظور کاهش آهنگ رشد اقتصادی و وسیله‌ای جهت مهار کردن وحشی از میان بردن تورم، بالا می‌برد. از سوی دیگر تلاش دارد دلارهای اروپا را از راه بهره‌اخبارات خود در بازارهای اروپا، که برای تأمین هزینه‌های جنگ ویتنام بر آورده شده بود، و نیز اعتبارات مالی جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا و دیگر کشورهای - های عضو بازار مشترک، به آمریکا جلب کند، و با این عمل به اقتصاد متفقین اروپایی خود خسارات سنگین وارد می‌سازد.

ایالات متحده آمریکا با این اقدامات رقابتی خود را ناتوان کرده و ارزشهای این کشور - ها را از ارزش انداخته است، علاوه بر این، قیمت کالاهای صنعتی، که این کشورها از آمریکا وارد می‌کنند، روز بروز بالا می‌رود و بر سبای نفت وارداتی آنان افزوده می‌شود، بر صورتی که قیمت کالاهای صادراتی آنان برای مصرف - کنندگان آمریکایی کاهش می‌یابد. به همین علت بازار مشترک اروپا با گریز شده است تا دایره عاجلی اتخاذ نماید. اعتراض مشخص و شدید میتران رئیس جمهور فرانسه نموداری از عدم رضایت کشورهای عضو بازار مشترک اروپا از سیاست اقتصادی آمریکا است. در بسیاری از کشورهای "جهان سوم" نیز، سراز بردن ذخایر ارزی آنان از راه بهره‌های وام به بانک‌های آمریکایی، موجب نارضایتی شدید این کشورهاست. این وامها، که سال سال بر مبلغ و در نتیجه بهره سالانه آنان افزوده می‌شود، بار سنگین و توانفرسایی است بر اقتصاد کشورهای رشد یافته، اما بحران اقتصاد سرمایه‌داری هر قدر هم با پدیده‌های مزمن خود، مانند رکود، تورم، بیکاری، اسراف در هزینه‌ها و اشکال بیماری‌گونه رشد، دشوار باشد، سنگین‌ترین بار آن و پیامدهای زیان‌آور آن بر دوش کشورهای رشد یافته تحمیل می‌شود و اقتصاد این کشورها را از رزمی می‌اندازد.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته عناصر بحران اقتصادی خود را به کشورهای رشد یافته منتقل کرده و عناصر تازه‌ای به آن افزوده‌اند. وابستگی اقتصادی فزاینده کشورهای به اصطلاح جهان سوم به کشورهای صنعتی رشد یافته، وضع نابرابر و نامساعد آنرا در تبادلات بازرگانی وخیم‌تر کرده است. در این روند پرشتاب و مخرب نقش عمده را بانک‌های خصوصی و موسسات مالی و ارزی بین‌المللی ایفا می‌کنند. این وضع، همزمان با افزایش امکانات نفوذ اقتصادی و مالی و فنی شرکت‌های ما فوق ملی در کشورهای کم‌رشد، موجب خفقان کامل اقتصادی و فلج مالی این کشورها گردیده و



آنها را دچار بی‌بست کرده است. نتایج نا - مساعد قیمتها در تبادل متقابل کالا، راکد ماندن و یا حتی کاهش قیمت‌های مواد خام و دیگر محصولات کشورهای کم‌رشد از یسکو، گرانی فزاینده محصولات آماده و خدمات، که از جانب کشورهای صنعتی رشد یافته عرضه می‌شود، نرخ - های گران بهره وامها و محدود بودن منابع اعتبارات مالی معاملات خارجی و تورم روزافزون از سوی دیگر، برخی از عناصر عمده بحران کنونی را تشکیل می‌دهند. طبق آمار رسمی، مبلغ بد هکاری خارجی کشورهای به اصطلاح جهان سوم در سال ۱۹۸۱ به یانصد میلیارد دلار افزایش یافت و روز بروز نیز به این مبلغ افزوده میشود. وامهای خارجی کشورهای آمریکای لاتین، که در سال ۱۹۶۵ نزدیک به ده میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۰ میلیارد دلار رسید.

برای آنکه تصور روشنی از افزایش قیمت - های کالاهای وارداتی به کشورهای با اصطلاح جهان سوم داشته باشیم کافی است یادآور شویم که در سال ۱۹۷۸ افزایش قیمت‌ها برای این منطقه بدین ترتیب بوده است: تفاوت قیمت‌ها نسبت به سال ۱۹۷۰ در مورد مواد سوخت به میزان ۱۴ میلیارد و ۴۲۲ میلیون دلار و محصولات صنعتی به میزان ۲۵ میلیارد و ۳۰۴ میلیون دلار، افزایش یافته است. نتایج اجتماعی چنین وضعی گسترش روزافزون فقر، عقب‌ماندگی فرهنگی و افزایش بیکاری در کشورهای "جهان سوم" است.

از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، یعنی طی ده سال، وامهای دولتی کشورهای کم‌رشد بطور میانگین ۲۱٪ افزایش یافت. در سال ۱۹۷۹ این کشورها مبلغ ۴۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به عنوان تادیه اقساط وامهای خود برداخته‌اند.

گسترش نفوذ اقتصاد مالی انحصارات امپریالیستی در کشورهای "جهان سوم" به صورت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نیز در این کشورها بازتاب یافته است. طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۰ میزان این سرمایه‌گذاری به ۴۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار رسید، که به هیچوجه برای حداقل رشد اقتصادی در این کشورها کفایت نمی‌کند. در عین حال طی همین مدت میزان درآمد شرکت‌های مافوق ملی امپریالیستی از این کشورها به رقم نجومی ۱۵۰ میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار رسید. درآمد انحصارات آمریکایی از سرمایه‌گذاریها بالغ بر ۳۹ میلیارد و ۶۸۵ میلیون دلار بود، یا بدیگر سخن، در ازاء هر یک دلار، ۴/۵ دلار در آمد داشتند.

طبق آمار رسمی بانک بین‌المللی عمران و توسعه در سال ۱۹۷۸ محصول کل ملی ۱۸ کشور سرمایه‌داری، سرانه معادل ۸۰۷۰ دلار بود، در حالی که در ۳۸ کشور کم‌رشد این مبلغ سرانه ۲۰۰ دلار بوده است. به دیگر سخن کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته در سال ۱۹۷۸ سرانه به میزان ۶/۵ بار بیش از کشورهای با درآمد متوسط و ۴۰ بار بیش از فقیرترین کشورهای کم‌رشد، محصول ملی داشته‌اند. هیچگاه در گذشته تهیدستان تا این حد فقیر و مفلس و مستمکران به این میزان شقی و بیرحم نبوده‌اند.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته، که فقط ۲۵٪ جمعیت کره ارض در آن‌ها زندگی می‌کنند، ۸۵٪ کل محصول ملی، یعنی ۷۵٪ انرژی و ۹۲٪ محصولات صنعتی را مصرف می‌کنند و ۹۵٪ منابع نفتی را در اختیار دارند. ۸۹٪ کل اعتبارات آموزشی جهان سرمایه‌داری در این کشورها برای آموزش مصرف می‌شود. اکنون جمعیت جهان ۴ میلیارد و چهارصد میلیون نفر است، که ۷۵٪ این جمعیت در کشورهای کم‌رشد زندگی می‌کنند

در سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان به ۶ میلیارد و چهارصد میلیون نفر خواهد رسید، یعنی اضافه رشد جمعیت طی آخرین ربع سده معاصر ۵۵٪ خواهد بود، که متجاوز از ۹۰٪ این رشد اضافی در کشورهای کم‌رشد خواهد بود. یعنی در سال ۲ هزار ۵۰۰ میلیارد و ۱۲۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در این کشورها زندگی خواهند کرد. در سال ۲۰۰۰ درآمد شخصی سرانه در کشور - های سرمایه‌داری ۱۴ بار و در غنی‌ترین کشور - های سرمایه‌داری ۲۰ بار بیش از درآمد شخصی سرانه در کشورهای کم‌رشد خواهد بود.

"جهان سوم" - بهداشت، آموزش و فرهنگ

بهداشت، آموزش و فرهنگ از عادی‌ترین حقوق انسانهاست. اما توده‌های عظیم مردم در کشورهای کم‌رشد از این حقوق محرومند و علت آن کمبود مدرسه، آموزگار، کارشناس و وسائل بهداشتی است.

طی پانزده سال اخیر شمار بیسوادان در جهان سرمایه‌داری بطور مداوم روبه‌فرونی بوده است. طبق آمار رسمی یونسکو در سال ۱۹۶۵، در جهان سرمایه‌داری ۸۰۰ میلیون و در سال ۱۹۸۰ نزدیک به ۸۲۰ میلیون نفر بیسواد بودند. پیش - بینی می‌شود که تا سال ۱۹۹۰ این رقم تا ۸۸۴ میلیون افزایش یابد. جهان سرمایه‌داری با یک میلیارد بیسواد به سده ۲۱ام خواهد نهاد. در نیمه‌ای از کشورهای جهان سرمایه‌به - داری ۵۰٪ کودکان مدارس ابتدایی را به پایان نمی‌رسانند. در سال ۱۹۸۰، در جهان سرمایه - داری قریب ۲۵۰ میلیون کودک، از سنین پنج تا چهارده ساله وجود داشت که اصولاً از تحصیل محروم مانده‌اند.

کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته غرب نه تنها کمترین مساعدتی برای توسعه آموزش و فرهنگ در کشورهای "جهان سوم" نمی‌کنند، بلکه فساد و فحشا را در این کشورها رواج می‌دهند. طبق تحقیقات سازمان بین‌المللی کار، تنها در بانک نزدیک به دو بیست هزار دختر جوان به فحشا اشتغال دارند، که بیش از نیمی از آنها کمتر از بیست سال دارند و اکثر آنها در سن دوازده سالگی به عورتکده‌ها فروخته شده‌اند.

در زمینه بهداشت نیز فاصله بسیاری میان کشورهای کم‌رشد و کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته مشاهده میشود. در کشورهای "جهان سوم" هفتاد درصد کودکان مبتلا به بیماری - های عفونی و فلج اطفال هستند. متجاوز از ۲۵٪ جمعیت جهان سرمایه‌داری در شرایط فقر و بی‌خانمانی زندگی می‌کنند و فاقد هرگونه وسایل بهداشتی هستند.

در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته آمار مرگ و میر اطفال در هر هزار کودک ۱۵ تا ۲۰ نفر است. در آفریقا این شاخص ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر، در کشورهای آسیا ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر و در کشورهای های آمریکای لاتین از ۳۰ تا ۱۷۰ نفر است. در کوبا این رقم زیر ۲۰ نفر است.

در جهان سرمایه‌داری سالانه ۱۸ میلیون کودک زیر پنج سال تلف میشوند، که ۹۵ درصد این تعداد متعلق به کشورهای "جهان سوم" است. میانگین طول عمر در این کشورها به ۵۰ سال و در پاره‌ای از مناطق به ۴۰ سال می‌رسد. در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته به نسبت هر یانصد تا شصت نفر از اهالی یک پزشک وجود دارد، در حالی که در گروهی از کشورهای "جهان سوم" به نسبت هر شصت هزار نفر از اهالی یک پزشک وجود دارد.

با جمع بندی آنچه که گفته شد، وضع اقتصادی، آموزش و بهداشت در کشورهای "جهان سوم" چنین خلاصه میشود: در این کشورها ۵۷۰ میلیون نفر گرسنه و یادچار کمبود غذائی هستند، ۸۰۰ میلیون نفر از سکنه بزرگسال در این کشورها بی‌سوادند، یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر در این کشورها از هرگونه وسیله بهداشتی و کمک پزشکی محرومند، درآمد سالانه یک میلیارد و سیصد هزار نفر از اهالی این کشورها ۹۰ دلار است، یک میلیارد و هفتصد هزار نفر توانائی و امید به زنده ماندن تا هشت سالگی را ندارند متجاوز از یک میلیارد نفر بقیه در صفحه ۴

بقیة از صفحه ۳

یافتند مسکن هستند و یا در اماکنی زندگی می- کنند که فاقد هرگونه وسیله راحتی و بهداشتی است ، ۲۵۰ میلیون نفر کودک در این کشور ها امکان برای تحصیل ندارند ، متجاوز از یک میلیارد از اهالی این کشورها بیکارند .

شکاف عمیق میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته با کشورهای "جهان سوم" در تمام سطوح اقتصادی ، آموزشی ، بهداشتی و فرهنگی سال به سال بیشتر میشود ، آیا در چنین وضعی مسابقه تسلیحاتی میتواند توجیه منطقی داشته باشد ؟ آیا اقدام به تولید سلاح نوترونی و تشدید سیاست نظامیگری قابل توجیه است ؟

دولت جدید و واشنگتن اعلام کرده که سهم خود را در سازمان های بین المللی وام کاهش خواهد داد و کوشش خواهد کرد که پاره ای از وام ها را لغو کند . روزنامه وال استریت در این باره نوشت که ریگان قصد دارد بینش های اقتصادی خود را به صندوق بین المللی پول ، به بانک بین المللی توسعه و عمران و بانک بین المللی تولید تحمیل کند . واشنگتن می خواهد چنان وضعی بوجود آورد که سازمان های بین المللی وام از کشورهای تکیه برای دریافت وام به آنها مراجعه میکنند ، طلب کنند که این کشورها اعتبارات دولتی برای هزینه ها و نیازمندی های اجتماعی را تقلیل دهند . این سیاست شوه حدیست فشار و تحمیل به کشورهای رشد - یابنده است ، تا آنها را مجبور کنند تنها سیاستی را در زمینه اقتصاد اجرا نمایند ، که به کسرتش و رونق اقتصاد بازاری کمک کند ، یعنی میدان عمل وسیعتری را برای سرمایه های خصوصی و سرمایه های انحصاری مافوق ملی تأمین کند .

با چنین تصویری درباره همکاری اقتصادی و نقش ایالات متحده آمریکا ، از نظام نوین روابط اقتصادی بین المللی چه انتظاری می توان داشت ؟ ممکن نیست که در جهان سیاست میلیتاریستی و در عین حال همکاری اقتصادی وجود داشته باشد .

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا تمام نظریات درباره ضرورت توازن نظامی را ، به عنوان پایه ای برای همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظام های اجتماعی متفاوت ، نفی میکند . دولت آمریکا دستیابی به برتری نظامی را بعنوان شرط مذاکرات در زمینه محدود کردن سلاح های استراتژیکی مطرح می - کند . موافقتنامه درباره محدود کردن سلاح های استراتژیکی (سالت-۲) که در گذشته از جانب کارشناسان آمریکا بعنوان یک اقدام مثبت و بخشی از روند از میان بردن خطر جنگ هسته ای ارزیابی میشد ، امروز رد میشود ، و دولت آمریکا مدعیست که این موافقتنامه با خواست های نظامی آن وفق نمیدهد ، عقیده دولت آمریکا این خواست ها زمانی ارضاء میشوند که آمریکا به برتری نظامی دست یابد .

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا ، از نظام نوین روابط اقتصادی بین المللی چه انتظاری می توان داشت ؟ ممکن نیست که در جهان سیاست میلیتاریستی و در عین حال همکاری اقتصادی وجود داشته باشد .

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا تمام نظریات درباره ضرورت توازن نظامی را ، به عنوان پایه ای برای همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظام های اجتماعی متفاوت ، نفی میکند . دولت آمریکا دستیابی به برتری نظامی را بعنوان شرط مذاکرات در زمینه محدود کردن سلاح های استراتژیکی مطرح می - کند . موافقتنامه درباره محدود کردن سلاح های استراتژیکی (سالت-۲) که در گذشته از جانب کارشناسان آمریکا بعنوان یک اقدام مثبت و بخشی از روند از میان بردن خطر جنگ هسته ای ارزیابی میشد ، امروز رد میشود ، و دولت آمریکا مدعیست که این موافقتنامه با خواست های نظامی آن وفق نمیدهد ، عقیده دولت آمریکا این خواست ها زمانی ارضاء میشوند که آمریکا به برتری نظامی دست یابد .

آمریکا جهان را به ورطه

جنگ هسته ای سوق می دهد

از زمان زد و بند های مونیخ ، که پیش از جنگ جهانی دوم انجام گرفت ، تاکنون چنین اظهارات تهدید آمیز و جنگجویانه ای در محام بین المللی ، که امروز از زبان ریگان رئیس جمهور آمریکا ، هیک وزیر امور خارجه و این برگزار بر دفاع آمریکا شنیده میشود ، بیسابقه است . دولت جدید کاخ سفید حتی به نظریات و عقاید متفقین خود در پیمان نظامی ناتو بی اعتناست . دولت کشورهای اروپائی عضو ناتو از دولت آمریکا خواستند ، تا قبل از استقرار ۵۷۲ موشک بالستیک در اروپا ، که وزارت دفاع آمریکا قصد آنرا در سوا این اقدام برخطر وقوع جنگ هسته ای در اروپا مینماید - با اتحاد شوروی وارد مذاکره بشود . خلق های اروپا برنامه استقرار موشک های هسته ای در خاک اروپا را با قاطعیت محکوم میکنند . اما دولت آمریکا به این خواست ها همچنان بی - اعتناست .

دولت ریگان نه تنها برای مذاکرات تمایلی از خود نشان نمیدهد ، بلکه به افکار عمومی محافل اجتماعی جهانی هم واقعی نمی - گذارد و تهدیدات جنگجویانه خود را ادامه میدهد .

از سوی دیگر این واقعیت رانمی توان فراموش کرد که در سال ۱۹۶۲ اعتراض ایالات متحده آمریکا علیه استقرار ۴۲ موشک میان - برد در خاک کوبا موجب انجنان بحران سیاسی در این منطقه شد که جهان را در لب پرته جنگ هسته ای قرارداد . پس چرا باید این احتمال را منتفی دانست که استقرار ۵۷۲ موشک آمریکائی در مجاور مرزهای شوروی ، میتواند از جانب اتحاد شوروی به عنوان تهدید و اقدام تحریک آمیز جدی تلقی شود ؟

آمریکا جهان را به ورطه جنگ هسته ای سوق می دهد

(بقیه)

امپریالیسم آمریکا در نقش زاندارم

بین المللی

امپریالیسم آمریکا رسماً خود را زاندارم بین المللی و مخالف با هر گونه تحولات اجتماعی در هر کشور اعلام میکند و مداخله نظامی را برای خود حق میدانند .

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا هر انقلابی را در هر منطقه ای از جهان روی دهد ، "توسعه طلبی شوروی" تلقی میکند ، در صورتی که بحران اقتصادی شدید و عمیقی که جهان سرمایه داری را فرا گرفته ، هر روز در نقطه ای از جهان با انفجار انقلابی مظاهر میشود و موجب تحولات سیاسی و اجتماعی میگردد . انقلاب ها در سراسر تاریخ بشریت وجود داشته اند و هیچ نیرو و قدرتی قادر نیست مانع وقوع آنها شود .

دولت جدید آمریکا ، با سیاست نظامی - گری خود ، تاکنون در پنج مورد به اقدام نظامی خطرناک و خونین دست زده است :

۱- اقدامات مداخله گرانه در السالوادور . در این کشور ایالات متحده آمریکا به دولت ضد - خلقی کمک نظامی میکند ، مستشاران نظامی خود را اعزام میدارد و در کشتار متجاوز از ۲۰ هزار از فرزندان این خلق قهرمان مستقیماً شرکت دارد .

۲- بمباران مرکز تاسیسات اتمی عراق از جانب دولت صهیونیستی اسرائیل ، که در دوران صلح در مناسبات بین المللی بیسابقه است .

۳- بمباران های مداوم سرزمین لبنان از جانب اسرائیل ، که موجب کشتار صدها نفر اهالی این کشور و مبارزان فلسطین میگردد .

۴- اقدام تجاوز کارانه تحریک آمیز علیه لیبی در خلیج سیدر ، که موجب سرنگونی دو هواپیمای کشتی کشی لیبی گردید .

۵- تجاوز نظامی به خاک آنگولا و بمباران خاک این کشور از جانب رژیم نژاد - پرست آفریقای جنوبی .

همه این اقدامات بطور مستقیم و یا غیر - مستقیم از جانب امپریالیسم و یا با حمایت آن انجام گرفته است .

تلاش دولت ریگان برای دستیابی به برتری نظامی ، که هیچ حد و مرز اخلاقی نمی - شناسد ، بازتابی از خصلت سیاست خار جی امپریالیسم آمریکا در سطح جهانی و تعیین - کننده مواضع دولت آمریکا نسبت به مبرم ترین مسائل جهان معاصر است .

سازمان ملل متحد به ضرورت این امر اعتراف نمود که اسرائیل موظف است کلیه سرزمین های اشغال شده در نتیجه عملیات جنگی را به کشورهای عربی بازگرداند و برای ایجاد دولت مستقل ملی خلق عرب فلسطین در خاور نزدیک تضمین لازم را فراهم آورد . دولت صهیونیستی اسرائیل نه تنها این قرار - ها و قطعنامه های سازمان ملل متحد را به مسخره میگرد ، بلکه همچنین با اقدامات تجاوز کارانه خود ، که واشنگتن آن را تحمل و ترغیب میکند به افکار عمومی محافل اجتماعی جهان واقعی نمی گذارد . با وجود این واشنگتن چنین وانمود میکند که در جستجوی یافتن راه حل صلح در این منطقه است و حتی در صورت ظاهر اسرائیل را به قطع ارسال تسلیحات تهدید میکند . اما دولت آمریکا نمی تواند این دورویی و تزویر را برای مدت زیادی از نظرها بیوشاند . اکنون دولت ریگان هواپیما های جنگی اف - ۱۵ و اف - ۱۶ را در اختیار اسرائیل میگذارد و بگین را برای بررسی شرایط پیمان استراتژیکی که میان اسرائیل و ایالات متحده آمریکا بسته شده ، به کاخ سفید می پذیرد .

سالیان درازی است که کشورهای حوضه اقیانوس هند مبارزه میکنند ، تا این منطقه به منطقه صلح تبدیل گردد و ناوگان نظامی خارجی مستقر در اقیانوس هند از این منطقه خارج شود . اتحاد شوروی آمادگی خود را در این مورد بارها اعلام کرده است . اما دولت ریگان ، طبق برنامه های نظامی خود ، نیروهای دریائی هر چه بیشتری را در این منطقه متمرکز می کند و حتی قصد دارد جمهوری آفریقای جنوبی و کشورهای آمریکائی لاتین را به همکاری در این برنامه ها جلب کند و آنها را مجبور سازد به اتحاد نظامی اتلانتیک جنوبی ، که مکمل پیمان نظامی ناتواست ، بپیوندند .

دولت جدید ایالات متحده آمریکا ، به عنوان بخشی از استراتژی نظامی جهانی خود ، رژیم مصر را زاندارم منطقه در خاور نزدیک تبدیل کرده است . دولت آمریکا سیاست ضد -

ره آورد سرمایه داری برای "جهان سوم"

در کشورهای "جهان سوم" ۵۷۰ میلیون نفر گرسنه و یا دچار کمبود غذایی هستند . ۸۰۰ میلیون نفر از سکنه بزرگسال در این کشورها بیسوادند ، یک میلیارد و ۵۰۰ هزار نفر در این کشورها از هرگونه وسیله بهداشتی و کمک پزشکی محرومند ، درآمد سالانه یک میلیارد و ۳۰۰ هزار نفر از اهالی این کشورها ۹۰ دلار است . یک میلیارد و ۷۰۰ هزار نفر توانائی وامیدنده زنده ماندن تا ۶۰ سالگی را ندارند ، متجاوز از یک میلیارد نفر فاقد مسکن هستند و یا در اماکنی زندگی میکنند ، که فاقد هرگونه وسیله راحتی و بهداشتی هستند ، ۲۵۰ میلیون نفر کودک در این کشور ها امکان برای تحصیل ندارند ، متجاوز از یک میلیارد از اهالی این کشورها بیکارند .

امپریالیسم آمریکا کوبارا

به تجاوز مستقیم نظامی تهدید می کند

فیدل کاسترو در بخش پایانی سخن رانی خود روی مسائل مربوط به کوبا و اقدامات مداخله گرانه و تحریک آمیز امپریالیسم آمریکا علیه کوبا تکبیه نمود :

دولت آمریکا محاصره اقتصادی جنایت - آمیز علیه کشور ما را تشدید میکند و فعالیت های جاسوسی و تخریبی علیه کوبا را گسترش میدهد . دولت آمریکا رسماً اعلام میکند که ، با گسترش و تقویت برنامه های تبلیغاتی رادیویی علیه کوبا ، قصد دارد ثبات و آرامش در کشور ما را مختل سازد و به ضدانقلاب مساعدت کند . دولت آمریکا هرگونه محدودیت را برای فعالیت های خرابکارانه "سیا" لغو کرده است . دولت آمریکا تاکنون به این پرسش پاسخ نداده است که : آیا سازمان جهانی "سیا" همچنان در اقدامات خرابکارانه و تروریستی خود علیه کشور های انقلابی و رهبران آنان و استفاده از سلاح های شیمیائی و میکروبی علیه اهالی این کشورها آزادی عمل خواهد داشت ؟

اکنون از جانب آمریکا خطر محاصره دریایی و تجاوز نظامی مستقیم ما را تهدید می - کند .

چندی پیش ما رسماً اعلام کردیم که امپریالیسم آمریکا علیه مین ماسلاخ میکروبی به

عربی و صد فلسطینی این رژیم را برای ردیکی واستحکام روابط میان مصر و اسرائیل تشویق و ترغیب میکند . دولت آمریکا در عین حال ، ضمن تضعیف و تجزیه جهان عرب ، از مرتجع ترین رژیم های مترقی و مستقل این منطقه استفاده میکند ، گروه های ضد انقلابی علیه رژیم دمکراتیک افغانستان را تحریک و از آنان حمایت می کند و از هرگونه کوشش برای مذاکره و حل و فصل اختلاف میان پاکستان با جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان جلوگیری عمل می آورد . دولت ریگان به اقدامات تحریک آمیز علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره ادامه می دهد . ایالات متحده آمریکا با استحکام و گسترش روابط خود با چنین در زمینه های اقتصادی و سیاسی و نظامی استراتژی آشکار و خطرناک استفاده از چین علیه اتحاد شوروی را دنبال میکند . ایالات متحده آمریکا همچنین عملیات تحریک آمیز و خرابکارانه علیه مجموعه کشورهای جامعه سوسیالیستی را تشدید میکند .

خطرناک ترین و نگرانی آورترین جنبه های سیاست آمریکا خودخواهی و تفرعن و فقدان هرگونه علاقمندی دولت آمریکا نسبت به مذاکرات در مورد مسائل خلع سلاح ، محدود کردن مسابقه تسلیحاتی ، تنش زدایی و حفظ و استحکام صلح است . این امر در لحن متجاوز خشن و آمرانه آن برای اعمال فشار ، تهدید و شکار نسبت به اتحاد شوروی متجلی میشود .

کار میبرد . این ادعای ماسخنان بی پایه ای نیست در مدت کمتر از سه سال ، پنج بار دام ها و مزارع کشور ما دچار بیماریهای واگیر و آفات کشاورزی شدند و از همه خطرناکتر اینکه ، این بیماری ها به اهالی کشور نیز سرایت کرد . در نتیجه این بیماری ها خسارات مالی و جانی سنگینی به کشور ما وارد آمد .

در ایالات متحده آمریکا یک هزاراد خانه کامل از این نوع سلاح بوجود آمده و شیوه های دقیق کار برد آن نیز تدوین شده است . طبق دکتربین امپریالیستی کاربرد این نوع سلاح در شرایط صلح هم مجاز شناخته شده است . در نتیجه شیوع ناگهانی یک نوع تب ، که ناقل میکروب آن "ویروس شماره ۲" بود ، ۱۵۶ نفر ، از آن جمله ۹۹ کودک تلف شدند . در نتیجه پژوهش ها و آزمایش های کارشناسان کوبائی و خارجی ، معلوم شد که میکروب این بیماری از خارج کوبا انتقال داده شده است . پس از تحقیقات و بررسی های فراوان معلوم شد ، زمانیکه این بیماری در کوبا شیوع یافته ، در هیچیک از کشورهای آفریقای جنوب و جنوب خاوری آسیا ، که ما با آنها مراد داریم ، اثری از "ویروس شماره ۲" مشاهده نشده است .

اول سپتامبر سال ۱۹۸۱ روزنامه آمریکا بی "میامی هرالد" مقاله ای منتشر کرد که در آن چنین آمده است :

"ادعای صریح فیدل کاسترو درباره بیماری های مری ، که موجب نابودی مزارع و تلفات دام در کوبا شده و تب دانگه که در کوبا شیوع یافته و موجب تلفات جانی شده ، و به دست اداره مرکزی جاسوس آمریکا انجام گرفته است ، برای مولف کتاب جدیدی که در این باره در پائیز امسال منتشر خواهد شد ، بعید به نظر نمی رسد ."

ماورپیشین "اف . بی . آی" و "ویلیم ترینر" روزنامه نگار آمریکائی اورن هنگلی طی گزارش خود تأیید کرده اند که :

"ایالات متحده آمریکا در دوران رئیس جمهوری نیکسون ، جنگ میکروبی علیه کوبا به راه انداخته است . به عقیده آنها این جنگ شامل شیوع ویای خوک جهت نابودی دام ها و ایجاد تغییرات جوی ، همراه با بارندگی شدید و ایجاد سیل بوده که منجر به از بین رفتن مزارع کشاورزی گردیده است ."

مولفین این گزارش خاطر نشان میکنند که "سیا" در مدت بیست سال ایالات متحده آمریکا را به یک جنگ پنهانی اعلام نشده علیه کوبا کشانده است . "طرح کوبا" ، که به وسیله این سازمان جاسوسی تهیه شده ، بزرگترین طرحی است که این سازمان ، برخلاف هرگونه قانون و برغم اساسنامه خود ، تهیه کرده و به مورد اجرا گذارده است . "طرح کوبا" ماجرای جنگ بزرگی است که دولت آمریکا ، بدون اطلاع کنگره و محافل اجتماعی و مطبوعات جهان ، علیه کوبا انجام داده که ، واشنگتن همواره سعی در انکار آن داشته است .

یکی از منابع "سیا" به نماینده "نیوزدی" اطلاع داده است که در آغاز سال ۱۹۷۱ در فوریت کولیک ، در منطقه کانال پاناما ، که یکی از پایگاه های ارتش آمریکا است و "سیا" در آنجا شبکه وسیعی دارد ، ظرفی محتوی میکروب به او داده اند و این ظرف با محتوی میکروب به یکی از فابق های ماهیگیری متعلق به جاسوسان "سیا" که بطور مخفیانه در کوبا فعالیت میکردند ، تحویل داده شده است . پس از آن بیماری ویای خوک آفریقای در کوبا شیوع پیدا کرد .

در حال حاضر که در کشور ما هنوز اپیدمی تب دانگه کاملاً از بین نرفته ، در پایتخت کوبا بیماری دیگری بنام "گونیوکتیوگه مورائی" شیوع پیدا کرده و امیدوارم که حضار در این کنفرانس به این بیماری متلا نشده باشند .

رهبری کنونی آمریکا ، یک گروه

فاشیستی با طرز تفکر فاشیستی است

آقایان نمایندگان محترم ! تجارب تلخ بیست ساله مادر روابط با ایالات متحده آمریکا در سبهای فراوانی به ما داده است . ما از امپریالیسم آمریکا و دولت آن که سرمنشأ ترورو جنایت است ، انتظار هرگونه خرابکاری و اقدامات تبهکارانه را داریم .

ما از تهدیدات امپریالیسم آمریکا باکسی نداریم . شاید بتوان دانست که چه زمانی و در چه فرصت مناسبی میشود علیه کوبا دست به عملیات جنگی زد . اما هیچکس نمیتواند پیش بینی کند که این تجاوز چه وقت و با چه نتیجه ای به پایان خواهد رسید .

بمناسبت

بیست و پنجمین سالگرد

تأسیس "میلا"

(۱۹ آذر ۱۳۳۵ / ۱۰ دسامبر ۱۹۷۵)

"میلا - حزب کار"

پیشاهنگ خلق آنگولا

جشن آزادی بخش "میلا" در ۱۹ آذر ۱۳۳۵ (۱۰ دسامبر ۱۹۵۶) تأسیس یافت. خلق آنگولا رهبری این جنبش در ۲۵ آبان ۱۳۵۴ (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) پس از نزدیک به ۵۰ سال سلطه استعمار به استقلال نایل شد. در این روز بود که تشکیل "جمهوری خلق آنگولا" اعلام گشت. جمهوری نوپا از آغاز استقلال با گسترده ترین مداخلات امپریالیست ها و نژادپرستان رویارو شد و تنها پس از یک سال مبارزه دشوار (در سال ۱۹۷۶) بر اینان غلبه کرد. اما علی رغم این شکست، نژادپرستان رژیم آپارتید تا به امروز به جنگ اعلام نشده، تجاوزات بی شمار و حملات و مداخلات گستاخانه خود علیه "جمهوری خلق آنگولا" ادامه می دهند.



حوزه ادواری دودوی سانوش - صدر میلا - حزب کار و رئیس جمهوری خلق آنگولا

"میلا"، پس از آن که در نخستین کنگره خود (دسامبر ۱۹۷۷)، عنوان حزب مارکسیستی - لنینیستی، به "میلا - حزب کار" تغییر نام داد، پیگیرانه به مهمترین نیروی اجتماعی آنگولا بدل شد. این حزب اینکه ۳۱۰۰۰ عضو و نامزد را در برمی گیرد، که ۵۱٪ آنها کارگر و دهقان هستند. حزب در مهم ترین کانونهای تولید و مدیریت، یگانهای ارتش، گسترش های دولتی، تعاونی های کشاورزی و اتحادیه های دهقانی دارای نزدیک به ۳۰۰۰ حوزه است.

با توجه به سبانه ترین حملات امپریالیسم و تجاوزات بی دریغ آفریقای جنوبی، تقویت، آمادگی و نیروی دفاعی آنگولا در مرکز فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک "میلا - حزب کار" قرار دارد.

نخستین کنگره فوق العاده "میلا - حزب کار"، که یکسال پیش (دسامبر ۱۹۸۵) برگزار شد، تصمیم گرفت که انقلاب عمومی - دمکراتیک را به انجام برساند و در روندی واحد مرحله گذار به نوسازی سوسیالیستی آغاز کند. در این زمینه، چهار سال آینده (تا ۱۹۸۵) بمنزله مرحله تعیین کننده در ایجاد پایه های مادی - فنی گذار به جامعه های سوسیالیستی شمار خواهد رفت.

دوش بدوش حزب، چندین سازمان توده ای آترا پار و باور هستند: ۷۵۰۰۰ جوان آنگولایی در سازمان جوانان ("JUMPLA") عضویت دارند. سازمان زنان ("OMA") ۸۰۰۰۰ زن آنگولایی را در برمی گیرد و اتحادیه سندیکائی ("UNTA") نزدیک به ۷۰۰۰۰۰ زحمتکش را در صفوف خود متحد می سازد.

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۸)

لیبرال ها چاقوی بنی صدر را تیز می کنند

یادآوری:

در ۷ شماره گذشته، کارنامه یکی از اصلی ترین متحدان بنی صدر، یعنی سرمایه داری لیبرال ایران را بررسی کردیم و با استناد به سخنان دولتمردان لیبرال، مواضع آنها را در عرصه های سیاست خارجی و داخلی نشان دادیم. چنانکه می دانید، دولت سرمایه داری لیبرال، بر شالوده، همان نظریات - یعنی در سیاست خارجی سازش با امپریالیسم جهان سرگردگی آمریکا، و در سیاست داخلی به کنار انداختن نظام آریامهری، البته با کمی تغییر - سرانجام به دیدار برزیلینسکی مشاور امنیتی کارتر رفت (شرح آن در شماره ۱۰۱ اتحاد مردم آمده است) و در پی این دیدار سقوط کرد. هنوز سه ماه از این سقوط سیاسی نگذشته بود که، ابوالحسن بنی صدر به ریاست جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. بنی صدر، همانطور که در بررسی کارنامه او نشان دادیم، همینکه برکسی ریاست جمهوری تکبیزد، مواضع واقعی خود را آشکار کرد. او که قبل از انتخاب به ریاست جمهوری بارها و بارها در متن عوامفریبی خود از سیاست سازشکارانه دولت لیبرالی و شخص مهندس بازرگان انتقاد کرده بود، بعد از انتخاب شدن نشان داد که در اساس همان راه را می رود. لیبرال ها می خواستند ایران را مستقیماً به آمریکا جوش دهند. بنی صدر، که به نظریات مائوئیستی خود لباس اسلامی پوشانده بود، همین راه را از رویای عربی می رفت. راه کمی دورتر، اما هدف یکی بود.

محض آشکار شدن اولین نشانه های این سیاست، لیبرال ها، که هنوز - و شورای انقلاب اکثریت داشتند - در قیام همه روز ایشان بر سر کار بودند و رسی صدر اعلام پشتیبانی کردند. لیبرال ها تا پایان - سقوط بنی صدر - اتمام نیرو از او پشتیبانی کردند، به او خط دادند، راهنمایی اش کردند و ... خلاصه هر چه همیز داشتند به تنور او ریختند. و تجربه تاریخی نشان داد که لیبرال ها، از دیدگاه طبقاتی خود، بر راستی بهترین فرد را انتخاب کرده بودند.

در این اتحاد لیبرال ها با بنی صدر، که هنوز هم ادامه دارد، و در نتیجه تشدید مبارزه طبقاتی، سرمایه داری لیبرال ایران مواضع خود را آشکارتر ساخت. روزنامه "میزان"، که بلندگوی سرمایه داری لیبرال ایران بود، در بیشتر از ۹ ماهی که انتشار یافت، مواضعی نظیری تبدیل شده که در آن مواضع اصلی لیبرال ها به زبان و قلم خودشان ثبت شده است. در این سند بیرونی، همه ریاکاری تاریخی سرمایه داری متبلور است. ورق ورق این روزنامه نشان می دهد که لیبرال ها چگونه وقتی که دولت را در دست داشتند، آشکارا همه خواست - های خلق را پایمال می کردند و همه آزادی های مردم را زیر پای می گذاشتند، و چه سان وقتی از قدرت سیاسی فرو افتادند، اهداف خود را زیر نام "مردم" و "آزادی" پنهان کردند و به عوامفریبی پرداختند. انگار همین آقایان نبودند که چند ماه قبل (چنانکه در بررسی کارنامه آنها در دولت موقت دیدیم) یاد تنها چیزی که نبودند، مردم بود و از تنها چیزی که نبودند، مردم بودند، منافع سرمایه داری بود. انگار همین آقایان نبودند که چند ماه قبل ایران را دو دستی تقدیم برزیلینسکی می کردند و حالا برای از دست رفتن یک دینار یا آزادی یک "گروگان فریاد" و "وطن" سر می دادند.

اینک "اتحاد مردم" در چند شماره به بررسی کارنامه سرمایه داری لیبرال ایران در دوران اتحادتنگا - تتنگ آن با بنی صدر می پردازد. اولین شماره اختصاص خواهد داشت به شرح خطوط کلی پشتیبانی لیبرال ها از

بامداد **گفتگو**
 وکیل سوم تهران در باره اولین مجلس جمهوری اسلامی
 سخن میگوید

بازرگان: بادوستانم چاقوی رئیس جمهوری را تیز می کنیم

تولت بعدی موفق نخواهد بود مگر اینکه ملت، رسانه ها، احزاب و گروهها و مجلس با او همکاری و از او پشتیبانی کنند
 * از مجلس انتظار می رود تیغه چاقوی رئیس جمهوری را کوتاه نکند

روزنامه "بازرگان" در شماره ۱۰۷، شماره ۲۵۷، صفحه ۷

بنی صدر و در سخنانهای بعد به مواضع گویاگون آنها خواهیم پرداخت. لازم می دانیم بیکار دیگر تاکید کنیم که دگر، تکیه و یا تاکید بر اسامی عیس در این بررسی، تنها برای به مواضع اجتماعی و سیاسی صاحبان آن اسامی است. وگرنه "اتحاد مردم" با هیچ فرد سیاسی مساله و غرض شخصی نداشته و ندارد.

* * *

دولت لیبرال مهندس مهدی بازرگان، که به شکرانه، پایمردی توده های میلیونی خلق، در روند تکامل انقلاب شکوه مند مردم ایران - آنچنان که خود سران این دولت ابراز کردند - به "چاقوی بی تیغه" ای تبدیل شد، همینکه ابوالحسن بنی صدر اولین نشانه های مواضع واقعی خود را آشکار کرد، به شکل دیگری امر "تیز کردن چاقوی رئیس جمهور" را به عهده گرفت.

مهندس مهدی بازرگان رک و راست گفت:

"... ایشان (بنی صدر) خوشبختانه امکانات و اختیاراتی گرفته اند... خوب چاقوی ایشان تیغه دارد... و دوستان ما خود بندیده هم، تا آنجا که بتوانیم، در تیز کردن چاقوی ایشان کمک می کنیم... اولین انتظاری که از مجلس می رود این است که این تیغه را کوتاه نکند..." (۲۴ فروردین ۱۳۵۹ - بامداد)

و به این ترتیب بود که این قافله - بنی صدر و متحدانش - در جاده برزیلینسکی راه افتاد.

روزنامه "میزان"، ارگان نهضت آزادی و در عین حال بلندگوی مخالفان تعمیق انقلاب، از هر نوع که بودند و با هر میزان وابستگی، نشان دهنده سیر این حرکت است. (از این به بعد همه ماخذ، بغیر از آنها که مشخصاً ذکر می شود، روزنامه "میزان" است)

این روزنامه وظیفه داشت که علاوه بر خط دادن به بنی صدر و پیگیری خط خود بنی صدر، گاه و بیگاه نیز حمایت

راه پیمایی (اربعین) ... با شعارهایی همچون خمینی روح خدا فرمانده کل قوا جهت سیاسی خود را روشن و خصوصاً خوش را با تصمیم امام به واگذاری فرماندهی کل قوا به رئیس جمهور نشان دادند... (۱۳۵۹ ماه ۱۳۵۹)

وباز هم: "... از همان روزهای اول نغمه های در مخالفت با رئیس جمهور از گوشه و کنار بلند شد که سرانجام با کشف و انتشار نوار معروف ریشه و منشأ آن معلوم گشت..." (۱۸ فروردین ۱۳۶۰)

سرمایه داری لیبرال ایران بر خاشخویانه به میدان آمد که: "... مگر نه این است که رئیس جمهور از طرف اکثریت قاطع مردم انتخاب شده و مقام رهبری به تنفیذ او پرداخته و بدینوسیله اطاعت از او را واجب شرعی اعلام نموده ... (همانجا)

به این ترتیب بود که شعار "سلام بر بازرگان" و "درد بر بنی صدر" در عم آمیخت و سخنرانی های مهندس بازرگان در نقاط مختلف از جمله در کاشان همراه با "... شعارهای ... درود بر بازرگان ... سلام بر بنی صدر ... (۱۳۵۹ آذر ۱۳۵۹) به تیلور عینی اتحاد سرمایه داری لیبرال ایران با بنی صدر - صدر بدل شد - دیگر "نهضت آزادی" "پای ثابت سخنرانی های آنچنانسی بنی صدر شده بود و این باران لیبرال، آن بار لیبرال مائوئیست مسلمان نما را دمی تنهانی گذاشتند.

روز مورخ ۲۶ آبان ۵۹، روزنامه "میزان" که تیزتر اول آن چنین بود:

"... از ریاست جمهور حمایت کنید ...، حاوی اعلام آمادگی "نهضت آزادی" برای شرکت در مراسم سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا در میدان آزادی نیز بود، آنهم با این لحن که: "... نهضت آزادی ایران ... از کلیه خواهران و برادران مبارز می خواهد که با شرکت در راه پیمایی این دو روز و استماع سخنرانی رئیس جمهور منتخب خود ... مشت محکمی به دهان تفرقه افکنان و فرصت طلبان بزنند ... و یا شرکت در مراسم سخنرانی بنی صدر در روزهای ۲۲ بهمن ۴۰ اسفند ۱۴ اسفند ... نمایندگان لیبرال در مجلس شورای اسلامی نیز با باند بنی صدر همکاری نزدیک داشتند و به مدافعان صریح بنی صدر در مجلس تبدیل شدند. غضنفر پوری گفت: "... تا اختناق در مجلس هست من در جلسه شرکت نمی کنم ... (۱۹ آبان ۵۹) و مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، هاشم صباغیان و دکتر یزدی به دلیل ... محدودیت های موجود در مجلس ... (۱۳ اسفند ۵۹) سخنرانی راه می انداختند، آنهم به این بهانه که: "... وضع مملکت در مرحله حساس قرار گرفته است ... (همانجا) بعد هم لیبرال ها و مائوئیست های مسلمان نما دست به دست هم ... در اعتراض به لایحه نخست وزیر برای سرپرستی وزارتخانه های بی وزیر ... (۱۵ اسفند ۵۹) از مجلس خارج شدند و جلسه را از اکثریت انداختند.

سرمقاله روزنامه "میزان"، فردای آن روز این هم اوایی را چنین ستودند: "... مقاومت دلیرانه نمایندگان که در روز بر زیر پا گذاشتن قانون اساسی صحنه گذاشتند و به جای اینکه خاموش نشسته و نهادن اولین خشت های کج در جمهوری اسلامی را نظاره کنند ... خاطره مبارزات مدرس بزرگ را در اذهان زنده می کند ... بیم آن می رود که برنامه ای که در نوار معروف ضبط شده است به مراحل نهایی پیاده شدن نزدیک باشد ... نمایندگان قهرمانی که در برابر این اقدامات ایستاده اند به بقیه در صفحه ۱۵

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

به تصویب رسید. نگاه گزارش شور اول کمیسیون بازرگانی در خصوص لایحه "اصلاح ماده ۱۲ اساسنامه شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی" طرح و تصویب شد. جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۷ آذر تشکیل شد اولین نطق قبل از دستور این جلسه **کیان ارشی** نماینده فریدن بود، که طی سخنانی در مورد نیازهای عشایر، خواستار رسیدگی به آنها و از جمله حل مشکل شناسنامه عشایر شد.

فرمان مهم امام

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی سخنان کوتاهی، فرمان امام خمینی را در خصوص لایحه "اصلاح ماده ۱۲ اساسنامه شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی" طرح و تصویب شد. جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۷ آذر تشکیل شد اولین نطق قبل از دستور این جلسه **کیان ارشی** نماینده فریدن بود، که طی سخنانی در مورد نیازهای عشایر، خواستار رسیدگی به آنها و از جمله حل مشکل شناسنامه عشایر شد.

همچنین از نمایندگان مجلس خواست تا در حوزه‌های انتخابیه خود مراعات اخراج کامل دستورات مهم امام خمینی باشند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و ابتدا برای انتخاب یک نفر جهت عضویت در کمیسیون موقت رسیدگی به درخواست صدور اجازه انتشار مطبوعات رای‌گیری شد، که در نتیجه **زوارهای** به عنوان نماینده مجلس در این کمیسیون انتخاب شد. همچنین اعلام شد که طرحی با ۲۵ امضاء در خصوص نحوه واگذاری زمین و تقسیمات ارضی تقدیم مجلس شده است. این طرح برای رسیدگی به کمیسیون کشاورزی فرستاده شد.

آنگاه ماده واحده‌ای در خصوص افزایش یکریال به حق‌الثبت مرسوله سفارشی و بیمه و دوریال به حق‌الثبت

مجلس با قاطعیت خواهان اجرای فرمان

مهم امام خمینی در مورد رعایت قانون است

رئیس مجلس: در اجرای فرمان مهم امام خمینی نه یک لحظه از فرصت (باید) فوت شود و نه از یک مورد تخلف گذشت شود.

نماینده اراک: نه درست کردن دشمنان موهوم درست است و نه به وجود آوردن فضایی که در آن امکان کوچکترین انتقاد وجود نداشته باشد.

رئیس مجلس: تمام خواست‌های عدالت‌خواهان با معیارهای قانونی به عرصه تحقق خواهد پیوست.

ایمان‌یستی طرح شد و پس از بحث نمایندگان، به عنوان موافق و مخالف، وی افزوده شدن یک تبصره به آن، به تصویب رسید.

سپس گزارش کمیسیون مسکن درباره اصلاحیه‌ای در طرح اراضی شهری که از سوی شورای نگهبان تأیید شده بود، مطرح شد. مقرر شد کمیسیون مسکن متذکر شده بعضی از انتقادات شورای نگهبان در مورد لایحه اراضی شهری در نظر گرفته و اصلاح شد، ولی انتقادات شورای نگهبان در مورد مواد ۷ و ۸ و تبصره‌های آنها ماده ۱۰، اینها را از فرمان امام استفاده کردیم و با توجه به ضرورتی که در جامعه مطرح است، مجدداً به مجلس آوردیم.

مخبر کمیسیون مسکن سپس ۲ ماده را، که بر اساس "حق ولایت ولی فقیه" و نیز با توجه به "کمبود شدید مسکن برای مستضعفین" و "نیاز دولت به اراضی شهری" تنظیم شده است، قرائت کرد. ماده اصلاحی که با توجه به حکم امام و

رهبران انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، در خصوص جلوگیری از تخلفاتی که از حدود قانون به عمل می‌آید، اشاره کرد و آن را "مهم و سزناشناختنی" توصیف کرد. رئیس مجلس از جمله گفت: "امام در لحظه مناسبی بیانیه بسیار مهمی صادر کردند که برای استقرار جمهوری اسلامی و برای ایجاد امن و آرامش خاطر و برای تحکیم عدالت کاملاً بسیار بلند و بجایی است. گرچه ما انتظار داشتیم با تذکری که امام در اول امسال دادند که سال، سال قانون است، نیازی به صدور بیانیه محدود ایشان نباشد، ولی به هر حال گوشه و کنار تخلفاتی بوده، که امام چنین محکم و رسماً باز دیگر تأکید کردند."

رئیس مجلس از جانب مجلس شورای اسلامی خطاب به مسئولین تأکید کرد: "مجلس با قاطعیت می‌خواهد که برای اجرای این دستور امام نه یک لحظه از فرصت فوت شود و نه از یک مورد تخلف گذشت بشود."

رئیس مجلس همچنین خطاب به آن دسته افرادی که "یا حسن نیست" تخلفاتی از قانون کرده و می‌کنند، اطمینان داد: "تمام خواسته‌های عدالت‌خواهان با معیارهای قانونی به عرصه تحقق خواهد پیوست."

رئیس مجلس شورای اسلامی

ایران به عنوان مضحک "حلوگیری از تهاجم شوروی به ایران، همراه "تسریع" تسلیح ترکیه از طرف آمریکا و توسعه همکاریهای نظامی با پاکستان، اقداماتی نیست که بتوان آنها را "بازی ضدانقلابی" دانست، و نیز اینکه مرزهای پاکستان با ایران - مرزهای نیستند که باعث آسودگی خیال باشند، امر واضحی است.

"تسریع" تسلیح ترکیه و پاکستان و توسعه همکاری نظامی بین رژیم‌های دیکتاتوری نظامی پاکستان و ترکیه - این دو دست آمریکا در همسایگی باقی‌نمی‌گذارد که توطئه جدیدی بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مجدانه در شرف تکوین است.

خلاصه اوضاع را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: آمریکا که می‌بیند پای خرتهاجم صدام به گل فرورفته و دور - نمای این تهاجم جز شکست چیز دیگری نیست، به تحریک ترکیه و پاکستان و تسلیح معجل آنها پرداخته، تا توطئه مسلحانه جدیدی را برای رسیدن به مقصود به آزمایش بگذارد.

این آزمایش جدید امیرالبنیسم آمریکا را نیز، با تجهیز همه مردم و با اتحاد همه نیروهای مردمی، می‌توان و باید با شکست مواجه ساخت. این هم خواست است و هم وظیفه.

این دو دست انقلاب ایران را بشکند، البته هم کنگان اورن وهم سلطان بن عبدالعزیز در پاکستان آزار دواگاه - های "مجاهدین" افغانی نیز باز دید کردند و بنویسید شرکت خود را در اجرای نقشه آمریکا برای خرابکاریهای مسلح در افغانستان به نمایش گذارند.

ولی هم آمریکا هم "دستهایش" می‌دانند که نسبت به افغانستان جز "آزار" کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند.

بنابراین، هدف اصلی "تسریع" تسلیح ترکیه و پاکستان، "توسعه" همکاری نظامی آنان، ایران و انقلاب ایران است.

اینکه در ترکیه سازمان "آزادگان" بفرماندهی بهرام آریانا - فاشیست سابقه‌دار و رئیس سابق ستاد ارتش شاهنشاهی - مشغول فعالیت است، این که در این کشور "ارتش آزادی بخش ایران"، از گروه بزرگی از ضدانقلابیون مزدور و اوباش فراری سرهم بندی می‌شود، اینکه در این کشور، بنا به گفته بختیار - نوکر بی‌اختیار - یکی از ایستگاه‌های رادیسوئی ضدانقلابی "پذیرفته" شده است، اینکه در مرزهای این کشور با ایران دائماً "شخصیت‌ها" و دستجات ضدانقلابی در رفت و آمدند... مطالبی است که خود "قایان" اظهار داشته‌اند و بدانها معتقدند.

و اما استقرار نیرو در منطقه مرزی

اما مسئله از آفتاب روشنتر است و جامعه، بینا و بیدار ما، آنرا چنانکه هست می‌بیند: دشمن اصلی، دشمن آشتی - ناپدید توطئه‌گر کی که به هر وسیله تصمیم دارد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشکند و یک رژیم "طرفدار ارزشهای غرب" دوباره در ایران برقرار کند، آمریکا است. این آمریکا تاکنون، نه بوسیله امیر - انتظام‌ها... تا بنی صدرها، توانسته است "تحولی" در ایران بوجود آورد که حاکمیت در ایران بدست طرفداران "ارزشهای غرب" افتد و نه بوسیله تهاجم نظامی (طیس) و کودتاسازی (نوزه) و حتی یورش گسترده "صدایی" توانسته است انقلاب ایران را بشکند و نظام جمهوری اسلامی ایران را براندازد. ولی این آمریکا، که برای منافع "حیاتی" - اش از ایران دست بردار نیست و دست بردار نخواهد بود، باز هم دست - هائی از نوع صدام دارد، که میتواند و می‌خواهد آنها را برای رسیدن به مقصود بکاراندازد، از جمله ترکیه و پاکستان و به ویژه ترکیه و پاکستان و بویژه ترکیه و پاکستان، چونکه آنها در همسایگی با - فصل ایران قرار دارند، بنابراین، هر انسان بینائی می‌بیند و نمی‌تواند نبیند که "تسریع" تسلیح ترکیه و پاکستان و "توسعه" همکاری نظامی بین آنان برای اینست که آمریکا بوسیله "همکاری"

انقلاب مورد بحث قرار گرفت و چند تن از نمایندگان بعنوان موافق و مخالف سخن گفتند.

سپس محمدزاده نماینده سپاه پاسداران در خصوص طرح اساسنامه سپاه مطالبی را بیان کرد. وی در سخنان خود وظیفه اصلی سپاه را "نگهداری از انقلاب و پاسداری از دستاوردهای آن" ذکر کرد و لزوم داشتن یک اساسنامه کامل و همه‌جانبه را برای این نهاد انقلابی یادآور شد. سرانجام کلیات طرح تصویب شد.

سپس لایحه دوقوریتی استخدام اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی یا خارجی، به منظور استیفای حقوق ملت ایران... از سوی دولت تقدیم مجلس شد. دو - قوریتی بودن این لایحه پس از سخنان چند نماینده، بعنوان موافق و مخالف، به تصویب رسید. بر طبق این لایحه، اشخاص حقیقی و حقوقی منتخب ترجیحاً از کشورهای جهان سوم مانند سری لانکا، هند، مجارستان، یوگسلاوی، ویتنام، مالزی و کوبا و در صورتی که دعوا در کشور غربی سوئد، هلند، فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلیس و ایتالیا و غیره مطرح است از کشور مزبور "انتخاب می‌شوند."

همکاری شرکت شیلات با شرکت صادراتی جمهوری خلق کره

سپس لایحه همکاری شرکت سهامی شیلات با "شرکت صادراتی تجهیزات عمومی کره" برای شور اول مطرح شد. مخبر کمیسیون کشاورزی در توضیح درباره این لایحه با اشاره به اینکه "کره ثابت کرده است با جمهوری اسلامی ایران دوست است و کشوری است ضد سرمایه‌داری و ضد آمریکا" تأکید کرد که دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت با این کشور در زمینه صید ماهی در آبهای منطقه همکاری کند. وی آنگاه امتیازاتی را که این لایحه برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در بر دارد، تشریح کرد. مخبر کمیسیون کشاورزی همچنین متذکر شد که جمهوری مکرانیک خلق کره موافقت کرده است که ۳۰ نفر از کارآموزان ایرانی را در دانشکده تکنولوژی صیادی آموزش بدهد. پس از سخنان دو نماینده بعنوان موافق و مخالف، ادامه بحث در مورد این لایحه به جلسه بعدی مجلس موکول شد.

خوانندگان محترم

و نمایندگیهای فروش هفته‌نامه «اتحاد مردم»

کمک‌های خوانندگان عزیز و پرداخت مرتب و به موقع بهای این نشریه در شهرستانها، به رفع مشکلات مالی این هفته‌نامه یاری می‌رساند. لذا خواهشمند است وجوه بدهی و کمک‌های نقدی را از طریق شعب بانکها، به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران شعبه آریاشهر تهران، به نام محمود اعتمادزاده حواله و فتوکپی رسید آن را به آدرس صندوق پستی ارسال فرمایند.

باتشکر فراوان از همکاری شما

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات طرح اراضی شهری، که موادی از آن از سوی شورای نگهبان رد شده بود، با استفاده از اختیاراتی که امام خمینی به مجلس شورای اسلامی برای تصویب لویایح بنیادی به سود مستضعفین و محرومین داده‌اند، مورد تصویب مجدد قرار گرفت و برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارجاع شد. در این جلسات هم - چنین فرمان مهم امام خمینی در خصوص رعایت قانون و جلوگیری از خدشه دار شدن آن، مورد تأکید قرار گرفت و نمایندگان خواستار رعایت دقیق اصول قانون از سوی مسئولان کشوری شدند. در مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته کلیات اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به تصویب رسید.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز ۱۵ آذر تشکیل شد. اولین نطق قبل از دستور این جلسه عرفانی نماینده مردم طالش بود، که ضمن قدر - دانی از پیروزی‌های رزمندگان انقلاب در جبهه‌های نبرد با تجاوزگران صدامی خواستار ادامه این نبردها تا پیروزی کامل شد. ناطق ضمن هشدار در مورد افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر در سطح کشور، و اعلام اینکه اقداماتی که در مقابل با این امر صورت می‌گیرد، "حدی نیست، خواستار" اقدامات قاطع و انقلابی "در جهت دفع این خطر مهلک شد."

یکی دیگر از ناطقین قبل از دستور برومند نماینده "پرونده بود، که در سخنانش از جمله درباره توطئه جدید شیطان بزرگ در داخل، که بصورت "شایعه پراکنی" بروز کرده است، هشدار داد. وی از مسئولان، بخصوص مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خواست که با "در جریان امور گذاشتن مردم و افشاکاری و ارشاد" این توطئه را خنثی کنند. ناطق همچنین در مورد توطئه خارجی شیطان بزرگ - آمریکای خنایکار علیه انقلاب ایران و نهضت - های انقلابی منطقه گفت:

"در جبهه خارجی، شیطان بزرگ با انعقاد پیمان دوجانبه با اسرائیل، حضور نظامی خود را در منطقه تحکیم نموده و با حمایت حکام مرتجع، حصار محکم و استوار پیرامون اسرائیل ایجاد کرده است، تا بدینوسیله بتواند انقلاب اسلامی ما و دیگر نهضت‌های اصیل و مردمی منطقه را نابود و مسئلهء حیاتی صاحبان اصلی سرزمین قدس را لااقل برای مدتی مسکوت بگذارد و معلوم است که در این فاصله زمانی، اسرائیل این غده سرطانی، با چاه سرعتی رشد خواهد کرد و به کجا خواهد رسید."

آنگاه مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد جزئیات لایحه "دیوان عدالت اداری" ادامه یافت. پس از پایان بحث درباره جزئیات لایحه، کل لایحه با اصلاحاتی که در آن وارد شد،

آمریکا

بقیه از صفحه ۱

در قفقاز بین ترکیه و ایران و دریای خزر مستقر کرده است... این نیروها ظرف دو هفته قابلیت عملیاتی پیدا خواهند کرد و به کارگیری آنها در خلیج فارس (فارس) به بیش از سه هفته نیاز ندارد. (واژه "فارس" را "واحد مرکزی خیر" به "خبر" افزوده است)... کاخ سفید می‌پندارد که حضور نیرومند نظامی در شرق ترکیه به ایران جلوگیری بعمل آورد."

بعبارت دیگر شوروی که گویا دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، می‌خواهد به ایران "تهاجم" نظامی "کند و آمریکا، که گویا دوست و عاشق سینه چاک انقلاب و جمهوری اسلامی است، معجلاً ترکیه را مسلح میکند تا ترکیه از "تهاجم" شوروی به ایران جلوگیری بعمل آورد!

ولی اینگونه "اخبار"، که متأسفانه "معلوم نیست چرا بوسیله "واحد مرکزی خبر" در برخی روزنامه‌های کشور ما نیز منتشر می‌شود - "اخباری" هستند برای تسخیر احمق (که بزحمت دیگر در جامعه ما یافت می‌شود) و برای دسته کورها، که نتوانند وقایع را در روز روشن ببینند.

جنبش دمکراتیک و مترقی بین المللی دانشجویان، استوار و متحد براه خود ادامه می دهد

● اتحادیه بین المللی دانشجویان، تنها سازمان بین المللی دمکراتیک و مترقی دانشجویان است

● تلاش های خرابکارانه و انشعابگرانه در جنبش بین المللی دانشجویان، که توسط عوامل امپریالیسم و ارتجاع جهانی انجام می گیرد، محکوم به شکست است

مستحکم کردن همبستگی خود با خلق های آسیا و آفریقا، در راه متوقف کردن تولیدبمب نوترونی و ایجاد مانع در برافزاندن جنگ سرد، این جنبش تلاش می کند و قاطعانه علیه تجاوزات صهیونیسم، مسابقه تسلیحاتی، یا در راه تحقق حقوق دانشجویان، مبارزه میکند گردانندگان I.S.A از اصول دمکراتیک و "استقلال" خود لاف می زنند. می پرسیم: این از کدام نوع استقلال است؟

استقلال از جنبش دانشجویان و مبارزات دانشجویان در راه دستیابی به حقوق شان و آینده بهتر و علیه سلاح های هسته ای، که جهان را تهدید می کند؟ استقلال از همبستگی جنبش دانشجویی با مبارزات آزادی بخش ملی و خلق های آفریقای جنوبی، فلسطین، السالوادور، علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع جهانی؟

استقلال از جنبشی که علیه تولیدبمب نوترونی و نقشه های ضد-انسانی و کاربرد سلاح های جدیدی، که به بهای پیشرفت، آموزش و پرورش و حقوق اجتماعی جامعه تمام می شود، به پا خاسته اند؟

اتحادیه بین المللی دانشجویان اطمینان دارد که توطئه مخابرات میسر گردانندگان این جریان به شکست خواهد انجامید.

اتحادیه بین المللی دانشجویان بر پایه ۳۵ سال تجربه خود اطمینان می دهد که جنبش دمکراتیک و مترقی دانشجویان بر تمام این جدائی ها و انشعاب ها، که علیه اتحاد ما، مبارزات متحد و یکپارچه ما برای صلح، خلع سلاح، آزادی و استقلال ملی، نظم اقتصادی نوین بین المللی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی و علیه حملات امپریالیسم و استعمار نو و همه اشکال تجاوز عمل می کنند، علیه خواهد کرد.

ما کلیه اعضا و سازمان های دوست I.U.S و همه اتحادیه های دانشجویی را فرامی خوانیم، تا قاطعانه این اقدامات تحریک آمیز علیه جنبش دمکراتیک و مترقی دانشجویی را محکوم کنند و وحدت، یکپارچگی و همکاری را در جنبش بین المللی دانشجویان استحکام بخشند.

هیئت دبیران اتحادیه بین المللی دانشجویان بار دیگر قاطعانه اعلام می دارد که جنبش بین المللی دانشجویان، که علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر صلح و پیشرفت اجتماعی، برای اصلاح خود مکرر تیزه شدن آموزش و پرورش، احقاقک منافع و حقوق دانشجویان، که در نتیجه مبارزات سخت و دادن قربانی های بسیار از جنبش دانشجویی جهان حاصل شده است، تا کنون مبارزه کرده است، پیگیرانه و با قاطعیت تمام تلاش های مذبحخانه ای را که علیه جنبش مترقی و دمکراتیک دانشجویان تدارک دیده شده است، از میان خواهد برداشت.

درگیر بازی سیاسی علیه جنبش مترقی دانشجویان I.U.S و سازمان های عضو آن و از آن جمله در اتحادیه دانشجویان لهستان شده اند.

آنها همچنین رهبران U.N.E.F-DIVISION هستند که ادعای نام U.N.E.F دمکراتیک و مستقل را دارند، اما عملاً نه در جهت استقلال، بلکه به منظور ایجاد شکاف در جنبش دانشجویی فرانسه و جهان کوشش می کنند.

تاکنون چندین سال است که به اصطلاح جامعه بین المللی دانشجویان بهبود تلاش کرده است که اجلاسی از انشعابیان در پاریس برگزار کند، تا آنکه در ماه ژوئن سال گذشته، با پشتیبانی گروه هایی که هیچگونه ارتباطی با جنبش دانشجویی ندارند، این اجلاس برگزار شد.

گردانندگان این جریان نمیتوانند این حقیقت را پنهان کنند که، علیرغم تبلیغات و سرودهای بسیاری که به راه انداخته بودند، تجمع پاریس از گروهک های تشکیل شده که هیچ گونه ایگای در میان دانشجویان ندارند و از منفردین مقیم پاریس بوده اند.

چهارمروهائی در پشت سازمان دهندگان I.S.A ایستاده اند؟

آنها نیروهای شناخته شده ای هستند که مذبحخانه می کوشند، تا دانشجویان دمکراتیک و مترقی، دانشجویانی که از دستورات مونوپل ها و محافل جنگ افروز آمریکا و متحدین مرتعشان سرپیچی می کنند، در جنبش رویه رشد صلح و پیشرفت شرکت نکنند، آنها، کسانی هستند که از بدتر شدن اوضاع بین المللی جهان سود می برند و می خواهند جنگ سرد دوباره زنده شود و روند پیشرفتی که در دهه اخیر نصیب خلق های جهان شده است، متوقف گردد.

کوششی که این با اصطلاح جامعه بین المللی دانشجویان در چنین شرایطی برای برگزاری کنگره موسسان بکار برد، به روشی

نشان می دهد که هدف اصلی گردانندگان این جریان تحریک آمیز، تابع ساختن به اصطلاح جامعه بین المللی دانشجویان در خدمت

نقشه های محافل تجاوزکارانه سازمان های جاسوسی کشورهای غربی است، که علیه لهستان مبارزه میکنند.

کلیه امور و برنامه های I.S.A در طرفداری از امپریالیسم و ارتجاع است، که خود نشانگر کوششی است که برپائی اتحاد سیاسی علیه نیروهای دمکراتیک و مترقی به کار می رود.

هیئت دبیران اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S) معتقد است که دارودسته نامبرده تنها به این دلیل به I.U.S می نازد، که اتحادیه بین المللی دانشجویان ۳۵ سال سابقه مبارزاتی غرور آفرین دارد. آنها چگونه می توانند تحمل کنند که I.U.S علیه جنگ ویتنام، در راه

تلاش های خرابکارانه و انشعابگرانه عوامل امپریالیسم و ارتجاع جهانی در جنبش بین المللی دانشجویان سابقه دار است. بنازگی گروه جدیدی، که ادامه دهنده خرابکاران و انشعابگران و رشکست گذشته است، علیه اتحادیه بین المللی دانشجویان، تنها سازمان بین المللی دمکراتیک و مترقی دانشجویان، به تحریکاتی دست زده است، با این هدف که نقشه کینه ورشکسته امپریالیسم و ارتجاع جهانی را برای خرابکاری و انشعاب در جنبش بین المللی دانشجویان، به اشکال "جدید"، مرحله اجرادار آورد. به این مناسب اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S) قطعنامه ای صادر کرده است، که ترجمه آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد.

قطعنامه اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S)

درباره اصطلاح جامعه بین المللی دانشجویان (I.S.A)

در حالی که دانشجویان دمکراتیک و مترقی جهان همبستگی خود را برای مبارزه جهانی در راه استقرار صلح، آزادی و استقلال ملی، به پا خاسته اند و به ابتکارات بسیار مهمی دست زده اند، عده ای علیه جنبش مترقی و دمکراتیک دانشجویان، این بخش مهم نیروهای ضدامپریالیستی جهان، مبارزه هماهنگی را آغاز کرده اند.

حالات این عده مستقیماً علیه اتحادیه بین المللی دانشجویان (I.U.S)، نیروی سازمان یافته دانشجویان و همچنین سازمان ها و انجمن های دانشجویی است که در طول زمان و به تجربه آزمایش شده اند.

این گروه که به تازگی پیدا شده، با جنبش حقیقی و معتبر دانشجویی هیچ ارتباطی ندارد و با آن کاملاً بیگانه است. گروه مذکور قصد دارد، تا با مخدوش کردن اتحاد سازمان های دانشجویی آنها را از هم بیفکند و در فعالیت یکپارچه دانشجویان در راه حصول آموزش و پرورش دمکراتیک، صلح و پیشرفت اجتماعی اخلال کند.

عالمین این توطئه چه کسانی هستند؟

آنان ادامه دهنده راه مستقیم کسانی هستند که با پیوندهای آشکار - شان با "سیا" خودشان را رسوا کرده اند. همان هایی که چندین پیش "جامعه دانشجویان آمریکا" را جهت شکاف انداختن در جنبش دانشجویی آمریکا علم کرده اند. آنها همان رهبران N.Z.S، با اصطلاح "اتحادیه مستقل دانشجویان" در لهستان هستند که بی توجه به منافع دانشجویان لهستان

سوریه

هدف تجاوز و جنایت

امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم

روز هشتم آذرماه ۶۰ در نزدیکی یک مرکز سربازگیری در دمشق پایتخت سوریه، بمبی منفجر شد که، طبق آخرین اطلاعات از منابع سوریه، متجاوزان ۱۵ نفر کشته و در حدود ۲۰۰ نفر زخمی به جای گذارد. در لحظه انفجار سه اتوبوس پر از مسافر در نزدیکی محل انفجار قرار داشتند، که مسافران آنها، از زن و مرد و کودک کشته و یا زخمی شدند. دولت سوریه اعلام کرده که عوامل اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، با کمک "خوان المسلمین"، مسئول این جنایت اند. جمعیت "خوان المسلمین" مسئولیت این انفجار را بعد گرفته است.

معمردقذافی رهبر لیبی، طی یک تماس تلفنی با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، ضمن محکوم کردن این اقدام جنایتکارانه، تأکید نمود که این اقدام و استیگتی هر چه بیشتر "خوان المسلمین" را به امپریالیسم آمریکا و اسرائیل ثابت می کند. رئیس جمهور سوریه در پاسخ به رهبر لیبی اظهار داشت که "خوان المسلمین"، که در جهت خدمت به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی عمل می کنند، هر روز مدرک تازه ای ارائه می دهند که بر مزدوریشان دلالت میکند. حادثه انفجار بمب در دمشق را باید در متن رویدادهای چند ماه اخیر در منطقه خاور میانه و در ارتباط با بحران دیربای این منطقه و مأمورهای دیپلماتی و تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در این منطقه بررسی نمود.

سوریه بعثت نقش موثر و فعالش در جنبه پایداری و مقاومت سرسختانه اش در برابر نقشه های توسعه طلبانه و تجاوز - گزاره اسرائیل از آن جمله در عقیم گذاردن اهداف موافقت نامه خائسانه کمپ دیوید، به یکی از آماج های اصلی نقشه های تجاوزی و توطئه های تخریبی و سرانجامی امپریالیسم آمریکا و دولت

نمونه ای از تجاوز و جنایت امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه جمهوری عربی سوریه است.

کند، برای عبور از این سد دفاعی خسارات عظیمی را تحمل خواهد کرد. واکنون، متعاقب مسافرت فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان به این منطقه، به اصطلاح بحران موشکی موج تازه ای می گیرد.

در طرح ۵ ماده ای فیلیپ حبیب برای حل "بحران موشکی" که در مسافرت قلی او به این منطقه ارائه شد، ذکر شده است که الیاس سرکیس رئیس جمهور لبنان از سوریه بخواهد که موشکهای "سام" زمین به هواراز خاک لبنان خارج کند.

روزنامه "تشرین" ارگان دولت سوریه در این باره نوشت: حتی اگر فیلیپ حبیب هزار بار به این منطقه سفر کند، سوریه موشک های خود را از لبنان خارج نخواهد کرد.

آزسوی دیگر، دولت عربستان سعودی و فالانژیستهای لبنان سوریه را تهدید می کنند که باید نیروهایش را از خاک لبنان خارج کند، تا اسرائیل به آسانی بتواند مناطق اشغالی خود در لبنان را گسترش دهد.

پیمان استراتژیکی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، که چندی پیش منعقد شد، یکی از نزدیکترین هدفهایش در هم شکستن مقاومت جنبه پایداری و مقدم بر همه مقاومت سوریه و لیبی در برابر تجاوز اسرائیل و نقشه های اشغال نظامی این منطقه از جانب امپریالیسم آمریکا است. یکی از نخستین بازتاب های این پیمان "طرح فهد" بود که از جانب رژیم دست نشانده عربستان سعودی منظور جان بخشیدن به موافقت نامه های کمپ دیوید و درهم شکستن جنبه متحد مقاومت ضدامپریالیستی کشورهای عربی این منطقه ارائه گردید. در عقیم ماندن و شکست "طرح فهد" دولت سوریه نقش موثری ایفا نمود.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل، که موفق نشده اند از راه فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی سوریه را از مواضع مقاومت و پایداری در برابر سیاست های تجاوزکارانه توسعه طلبانه اسرائیل و استراتژی نظامی آمریکا در این منطقه

حادثه انفجار بمب در دمشق چهره کریمه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی را بار دیگر در برابر جهانیان عریان می کند. امپریالیسم آمریکا همواره نشان داده است که برای درهم شکستن مقاومت خلقها در دفاع از حق حاکمیت و استقلال ملی، حاضر است به هرگونه جنایتی دست بزند.

ما ضمن ابراز همبستگی و همدردی با خلق برادر سوریه در این فاجعه اقدامات تجاوزکارانه و تروریستی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی را قاطعانه محکوم می کنیم و پیروزی و موفقیت خلق برادر سوریه و جمهوری عربی سوریه را در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم بسرگردگی آمریکا آرزو نمودیم.

سوریه، ضمن محکوم کردن این اقدام جنایتکارانه، تأکید نمود که این اقدام و استیگتی هر چه بیشتر "خوان المسلمین" را به امپریالیسم آمریکا و اسرائیل ثابت می کند. رئیس جمهور سوریه در پاسخ به رهبر لیبی اظهار داشت که "خوان المسلمین"، که در جهت خدمت به امپریالیسم و صهیونیسم جهانی عمل می کنند، هر روز مدرک تازه ای ارائه می دهند که بر مزدوریشان دلالت میکند. حادثه انفجار بمب در دمشق را باید در متن رویدادهای چند ماه اخیر در منطقه خاور میانه و در ارتباط با بحران دیربای این منطقه و مأمورهای دیپلماتی و تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا در این منطقه بررسی نمود.

سوریه بعثت نقش موثر و فعالش در جنبه پایداری و مقاومت سرسختانه اش در برابر نقشه های توسعه طلبانه و تجاوز - گزاره اسرائیل از آن جمله در عقیم گذاردن اهداف موافقت نامه خائسانه کمپ دیوید، به یکی از آماج های اصلی نقشه های تجاوزی و توطئه های تخریبی و سرانجامی امپریالیسم آمریکا و دولت

همبستگی و همدردی خود را با خلق برادر سوریه ابراز می - داریم و پیروزی خلق برادر سوریه و جمهوری عربی سوریه را در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم، بسرگردگی آمریکا آرزو نمودیم.

صهیونیستی اسرائیل تبدیل شده است. از چند ماه پیش که دامنه تجاوزات نظامی اسرائیل از زمین و هوا به خاک لبنان گسترش یافت، وجود نیرو های بازدارنده سوریه در لبنان و بویژه وجود موشکهای "سام" این کشور در دره "بقاع" بزرگترین سد دفاعی در برابر این تجاوز بود. از همان زمان دولت صهیونیستی اسرائیل، با حمایت و شرکت مستقیم امپریالیسم آمریکا، این کشور را تحت فشارهای سیاسی و تهدید به رویارویی نظامی قرار داد.

استقرار موشکهای "سام" در خاک لبنان در جلوگیری از گسترش تجاوز اسرائیل حائز چنان اهمیتی است که حتی روبرت تالبوت، کارشناس موسسه تحقیقات استراتژیکی انگلستان، چند ماه قبل از جریان با اصطلاح بحران موشکی، اظهار نظر کرده است که سوریه یک میدان دفاعی بسیار قوی در دره "بقاع" ایجاد کرده، که چنانچه اسرائیل بخواهد به این منطقه حمله

از نامه يك خواننده خطاب به :

برادران مسلمان
پيرو خط امام !

راستی را

چه جداییست

میان من و تو؟

کیرم که :

— تو از طریق تعالیم عالییه اسلام دریافتی که عزت و شرف انسانی با وابستگی به امپریالیسم منافات دارد. من از طریق دیگری به همین نتیجه رسیدم ،
— تو از طریق اسلام ، استبداد را بعنوان وسیله تثبیت وابستگی شناخته ای من از مسیر فکری دیگری به این شناخت دست یافته ام ،

— تو با ماوزین اسلامی ، بزرگ مالکی را بعنوان پایگاه داخلی امپریالیسم تشخیص داده و اعتقاد پیدا کرده ای که "الزرع للزارع" و من از مسیر دیگری به این اعتقاد رسیده ام که "زمین از آن کسی است که میکارد" ،
— تو بر مبنای اصول اسلام راستین ، بهره کشی انسان از انسان و نکات ثروت را منافی یک زندگی انسانی میدانم و من بر اساس اصول دیگری به همین نظر رسیده ام ،

— تو بر اساس تفکر اسلامی خواستار استقرار عدالت اجتماعی هستی و من بر اساس تفکر دیگری همین را خواستارم ،
— تو زیر لوای اسلام و به رهبری امام خمینی برای از بین بردن وابستگی استبداد ، بزرگ مالکی ، کلان سرمایه — داری و استقرار عدالت اجتماعی مبارزه میکنی و من با قبول همین رهبری در کنار تو بوده ام و خواهم بود و مبارزه خواهیم کرد .

با این همه ، بخاطر نتایج مشابهی که از مسیرهای مختلف متفاوت به آنها رسیده ایم :
— دیروز گلوله های شاه سینه تو و مرا بهم میدوخت ،

— امروز "دست آمریکا از آستین صدام بدرآمده" و خون تو و مرا در سگر به هم می آمیزد ،

— و اگر فردا خود آمریکا نیز بر ما بتازد ، از ما نخواهد پرسید که از چه راهی به این نتیجه رسیده ایم که :

... در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکا است "

بلکه بخاطر همین نتیجه ، گلوله ها و بمب های خود را بدون تمایز بر من و تو خواهد بارید .

با این همه :
"راستی را چه جدایی است میان من و تو؟"



سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه داری

بخش اول : دو گرایش متضاد در جنبش های رهایی بخش

موجب تقویت جنبش های رهایی بخش نرزمی شود و به سهم خود بر غنای مضمون ضد سرمایه داری این جنبش ها می افزاید . که در برابر امپریالیسم ، اینک جنبه گسترده و نیرومندی مرکب از کشورهای سوسیالیستی ، جنبش های رهایی بخش و جنبش کارگری و ضد سرمایه داری در خود کشورهای امپریالیستی صف کشیده است . توان و امکانات جدید جنبش های رهایی بخش در عصر مانا نشی از وجود و عمل این جنبه است .

۲- در اغلب کشورهای نواستقلال یکی از خصوصیات عمده سرمایه داری خودی یا به اصطلاح ملی ، ضعف عمومی آن است . سرمایه داری خودی در این کشورها چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت ، قدرت اقتصادی و سیاسی لازم را برای رشد "کلاسیک" ندارد . این ضعف عمومی موجب شده است که :

اولا محافل منسوب به سرمایه داری خودی صرف نظر از پاره ای تمایلات و گاه اقدامات ضد امپریالیستی ، غالبا خواهان همکاری با سرمایه امپریالیستی اند و در این رهگذر حتی به تحمیلات عریان امپریالیسم ، که با استقلال واقعی کشور منافات دارد ، تن می دهند . ثانيا ، چنین محافظی ، به علت همین ضعف عمومی ، بسیار کم تر از همتایان غربی دوسه قرن پیش خود با شیوه های تولید ماقبل سرمایه داری مبارزه می کنند . از جمله اینکه ، در کشور های نظیر ایران ، با روابط تولید "ارباب-رعیتی" د سازند ، آنان ، برای جبران همان ضعف عمومی ، بزرگ مالکان را به کمک می طلبند و در حکومت خود شرکت می دهند . این محافل

تعاونی در مقابل بخش خصوصی ، حمایت از تولید کنندگان خرده پا در عین کمک به ارتقاء بازده نیروی کار ، افزایش روز افزون نقش زحمتکشان — اعم از کارگر و دهقان و پیشور و غیره — صدر اداره امور صنفی و عمومی جامعه در نتیجه ، ضمن آنکه بخش دولتی در رشته های عمده اقتصادی تدریجا به رکن اصلی اقتصاد تبدیل می شود ، گرایش های آگاهانه و منافع طبقاتی عینی زحمتکشان هم کمک خواهد کرد که ساختارهای ظالمانه و کهنه در جامعه آسان تر متلاشی شود و ساختارهای نوین و ضرور برای تحولات عالی تر به فضای تکامل مستقل و همه جانبه اجتماعی ، به وجود آید .

از دو گرایش متضاد در جنبش های رهایی بخش ، در مقیاس جهانی و در روند تکامل تاریخی ، گرایش به نظام سرمایه داری تدریجا زمینه سیاسی ، اقتصادی ، ایدئولوژیک و روانی خود را در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین هر چه بیشتر از دست میدهد و برای گرایش ضد سرمایه داری ، به علل گوناگون ، امکانات مساعدتری فراهم میشود . اهم این علل را میتوان بصورت زیرین برشمرد :

۱- امروزه ، سرمایه داری رونق و اعتباری را که طی رشد "کلاسیک" خود در قرن های هجده و نوزده داشت ، حتی در زادگاهش مغرب زمین — از دست داده است ، تا چه رسد به کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" ، که تاکنون کم و بیش در حدود دو قرن اولام و عوارض فلاکت بار استعماری و نواستعماری این غول فرتوت را در همه عرصه های حیات

آمریکا ، در مقام عالیترین مرحله سرمایه داری ، بزرگترین خصم جنبش های رهایی بخش است و به همین علت مضمون عمده و عمومی این جنبش ها جنبه ضد — امپریالیستی آنهاست .

جنبش های رهایی بخش ، که جلوه گاه یکی از اساسی ترین تضادهای عصر حاضرند ، تا حل قطعی این تضادها پایان نخواهند گرفت . در هر یک از این جنبش ها ، با وقوع انقلاب رهایی بخش و کسب استقلال سیاسی کشور ، غالبا در قبال ادامه جنبش و آینده کشور ، دو

در برابر امپریالیسم ، اینک جنبه گسترده و نیرومندی مرکب از کشورهای سوسیالیستی ، جنبش های رهایی بخش و جنبش کارگری ضد سرمایه داری در خود کشورهای امپریالیستی صف کشیده است . توان و امکانات جدید جنبش های رهایی بخش در عصر مانا نشی از وجود و عمل این جنبه است .

گرایش متضاد در برابر هم قرار میگیرند ؛ یکی از این دو گرایش انواع تفکرات "رفورمیستی" و "لیبرالی" را در بر دارد ، که بر اساس آنها جنبش باید از مشی ضد امپریالیستی منصرف شود ، و ضمن مدارا با سیاست غارت گرانه امپریالیسم ، به آنچه اصطلاحاتی برای امور اجتماعی و اقتصادی کشور قناعت نماید که ، به منافع اقتصادی و قشر جویی سیاسی و اقتصادی طبقات و قشر های استثمارگر لطمه ای نخورد . مثلا این گرایش ، برای تضمین منافع ملاکان و سرمایه گذاران ارضی بزرگ ، مقاصد را از اصلاحات در جامعه روستایی و تولید کشاورزی دنبال میکند که به طور عمده عبارت است از رخنه و بسط شیوه تولید سرمایه داری در عین سازگاری با شیوه های استعماری دیگر و گسترش نیروی روابط غارت گرانه تجاری بین جامعه شهری و جامعه روستایی به بهای بی — نوآ کردن تولید کنندگان خرده پای هر دو جامعه . در صورت تسلط این گرایش بر جنبش ، پیشرفت کشور نواستقلال — حداقل تا مدتی — با وابستگی به امپریالیسم در مسیر نظام سرمایه داری می افتد و تنها به تغییرات و نوسازی های اکتفا می شود که از محدوده تنگ آن نظام فراتر نمی رود .

اما ، گرایش دیگر ، گرایش به راه رشد غیر سرمایه داری ، مضمونی "رادیکال" و "دموکراتیک" دارد . این گرایش خواهان آنچه پیشرفت و تغییرات اجتماعی و اقتصادی عمیقی برای کشور است که بدون محور قدرت سیاسی و اقتصادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ، بدون آزاد ساختن بخش عمده صنایع کشاورزی و بازرگانی ، جنگل طبقات و قشر های استثمارگر ، بدون قطع ریشه های وابستگی به امپریالیسم و خلاصه بدون تحاشی از راه رشد سرمایه داری تحقق پیدا نمی کند . بنابراین گرایش ، کشور نواستقلال طی یک مرحله گذار در جهت تکامل مستقل و همه جانبه اجتماعی و رفع عقب ماندگی ها ، به نوسازی کشور و ایجاد یک اقتصاد پیشرفته متنوع می پردازد ، که مبتنی بر برنامه ریزی علمی است . برنامه ای که امکان توسعه متعادل صنایع سبک و سنگین و پیشرفت تولید کشاورزی را با مشارکت فعالانه توده های مردم و بهره مندی از دانش و فنون پیشرفته تحقق می بخشد و زحمتکشان روستایی و شهری را از انواع مظالم و محرومیت ها نجات میدهد .

ولی در کشورهایی که جنبش های رهایی بخش در آنها به ابعاد ژرف تر ، خلقی تر و ریشه ای تری دست می یابد و اعتبار و منزلت بازرتری کسب می کنند ، امکان گرایش راه رشد سرمایه داری بیش از پیش کم تر می شود و در مقابل بر امکان گرایش راه رشد غیر سرمایه داری افزوده میگردد .

وجود و امکان متضاد برای کشورهای نواستقلال آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ، یعنی امکان رشد سرمایه داری و امکان تحاشی از آن ، یکی از اختصاصات بارز این کشورها در عصر حاضر است . پیدایش امکان رشد غیر سرمایه داری در مقابل راه رشد سرمایه داری ، بطور عمده از اینجاست که پیشین خورا از دست داده و نظیر پدیدهای فرتوت و مردود ، روی به افول نهاده است . در حالیکه ، از سوی دیگر ، نظام نوظهور سوسیالیسم رشد می کند و در مبارزه با سرمایه داری همواره پرتوان تر می شود . در عین حال امپریالیسم ، و در راس آن امپریالیسم

از دو گرایش متضاد در جنبش های رهایی بخش ، در مقیاس جهانی و در روند تکامل تاریخی ، گرایش به نظام سرمایه داری تدریجا زمینه سیاسی ، اقتصادی ، ایدئولوژیک و روانی خود را در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین هر چه بیشتر از دست میدهد و برای گرایش ضد سرمایه داری ، به علل گوناگون ، امکانات مساعدتری فراهم میشود .

خود لمن کرده اند . اکنون بیش از نیم قرن می گذرد که سرمایه داری موقعیت خود را به مثابه نظام فراگیر جهانی از دست داده و نظام سوسیالیستی در مقابل آن قدر برافراشته است ، این نظام نوین ، مخصوصا طی چند دهه اخیر ، به عامل تعیین کننده تکامل جوامع انسانی تبدیل می شود ، و با پیشرفت های چشمگیر خود در زمینه های اقتصادی و سیاسی نظامی و فرهنگی و اجتماعی بنحویز یافته — ای عرصه جهان را بر نظام سرمایه داری و غارتگران امپریالیست آن تنگ و تنگ تر میکند .

از سوی دیگر ، ستیزه جوئی ناگزیر و سرشتی امپریالیسم ، به منزله دشمن مشترک سوسیالیسم و جنبش های رهایی بخش ، این جنبش ها را به صف آراعی در سطح جهانی واداشته است ، تا در محور مبارزه ضد امپریالیستی ، با نظام سوسیالیستی همکاری کنند و از امکانات و تجربیات این نظام به منظور تحقق استقلال واقعی در کشورهای خود بهره مند شوند . در همین حال ، در داخل کشورهای رشد یافته سرمایه داری هم مردم — در درجه اول طبقه کارگر و بهر آن کلیه زحمتکشان و حتی محافل غیر انحصاری — از انواع بحران های اجتماعی — که دیگر جنبه مزمن بخود گرفته اند — به ستوه آمده و علیه سیاست های تحمیلی انحصارات به پا خاسته اند ، امری که به تقویت جنبه جهانی ضد — امپریالیستی کمک می کند و در نتیجه

چند نمونه از قوانین ضد مردمی در رژیم صدام

ماهیت رژیم جنایتکار صدام حسین را نه فقط در آئینه تحاوز خائنه‌اش به خاک ایران و کشتار فرزندان انقلاب ایران، بلکه همچنین در شیوه برخوردش با مردم عراق، در آئینه سیاست داخلی آن نیز به خوبی می‌توان دید.

مادونمون از قوانین تصویب شده و رسمی رژیم صدام حسین را برای روشن تر شدن ماهیت ضد مردمی و نژادپرستانه این رژیم، از خبرنامه "ریگای کوردستان" (راه کوردستان)، نشریه حزب کمونیست عراق برای منطقه کوردستان، نقل میکنیم:

۱- قانون اعطای دوهزار دینار عراقی به هر عربی که با یک دختر کرد ازدواج کند و به هر مرد کردی که با یک دختر عرب ازدواج نماید. (هدف یعنی‌های عراق از دخالت در مسائل خانوادگی ارمن بردن ملیت کورد است.)

۲- قانون اعطای چهارهزار دینار عراقی به هر مرد عراقی که زن ایرانی - الاصل خود را طلاق دهد. (برای تصفیه "خون عربی" از "خون آلوده" محوسی!)

نشریه "ریگای کوردستان" در پایان از خوانندگان خود پرسیده است: "جز عراق کشور دیگری در جهان سراغ دارید که اینگونه قوانین در آن وجود داشته باشد؟"

سیاست کشاورزی...

بقیه از صفحه ۹

مظالم کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان حمایت از تولید کنندگان خرده پای رشته‌های گوناگون صنایع و کشاورزی در مقابل رقابت نابرابر کلان سرمایه داران خودیوبیگانه و نجات آنان از ور - شکستگی و بی‌نواهی، و خلاصه تامین حقوق اجتماعی توده‌های مردم و حفظ شراکت کار آنان از تجاوز غارتگران رنکارنگ، چنان مسائلی هستند که حل آنها در دایره تنگ رفورمیسم و "لیبرالیسم" و دیگر تدابیر نظام سرمایه داری مقدور نیست. برای این قبیل مقاصد باید در راه آنچنان تحولات عمیق اجتماعی اقتصادی پیشرفت که باره و رسم نظام سرمایه داری به کلی مغایر است و دورنمای جامعه‌ای را در پیش دارد، که از هر نوع روابط استثمار و ظالمانه آزاد است. (ادامه دارد)

باز هم ضرورت بازگشائی دانشگاهها

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بار دیگر بر ضرورت بازگشائی دانشگاهها تاکید کردند. امام در این دیدار گفتند:

"اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند، این کار بیش از ۲۰ سال طول خواهد کشید و نمی‌شود دانشگاهها را برای این مدت تعطیل کرد." (کیهان - ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

رهبر انقلاب همچنین در دیدار با ریاست جمهوری و ائمه جمعه کشور تاکید کردند:

"دانشگاه را باز کنید، لکن علوم انسانی اشرا بترجیح از دانشمندان حوزه‌های ایران خصوصا قم استعداد کنند." (اطلاعات - ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

باید بیدار و رهبر مردمی امام خمینی را اجرا کرد و با بازگشائی دانشگاهها، هزاران جوان را از بلا - تکلیفی رها کند و به سرعت تربیت متخصصان و کارشناسان را آغاز نمود.

قانون استثنا پذیر نیست

حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته در دیدار با دادستان انقلاب و حاکم شرع و گروهی از مسئولان نهاد های انقلابی سیستان و بلوچستان از حمله گفت:

"سعی کنید که وحدت میان ارگانها را حفظ کنید و از اختلاف سلیقه بپرهیزید و هیچ بدی و خلاقی را به دیده اعماض نگریید. تعارف و مجامله در برابر اشتباهات نه تنها به حل مشکلات کمک نمی کند، بلکه دایره این مشکلات را وسیع تر هم خواهد کرد." (کیهان - ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

این سخنان ریاست جمهوری نشان دهنده آنست که پیروان راستین خط امام سرانند که قانون را بدون استثنا در مورد همگان اجرا کنند و از هیچ خطائی چشم نپوشند. چنین برخوردی، که رئیس دیوان عالی کشور هم بر آن تاکید ورزیده است، میتواند در تثبیت قانونیت نقش مهمی بازی کند.

تأسیس فوری وزارت صنایع سنگین نیاز انقلاب است

هفته گذشته...

در هفته‌ای که گذشت:

خواهند ماند و ما از همکاری ایشان استقبال خواهیم کرد. (اطلاعات - ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

این سخنان نویدبخشی است که زمینه را برای استفاده از همه نیروهای مدافع انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران در جهت نوسازی کشور آماده میکند.

۸۰ میلیارد ریال از هزینه عمومی مملکت را، که حاصل دسترنج زحمت - کشتان است، به حیب کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بریزد و بیش از ۴ برابر رژیم طاغوت به آنها منفعت برساند. و یاز: ساختن سرپناه برای محرومین میهن ما که در حبه‌ها خون می دهند، تا انقلاب را حفظ کنند، یکی صرف نظر کند. بی دلیل نیست که وزیر مسکن و شهرسازی سخنان خود را در مجلس چنین پایان می دهد:

"اگر این طرح تصویب نشود، دولت و وزارت مسکن نمیتوانند وضع مسکن را روشن کنند."

جمهوری اسلامی ایران لایحه تأسیس وزارت صنایع سنگین را تصویب کرد. در متن لایحه گفته شده است که این وزارت خانه: "به منظور ایجاد و بهره برداری و توسعه صنایع سنگین و پیشبرد تکنولوژی این صنایع و خودکفائی صنایع کشور" تأسیس می گردد.

از آنجا که نبل سه استقلال اقتصادی و خودکفائی ستگی حیاتی به رشد صنایع سنگین دارد، تصویب لایحه تأسیس وزارت صنایع سنگین که عهده دار انجام این امر مهم خواهد بود، گام ارزنده‌ای است. مردم ایران امیدوارند که این لایحه هر چه زودتر در مجلس شورای اسلامی تصویب و بسرعت مقدمات تأسیس این وزارت - خانه مهم فراهم گردد.

تصویب مجدد طرح قانونی اراضی شهری

مجلس شورای اسلامی هفته گذشته با اکثریت قاطع آرای نمایندگان مجددا طرح قانونی اراضی شهری را، که توسط شورای نگهبان رد شده بود، تصویب کرد.

اهمیت اجرای این قانون، که این بار تغییرات کوچکی هم در آن داده شده است، در سخنانی که وزیر مسکن و شهرسازی در مجلس عنوان کرد، به خوبی منعکس است:

"در رژیم گذشته موفق ترین سال از نظر خانه سازی سال ۵۶ بود، که ۱۴ هزار خانه طی آن ساخته شد. حالا اگر ما بخواهیم مشکل مسکن را حل کنیم، باید ۶ میلیون خانه طی ده سال آینده بسازیم، یعنی چهار برابر سال ۵۶ خانه سازی کنیم. از طرف دیگر در سال ۵۶ حدود ۱۹۹ میلیارد ریال برای زمین خرج شد. حالا اگر خواهیم ۶ میلیون خانه بسازیم، باید ۴ برابر پولی که آنسال خرج شده بود چه بگذاریم، در صورتیکه امسال که ما بزرگترین بودجه عمرانی را داشتیم، ۱۵ میلیارد تومان بوده، که باید ۸۰ میلیارد آنرا پول زمین بدهیم." (اطلاعات - ۱۸ آذر ۱۳۶۰)

در واقع اگر این قانون به اجرا در نیاید، دولت مجبور خواهد بود

امپریالیسم زاین هنوز هم ایران را سر میدواند

بعد از سه سال که از تعطیل کار مجتمع بزرگ پتروشیمی بندر امام خمینی توسط شرکت های ژاپنی می گذرد، امپریالیسم زاین هنوز ایران را سر می دواند. ژاپنی ها برای پایان دادن به ۱۵ درصد باقیمانده این طرح، که ۵۸ درصد آن با صرف ۲۰ میلیارد تومان هزینه انجام شده است، به بهانه های مختلف تعلل می کنند.

آخرین اخبار در این مورد حاکی است که هفته گذشته یک هیئت ژاپنی برای ادامه مذاکرات به تهران آمده است. در همین حال وزیر نیرو در پایان باز دید خود از پروژه مجتمع پتروشیمی اعلام کرد:

با قرارداد قبلی ادامه عملیات پروژه مجتمع پتروشیمی ایران و ژاپن برای ما امکان پذیر نیست.

اطلاعات - ۱۷ آذر ۱۳۶۰

استقبال از همکاری مدافعان انقلاب

دکتر حسن غفوری وزیر نیرو در گردهم آیی معاونین و کارشناسان و کارکنان این وزارت خانه گفت:

"باتوجه به تصویب لایحه باز سازی در مجلس شورای اسلامی، لازم به یادآوری است که تمامی همکاری که در وزارت نیرو بتوانند خود را با انقلاب اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهند و استعدادهای خود را در راه انقلاب بکار گیرند، بسیار خودبایی

"خطر شوروی" از زبان عامل کودتای آمریکائی نوزه

هفته گذشته محاکمه مهندس حاج رضامرزیان، به اتهام رهبری شاخه سیاسی کودتای آمریکایی نوزه، در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ارتش آغاز شد. در کیفرخواست دادستان بعد از شرح زندگی سرایا خیانت مهندس حاج رضامرزیان، که مشاور سیاسی بختیار هم بوده، آمده است:

"نامبرده با زیرکی کامل در پاریس سعی می نماید با طرق مختلف بخصوص ارائه تحلیل های باصلاح عمیق و ترسیم تصویرهایی از جامعه و خطر شوروی به رهبر انقلاب دسترسی پیدا کند." (اطلاعات - ۱۹ آذر ۱۳۶۰)

و به این ترتیب بار دیگر تاریخ نشان میدهد که چگونه حربه "قدیمی خطر شوروی" دستاویز کسانی است که هدفی غیر از مسلط کردن امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا بر ایران ندارند.

همه، اگر از بین برویم، بهتر است از اینکه زیر دست صهیونیسم و آمریکائی ذلیل باشیم

امام خمینی

عقد حجت خمینی در روز پنجشنبه ۲۳ آذر در مشهد برگزار شد. امام خمینی در این نشست با حضور جمعی از مسئولان و کارشناسان و اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل شرکت های مختلف، به بحث و تبادل نظر پرداختند. امام خمینی در این نشست با اشاره به خطرات جدی که در راه انقلاب وجود دارد، گفت: "ما باید با تمام توان خود، در برابر دشمنان و دشمنی های آنها ایستادگی کنیم. اگر از بین برویم، بهتر است از اینکه زیر دست صهیونیسم و آمریکائی ذلیل باشیم".

فرانسو و چین، پس از سقوط رهبری این کشور به گرداب خیانت، روز بروز مقیاس گسترده تری به خود میگیرند. سمت اصلی همکاری "سیا" با چنین علاوه بر فعالیت های مشترک ضد شوروی، متوجه انقلاب افغانستان و ایران است. سازمان های اطلاعاتی مصر، ترکیه، پاکستان و عربستان سعودی، که هر یک "سواکچه" هستند، بر حسب مورد در عملیات مخفی "سیا" نقش خاصی بعهده می گیرند. کشورهای وابسته به امپریالیسم آمریکا از طریق نمایندگیهای سیاسی خود در کشورهای مقیم اطلاعات لازم برای "عملیات مخفی" "سیا" را در دسترس آنها میگذارند و در اجرای این عملیات سهم خود را ایفا میکنند (رجوع کنید به افشاگری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مورد نقش سفارت های غربی هنگام عملیات طبس).

"سیا" مشتری پرو پا قرص ایران پس از انقلاب

ایران از همان نخستین روزهای پس از انقلاب بیش از پیش در زیر ذره بین "سیا" جای گرفت. اکنون نیز واگذاری اختیارات نامحدود به "سیا" مستقیما با ایران و سرنوشت انقلاب ما ارتباط دارد. عملیات مخفی "سیا" در ایران بعهده "اینمن" باصلاح مرد شماره ۲ "سیا" (جانشین کیسی) که برجسته ترین کارشناس آمریکائی در امور ایران است، واگذار شده است. اینمن شبکه گسترده مخفی ما موران ایرانی و آمریکائی "سیا" را در اختیار دارد. طرح ها بوسیله او ریخته میشوند و به وسیله این شبکه اجرا میگردند.

فعالیت "سیا" در مورد ایران تمام

سی حیره و مواجب ترویج این نظرات زبان بخش و صد انقلابی مبدل میشوند. باید گفت که سازمان جهانی "سیا" می تواند کارنامه "درخشانی" از خدمات خود به امپریالیسم آمریکا و نظام سرمایه داری به طور کلی ارائه دهد. "سیا" در تمام کودتاهای و تحولات ضد انقلابی، که درسی سال اخیر در سراسر جهان روی داده، دخالت مستقیم داشته است.

"سیا" تنها نیست

موفقیت "سیا" در پیشبرد مقاصد امپریالیسم آمریکا بر دوپایه متکسبی است: نخست امکانات عظیم مادی و مالی که این سازمان در اختیار دارد. کمسیون امور جاسوسی سنای آمریکا بودجه عظیمی را که دولت ریگان برای "سیا" تقاضا کرده بود، برخلاف عرف معمول، مقداری هم افزایش داد. "سیا" این امکانات گسترده مادی و مالی را برای ایجاد شبکه های وسیع ارتباطی، استخدام کارشناسان برجسته در رشته های مختلف علمی و فنی، جلب عمال مخفی، تطمیع و رشوه دهی به عناصر دینفوذ دولتی و اجتماعی، تأمین هزینه گروه های تروریستی و "کمک" به جنبش های مخفی مخالف رژیم های مترقی و انقلابی و کارهای دیگر به مصرف میرساند.

دوم، همکاری بین المللی "سیا" با سایر سازمان های جاسوسی امپریالیستی و کشورهای وابسته. در این میان باستانی بویژه از سازمان جاسوسی انگلستان بنام "ام-آی-۶" و سازمان جاسوسی آلمان غربی بنام "بان-د" موساد اسرائیل نام برد. "سیا" فعالیت این سازمانها را از طریق دو مرکز اصلی خود در استانبول و لندن هماهنگ میکند.

همکاری بین "سیا" و سازمان های اطلاعاتی

بقیه از صفحه ۵

تفسیر وقایع...

خارجی خود استفاده کند. وی افزود:

"در انجام این وظیفه به نمایندگان "سیا" در کشورهای خارجی اختیارات فوق العاده وسیعی در زمینه تدارک و اجرای عملیات مخفی واگذار شده است."

نظری فهرست وار به آنچه در رهنمود شورای امنیت ملی آمریکا بعنوان "عملیات مخفی" ذکر شده است، میتواند ما را به سرچشمه یک سلسله مسائل سیاسی، ایدئولوژیک، تبلیغاتی و غیره نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان هدایت کند.

یک ناظر آگاه میتواند به سادگی ارتباطی را که بین انفجار در بنیای حزب جمهوری اسلامی با انفجار اخیر در دمشق و انفجار بزرگترین پالایشگاه آنگولا وجود دارد، کشف کند و سلسله اقدامات تیرا که از ترور لومومبا تا ترور رحائی و باهتر انجام گرفته است، بهم مربوط سازد.

اما کشف "عملیات مخفی" "سیا" در همه موارد به این آسانی نیست. دشواری به خصوص هنگامی بیشتر میشود که "عملیات مخفی" به قلمرو ایدئولوژیک منتقل میشود. در ایالات متحده، آمریکا در دانشگاه استفورد، به اصطلاح پژوهشکده ای بنام "انستیتوی جنگ، انقلاب و صلح" وجود دارد، که هزینه های پژوهش آنرا "سیا" تأمین میکند. وظیفه این انستیتو تدوین و تنظیم مسائل ایدئولوژیک و نظرات سیاسی منحرف در کادر "عملیات مخفی" است. چه بسیاری کسانی که خود ناآگاهانه در دام بدآموزی های این موسسه و دهها موسسه نظیر آن در آمریکا، اسرائیل، انگلستان و سایر کشورهای امپریالیستی می افتند و خود به ارتش

نام رسمی: "جمهوری کنیا"
 (REPUBLIC OF KENYA)
 وسعت: ۵۸۲۴۴۶ کیلومتر مربع
 کثرت: ۱۶ میلیون نفر (۱۳۶۰)
 ۹۰٪ مردم کنیا روستائین هستند. رشد سالانه جمعیت کنیا برابر با ۴٪ است. در این کشور آفریقای خاوری ۸۲ گروه قومی وایسته به قبیله‌های بانتو، نیلوت و کوشی نوزندگی می‌کنند. مهم‌ترین آنها عبارتند از: کیکیو (KIKUYU، ۱۸٪)، لوهیا (لوئو، LUO، ۱۳٪)، لوهیا (LUHYA، ۱۲٪)، کومبا (KOMBA، ۹٪)، کالا (GALLA، ۸٪) و ماسای (MASSAI، ۶٪). افزون بر این ۵٪ اروپایی نیز در کنیا زندگی می‌کنند. پایتخت: نایروبی (۶۴۷۰۰۰). سال ۱۳۵۹، دیگر شهرها: مومبوسا، ناکورو و کی سو مو.
 زبانهای رسمی: سواحلی و انگلیسی.
 مذهب: بیشتر کنیانی‌ها بت پرست هستند. علاوه بر این در حدود ۷۰۰۰۰۰ مسیحی و ۲۰۰۰۰۰ مسلمان در کنیا سومی برند.
 پول: شیلینگ کنیا (Ksh) = ۱۰۰ سنت، ۱ دلار ایالات متحده = ۱۰/۴۲۳۵ (۸ مهر ۱۳۵۹/۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰) حاکمیت: در کنیا رئیس جمهور از اختیارات ویژه برخوردار است. پس از مرگ "جومو کنیانا"، دانیل آراب موی (DANIEL ARAP MOI) ریاست جمهوری کنیا را بدست گرفت. (۱۸ مهر ۱۳۵۷/۱۵ اکتبر ۱۹۷۸). وی دو سال پیش یاری دیگر به این مقام برگزیده شد کنیا عضو "کشورهای مشترک المنافع" است. کنیا به ۷ استان (مرکزی، ساحلی، شمال خاوری، باختری، نجاسا (NJANSA) و ریفت ولی (RIFT VALLEY) تقسیم می‌شود.
 احزاب و سازمانهای اجتماعی: تنها حزب کنیا "اتحادیه ملی - آفریقای کنیا" (KENYA AFRICAN NATIONAL UNION - KANU) است که نیست و یکسال پیش (۱۹۶۰) تأسیس یافت و زمام امور را بدست دارد روز ۱۴ مهر ۱۳۵۷ (۶ اکتبر ۱۹۷۸)، دانیل آراب موی در کنفرانس فوق العاده "کانو" به سمت صدر حزب

برگزیده شد.
 ۱۶ سال پیش (۱۹۶۵) "سازمان مرکزی سندیکاها کنیا" (CENTRAL ORGANISATION OF TRADE UNION - KENYA COTU-K) تأسیس گردید.
 تاریخ: شواهد تاریخی حاکی است که در سرزمین کنونی کنیا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد نیز انسانها زندگی می‌کردند. قبیله‌های بانتو ۶۰ سال پس از میلاد در این سرزمین سکنی گزیدند و صدسال بعد اعراب در آن به تأسیس پایگاه‌های تجاری پرداختند. مالیندی و مومباسا بترتیب در سالهای میلادی ۹۷۵ و ۹۷۶ پیدایش یافتند در سال ۱۴۹۸ میلادی "واشکوداگامای پرتغالی در سواحل کنیا پیاده شد و استعمارگران پرتغالی کوشیدند تا سلطه خود را بر مناطق ساحلی کنیا تحمیل کنند. اما قیام بومیان و اعراب این تهاجم را با شکست روبرو ساخت.
 در اواخر سده نوزدهم استعمارگران بریتانیایی چشم به این کشور آفریقای دوختند و چندین بعد (در سال ۱۸۹۵ میلادی) فرمانروایی کامل بر آن را بدست گرفتند. پیکار متشکل مردم کنیا علیه استعمار بریتانیا شصت سال پیش (۱۹۲۱) آغاز شد و پس از جنگ دوم جهانی به اوج خود رسید. "اتحادیه آفریقای کنیا" (KENYA AFRICAN UNION - KAU) در سال ۱۹۴۳ تأسیس شد و بزودی محبوبیت فراوانی در میان توده مردم یافت. چهار سال بعد "جومو کنیانا" به ریاست "کانو" برگزیده شد. در سال ۱۹۵۲ میلادی کیکیو به قیام علیه بریتانیایی‌ها برخاستند و استعمارگران بریتانیایی در این زمینه کارزار تحقیر آمیزی را در باره "باصلاح" شورش ماثوآنو سردانند. این رستاخیز پس از چهار سال (در سال ۱۹۵۶) سعهانه در هم شکسته شد. بیش از ده هزار آفریقای بقتل رسیدند، "کانو" ممنوع گردید و "جومو کنیانا" به زندان افتاد. "کنیانا" در سال ۱۹۶۱ میلادی از زندان آزاد و به سمت صدر "اتحادیه ملی - آفریقای کنیا" برگزیده شد.

جمهوری کنیا

بمناسبت روز استقلال جمهوری کنیا (۲۱ آذر ۱۳۴۲/۱۲ دسامبر ۱۹۶۳)
 وجود داشت.
 صنایع کنیا بطور عمده به تبدیل محصولات کشاورزی می‌پردازند. در این کشور همچنین رشته‌های متالورژی آهن و آلومینیوم، نساجی، برق، مصالح ساختمان و شیمیایی دیده می‌شود. مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی کنیا عبارتند از: بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا.
 وزیر "برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی" کنیا چندین بار پیش اعلام کرد که رشد اقتصادی کنیا در سال گذشته به مراتب نازل تر از حد انتظار و تنها برابر ۲٪ بود. از سوی دیگر، نرخ تورم در سال گذشته از ۱۳ درصد تجاوز کرد و کسری تراز بازرگانی تقریباً به ۸۰ میلیارد شیلینگ کنیا نزدیک شد. کنیا در سال پیش نفت مورد نیاز خویش را ۶۰٪ گرانتر از سال ۷۹ خرید (۴ میلیارد شیلینگ کنیا).
 بر اقتصاد کنیا بخش خصوصی چیرگی تقریباً کامل دارد. سهم بخش خصوصی در تولید ناخالصی کشاورزی ۹۹٪ در بازرگانی ۹۸٪، در معدن ۹۷٪، در رشته‌های تبدیلی ۸۲٪ و در ساختمان ۵۸٪ است.
 اوضاع کنونی
 رژیم دانیل آراب موی سیاست خود را بویژه بر پایه دفاع از منافع برخی از محافل بورژوازی و بزرگ مالکان استوار ساخته است. کنیا علیرغم اعلام به اصطلاح سیاست "آفریقا برای خود" در زمینه اقتصادی پیوندهای نزدیکی با کشورهای امپریالیستی دارد. دشواریهای فزاینده اقتصادی و ناخشنودی گسترده مردم "موی" را بر آن داشت که برنامه‌ای برای باصلاح "مبارزه با فقر" را اعلام دارد. اما این برنامه تاکنون روی کاغذ مانده است. بویژه بیکاری روز افزون امکان دارد که هر آن به وضعی انفجاری منجر گردد. کوچ دامنه داردهقانان بی زمین

و کم زمین به شهرها (هرساله ۷٪ به جمعیت شهرها افزوده می‌شود) همواره به شماره بیکاران این کشور می‌افزاید.
 دولت کنیا چندین بار پیش اعلام داشت که بعلت کمبود منابع مالی دو پنجم پروژه‌های صنعتی برنامه پنجساله جاری (۱۹۸۳ - ۱۹۷۹) را حذف کرده است. این برنامه پیش از این ایجاد ۲۲۵۰۰۰ هزار محل کار را در سال در نظر گرفته بود. وضع دشوار اقتصادی کنیا و ناتوانی دولت در حل بنیادی آنها ناآرامی‌های اجتماعی و تظاهرات اعتصابات گسترده‌ای را در پی داشته است. دولت کنیا این جنبش اعتراضی را با منع سندیکاها و کارگری و تعطیل دانشگاه نایروبی پاسخ گفته است.
 در زمینه سیاست خارجی، کنیا در "سازمان ملل متحد"، "سازمان وحدت آفریقا" (ریاست این سازمان اکنون با "موی" است) و "جنبش غیر-متعهدها" عضویت دارد. دولت این کشور "سازمان آزادی بخش فلسطین" را برسمیت می‌شناسد و سیاست آپارتید را در آفریقای جنوبی محکوم می‌کند.
 با این همه، کنیا یکی از دستیاران امپریالیسم در قاره آفریقا به شمار می‌رود. این همبازی بویژه در پیوند با سیاست تنش فزاینده امپریالیسم آمریکا در "شاخ آفریقا" گسترش یافته است. گر چه کنیا در این زمینه هنوز مثلاً به پای سوماتری نمی‌رسد. (اختلافات مرزی میان کنیا و سوماتری، کنیا راحتی به گونه‌ای همکاری ضمنی با اتیوپی نیز مجبور ساخته است). با این همه ناوگان ایالات متحده آمریکا در واقع از بندر مومباسا بعنوان پایگاه دریایی استفاده می‌کند. گسترش یکباره ارتش ۵۰۰۰ نفری کنیا را به ۲۰۰۰۰ نفر نیز باید در پیوند با خوش خدمتی به امپریالیسم در آفریقا دید. کنیا در ماه‌های اخیر تسلیحات فراوانی از کشورهای امپریالیستی، از جمله جنگنده‌های اف - ۵ از آمریکا و تانک از بریتانیا، خرید گفته می‌شود که این کشور مقدار معتدبسی موشک زمین به هوا هم در خارج سفارش داده است.

امپریالیسم آمریکا

در غارتگری امپریالیسم بریتانیا شریک میشود.

این دگرگونی ها چهره بسی تفاوت نداشت و در پی هموردی با بریتانیا، به پیروزی پراهمیتی دست یافت. در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) آمریکا موفق به بستن پیمانتهای با بریتانیا شد. این پیمان به راستی راهگشای مطمئنی برای رخنه سرمایه‌های انحصارات و شرکت‌های آمریکایی و ایجاد پایگاه‌های وسیع سیاسی و اقتصادی برای امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه بود. در واقعیت امر، مفاد موافقت نامه، پذیرش شریک وهم پیمان از سوی بریتانیا برای غارت بی دردسر و نوعی باج بردازی به حریف به حساب می‌آید. زیرا بریتانیا بطور رسمی تعهد سپرد، تا هرگونه تغییر سیاست و عملکرد خود را درباره فلسطین، با آگاهی و توافق آمریکا به انجام رساند. ریشه خواستگاره کردن نهادن بریتانیایی‌ها به خواست‌های امپریالیسم نوحاسته آمریکا را باید در زمینه‌های عینی رشد جنبش‌های آزادیبخش ملی در منطقه باز یافت. بریتانیا بی‌بیم داشت که نتواند به تنهایی در برابر جنبش‌های آزادیبخش ملی مقاومت کند.
 زمینه‌های رشد جنبش آزادیبخش ملی
 جنبش آزادی بخش فلسطین علیه اشغالگران بریتانیایی، در پیامد پیروزی الهام بخش انقلاب کیپرس سوسیالیستی اکتبر در روسیه آغاز

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۶)

زمینه‌های رشد جنبش آزادیبخش ملی

دست کم آنرا تحمل میکرد. این رهبری به رغم سرشت واپس‌گرایانه‌اش، در عمل و در چارچوب معین، چهره مثبتی از خود به نمایش می‌گذاشت.
 اینکه چگونه رهبری فئودال-مذهبی موفق گردید، برای مدت درازی (تا سال ۱۳۲۰) در صف نخست جنبش ملی گرایانه جای گیرد، درخور توضیح و دقت نظر است.
 در سرزمین فلسطین گذار از جامعه نیمه فئودالی به جامعه سرمایه‌داری موجب دگرگونی ساختار اقتصادی-اجتماعی گردید. در این روند، صهیونیست‌ها اهرم‌های اصلی قدرت اقتصادی را به گونه‌ای فزاینده در دست می‌گرفتند. در سالهای ۳۰ بخشی از بورژوازی بزرگ شهری عرب، که منافع آن با منافع بورژوازی رشد یابنده یهود جوش می‌خورد، در عرصه سیاسی نیز به آن نزدیک می‌شد. در این رهگذر، جنبش آزادیبخش فلسطین بر کشورهای همسایه عرب تأثیر دوگانه‌ای می‌بخشد: از یکسو، موج جنبش‌توده‌ای پان عربیست "کشورهای همسایه فلسطین را می‌پوشاند و شور انقلابی و پیکار در توده‌های وسیع مردم این کشورها بالا می‌گیرد. از سوی دیگر، طبقات حاکم در این کشورها از اوج گیری مبارزه انقلابی در فلسطین و در گستره حکومتی خود هراس داشتند، زیرا که در وجود فلسطین پیروزمند، پایگاه و پشتیبان انقلاب‌های آزادیبخش منطقه و تهدیدی برای حاکمیت خود را می‌دیدند.

با داشت - انتشار یافت. در این قانون اساسی، تنها آزادی انجام تشریفات دینی گنجانده شده بود و دیگر هیچ عرب‌های فلسطینی آنرا نپذیرفتند. رهبری "کنگره فلسطینی عربی" که سرکردگی آن در دست نمایندگان بورژوازی و فئودال‌ها بود، به رغم عدم سازش با امپریالیست‌های بریتانیایی، خود نیز در راستای اجرای برنامه مستقلی گام برداشت ولی توده‌های مردم در راه پیکار علیه امپریالیسم و صهیونیسم بی‌اختیار شدند. میان دهقانان و صهیونیست‌های زمین‌خوار که اراضی فئودال‌های عرب را خریداری میکردند، درگیری‌های مسلحانه پرشماری رخ می‌داد. زیرا که فروش زمین به صهیونیست‌ها به معنای آوارگی آنها بود. این درگیری‌ها از جمله در سال ۱۳۰۳ (۱۹۲۴) در ناحیه عغوله، در سال ۱۳۰۶ (۱۹۲۷) در قیاریه، در سال‌های ۸-۱۳۰۶ (۱۹۲۷-۲۹) در خضیره و... روی داد.
 در اواخر دهه ۲۰ موج ناآرامی فلسطین را فراپوشانده بود. توده‌های پیکارجو به قیام برخاسته بودند. قیام انقلابی تابستان ۱۳۰۸ (ماه اوت ۱۹۲۹) یکی از برآمدهای طغیانی این دهه بود. ادامه دارد
 * "کنگره فلسطینی - عربی" در سال ۱۳۰۹ (اواخر سال ۱۳۲۰)، بعنوان یک سازمان مستقل با برنامه و نشست‌های سالانه پایه‌گذاری شد. در فاصله بین دو نشست، "کمیته اجرایی" مأمور اجرای برنامه‌های تعیین شده بود. "کنگره فلسطینی - عربی" در سال ۱۳۱۶ فلسطینی - عربیست (۱۹۳۵) تجدید سازمان داده شد و "حزب عربی فلسطینی" نام گرفت. این حزب در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۶) با دیگر احزاب فلسطین "کمیته عالی عربی" را بوجود آوردند. که هسته مرکزی جنبش آزادیبخش ملی فلسطین گردید.

با عاملین اصلی

بقیه از صفحه ۱

در صورتی که انقلاب نتواند وضع اقتصادی - اجتماعی توده مردم را بهبود بخشد، قیمت‌ها را مهار کند، از تورم جلوگیری نماید، عوامل واسطه و غارتگر را کنار بزند، رفاه جامعه را تأمین نماید، هدف تروریست‌های اقتصادی برآورده شده است. عدم رضایت از وضع اقتصادی و مالی و نگرانی از وخیم شدن معیشت و زندگی، به‌یاس و نومی‌دی مستضعفین و زحمتکشان از انقلاب منجر می‌شود. تروریست‌های اقتصادی و تروریسم اقتصادی همین هدف خاص را تعقیب می‌کنند.

پس از پیروزی انقلاب حربه‌های زیادی برای مقابله با تروریست‌های اقتصادی بکار گرفته شده است. اقدام به سهمیه‌بندی کالاها، اساسی، تشویق تعاونی‌های مصرف، تعقیب و مجازات محتکرین و گرانفروشان و نظایر آن، از جمله این اقدامات به‌شمار می‌رود. نمی‌توان با اظهارات حجت‌الاسلام سید علی‌ناظم زاده، رئیس دادگاه ویژه امور صنعتی موافقت داشت که، مبارزه با گرانفروشی و احتکار را از طریق نرخ گذاری، حريمه متخلفین، توسعه تعاونی - ها و نظارت بر توزیع و حتی مجازات شدید محتکران و کسانی که عمداً قصد تخریب اقتصاد کشور را دارند، اقداماتی ضروری شمارد. (مراجعه شود به روزنامه "جمهوری اسلامی" ۴ آذر ۱۳۶۰)

اما باید خاطر نشان ساخت که این اقدامات، با آنکه لازم است، ولی به هیچوجه برای مبارزه با عاملین اصلی تروریسم و سرمنشأ تروریسم اقتصادی کافی نیست. مبارزه واقعی با گرانفروشی و احتکار و گرانی و تورم تنها و تنهایی توان از طریق مبارزه با عاملین اصلی تروریسم و سرمنشأ تروریسم اقتصادی نتیجه بخش باشد.

مبارزه با گرانفروشان و محتکران و واسطه‌های دست دوم و سوم و چندم البته ضرور است، اما اینجا میدان اصلی و اساسی مبارزه با گرانی و گرانفروشی و احتکار نیست. می‌توان گفت که اینجا مبارزه با دشمن فرعی و درجه دوم و سوم مطرح است، و تازه پس از آنکه تروریست اقتصادی و تروریسم اقتصادی ضربه خورده و آوار شده است. خلع سلاح تروریست اقتصادی، پس از آنکه او به احتکار کالا، مبادرت ورزید و سرمایه خود را جمع کرد و از کشور خارج شد (یا نشد) کاری است غیر موثر. یا این نوع مبارزه در بهترین حالت چند تروریست اقتصادی به مجازات میرسد، ولی تروریسم اقتصادی و ستون فقرات آن بقوت و قدرت خود باقی می‌ماند.

مجازات تروریست اقتصادی پس از احتکار و گرانفروشی، بقول معروف "توشه‌داری بعد از مرگ سهراب است". تروریست اقتصادی با حربه احتکار و گرانفروشی می‌خواهد علاوه بر آن که کبسه خود را از پول غارتی پر کند، اثر روانی مخربی بر روی جامعه باقی بگذارد. او می‌خواهد ثابت کند که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قادر نیست جلوی گرانی و افزایش قیمت‌ها را بگیرد. تروریست اقتصادی می‌خواهد ثابت کند که اقتصادی که جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد آن است، مردم را به رفاه و آسایش نمی‌رساند. مبارزه با چنین تروریستی، ولو به صد میلیون ریال جرمه هم محکوم شود، اثر روانی را که او بر جامعه گذاشته، زایل نمی‌سازد.

با تروریست‌های اقتصادی باید در زرادخانه آنها، با عاقلین اصلی و قبل از آنکه سلاح‌های خود را بکار اندازند مبارزه کرد. مبارزه با تروریست‌های اقتصادی و تروریسم اقتصادی باید به نحوی صورت گیرد، که اولاً تروریست‌های اقتصادی دست اول خلع سلاح شوند، ثانیاً و مهمتر آن که ریشه تروریسم اقتصادی و برکندن آن هدف قرار گیرد، ثالثاً این مبارزه قبل از آنکه تروریست‌های اقتصادی کار خود را انجام دهند، به خلع سلاح آنان موفق شود.

سیاست عمومی رژیم ضیاء الحق

"حزب کمونیست پاکستان" درباره سیاست عمومی دولت پاکستان و نقش و مقام آن در استراتژی امپریالیسم در منطقه در یکی از بیانیه‌های اخیر خود چنین اظهار نظر کرده است:

"ریشه‌های سیاست امروزی پاکستان در داخل و در قیال منطقه - بیرونی آن را باید تا حد زیادی در شرایط ویژه جغرافیایی - سیاسی یافت که امپریالیسم، پس از سرنگونی شاه منور ایران و پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک در افغانستان، خود را با آن روبرو دید. موقعیت جغرافیایی پاکستان، پس از پیدایش بنگلادش در ۱۹۷۰، سبب شد، تا مقام و نقش آن در استراتژی جهان شمول امپریالیسم - که دارنده - های حاکم بر پاکستان همیشه به شکل گوناگون با آن هم پیوند بوده‌اند - تغییر یابد. امپریالیسم، که زمانی از پاکستان در درجه نخست بعنوان اهرمی علیه هند و تنها در درجه دوم برای مقابله با جنبش‌های آزادی بخش ملی در آسیای جنوب خاوری و شرق عرب نشین بهره می‌جست، اینک بیشتر تلاش خود را برای استفاده از پاکستان در خاور - میانه و منطقه اقیانوس هند بکار می‌اندازد."

در بیانیه پیشگفته "حزب کمونیست پاکستان" سپس آمده است: "امروزه، در شرایطی که امپریالیست‌ها برای تأمین منافع تاراجگرانه انحصارات نفتی در کشورهای عرب، حفظ بازار این کشورها برای کالاهای خود، سرپا نگهداشتن رژیم های ارتجاعی عرب و مقابله با تأثیر روز - افزون انقلاب‌های افغانستان و ایران بر جنبش‌های آزادی بخش ملی مناطق خلیج فارس و اقیانوس هند، به جنگ سرد در منطقه دامن می‌زنند. در رژیم نظامی پاکستان سرسپرده ای راستین یافته‌اند."

"حزب کمونیست پاکستان" درباره انگیزه‌های روی کار آوردن ضیاء الحق و پشتیبانی امپریالیست‌ها از رژیم او چنین می‌گوید:

"رژیم (ضیاء الحق) با هواداری و پشتیبانی امپریالیسم در ژوئیه ۱۹۷۷ به روی کار آمد. نفع فزاینده امپریالیسم در پاکستان، از یکسو، و قطب گرایی طرفاتی، ژرفش بحران اقتصادی و نا - خشندی توده‌های، ازسوی دیگر، سبب شد که طبقات حاکم از چارچوب‌های دموکراتیک محدودی هم، که در کشور وجود داشت، دست بکشند و خواست - های مردم را برای دگرگونی‌های ریشه - ای از راه سرکوب ددمنشانه و حکومت نظامی، در گلوئی آنها خفه سازند.

بروی کار آوردن این رژیم نظامی غاصب و حامی منافع سرمایه‌پو و کراتیک، کلان بورژوازی و بزرگ مالکان به میریاب - لیست‌ها کمک کرده است، تا جان‌نشین تخت جهشی برای تجاوز علیه دولت -

های مترقی و ضد امپریالیست خاور میانه، جنوب آسیا و آسیای باختری بیابند. دوش بدوش امپریالیسم و نو استعمار بین - المللی، برتری جویان چین هم، چشم امید به پاکستان بسته‌اند و از این کشور به عنوان اهرمی برای ارعاب هند غیر - متعهد، رژیم مترقی "جمهوری دموکراتیک افغانستان"، دولت ضد امپریالیستی "جمهوری اسلامی ایران" و رژیم‌های پیشرفت جوی شرق عربی استفاده میکنند. دارنده‌های نظامی پاکستان که در میان توده‌های مردم منزوی و به کلی وابسته به امپریالیسم است، نقش مداخله فعالانه - ای را، که امپریالیست‌ها و شوونیست‌ها بدان سپرده‌اند، چاکرانه پذیرفته‌اند. رژیم پاکستان به ایالات متحده آمریکا اجازه داده است، تا در ساحل مکران، که به دهانه خلیج فارس منتهی می‌شود،

حزب "بوتو"، یعنی "حزب مردم پاکستان" (در مارس ۱۹۷۷) باردیگر در انتخابات بر "اتحاد ملی پاکستان" که طیف گسترده‌ای از مخالفان "بوتو" را در برمی‌گرفت، پیروز شد. "اتحاد ملی پاکستان" به بهانه تقلب در انتخابات، ناآرامی‌های خونینی را در سراسر کشور برانگیخت و بدینسان از نظام دعوت کرد که زمام امور را بدست گیرند. برنامه "اتحاد ملی پاکستان" نمایشگر هدف‌های متضاد نیروهای گوناگون فتوئال - مذهبی، تجزیه طلب و بورژوا - لیبرالی بود، که در این جنبه ناهمگون گرد آمده بودند. این برنامه از جمله، خصوصی کردن دوباره گستره - های ملی شده، "اسلامی" کردن دادگستری و آموزش و پرورش، توجه بیشتر به منافع محلی، عدم شناسایی

ده سال پیش (۱۹۷۱) گرایش - های واقع بینانه‌ای در سیاست خارجی پاکستان پدیدار شد، که در کام - های مثبتی چون کناره‌گیری پاکستان از بلوک نظامی "سیتو"، شرکت در روند عادی سازی و تنش زدایی در شبه‌قاره هند، برقراری مناسبات دیپلماتیک با "جمهوری خلق ویتنام"، "جمهوری دموکراتیک خلق کره" و "جمهوری دموکراتیک آلمان"، شناسایی جمهوری خلق بنگلادش و غیره بازتاب یافت. کوشش‌های مشترک برای برقراری مناسبات حسن همجواری میان پاکستان و هند و بنگلادش، که در "قرارداد سیملا" (۱۹۷۲) و "پیمان سه جانبه دهلی" (۲۰ فوروردین ۱۳۵۳ / ۹ آوریل ۱۹۷۴) منعکس شد، کام بویژه مهمی در راه پیشبرد صلح در آسیای جنوبی بود.

رژیم ضیاء الحق - جانشین رژیم شاه در منطقه

(قسمت دوم)

اماد رساله‌های گذشته وابستگی پاکستان به ایالات متحده آمریکا و چین همواره ربه افزایش بوده است. پاکستان در برابر افغانستان سیاستی مداخله آمیز در پیش گرفته است و از نیروهای ارتجاعی افغانستان پشتیبانی می‌کند.

اکنون به بررسی نزدیکتر برخی از جوانب سیاست خارجی پاکستان می - پردازیم:

سیاست تجاوز کارانه پاکستان علیه هند

پاکستان تا کنون سه بار با هند در جنگ بوده است (۴۸ / ۱۹۴۷ و ۱۹۶۵ بر سر کشمیر و ۱۹۷۱ بر سر بنگلادش). پاکستان از نخستین ستیزه نظامی خود با هند تا کنون، بخشی از کشمیر را در تصرف خود و نسبت به بخش دیگر دعای ارضی دارد. هند و پاکستان در "پیمان تاشکند" (۱۹۶۶) و "پیمان سیملا" درباره عدم تجاوز و توسعه همکاری مسالمت آمیز به توافق رسیدند. با این همه، پاکستان هنوز بیش از ۳۰ هزار نفر نیروهای خود را در مرز هند متمرکز ساخته است.

پاکستان از اواسط سالهای ۵۰ حلقه‌ای در "کمر بند امنیتی" امپریالیسم بر ضد کشورهای سوسیالیستی به شمار می‌رفته است. این کشور در "سیتو" و "پیمان بغداد" (بعدها "ستو") عضویت داشت و ۲۲ سال پیش (۱۹۵۹) مانند رژیم شاه، قرارداد نظامی دو جانبه‌ای با ایالات متحده آمریکا بست. این کشور در زمان "بوتو" از "سیتو" کناره گرفت (۱۹۷۲)، ولی تا تلاشی "ستو" پس از انقلاب ایران، در این بلوک نظامی تجاوز کار فعال بود.

(ادامه دارد)

بایگه‌های دریایی و هوایی احداث کند. رژیم پاکستان فعالانه علیه مبارزه برای تبدیل اقیانوس هند به منطقه بری از حضور ایالات متحده آمریکا کوشش میکند، و وظیفه دلال امپریالیسم آمریکا را برای تشکیل یک بلوک نظامی از کشورهای ارتجاعی چون سومالی، سودان، عربستان سعودی، عمان، اردن و مصر را علیه نیروهای صلح، پیشرفت و آزادی ملی در منطقه عهده گرفته است. رژیم پاکستان همچنین به برتری جویان پکن اجازه داده است، تا پایگاه‌های مدرن هوایی در مناطق شمالی پاکستان نزدیک مرزهای هند و پاکستان، تأسیس کند. این رژیم به یکی از پایگاه‌های خط مقدم جنبه امپریالیست‌ها بدل شده و مرز میان پاکستان و افغانستان را به صورت راهی برای صدور تبهکاری، قتل، تاراج و خرابکاری علیه "جمهوری دموکراتیک افغانستان" در آورده است. صد هزار هنر ضد انقلابی، مزدور و خرابکار، مجهز به سلاح‌های آمریکایی و چینی و پس از دیدن تعلیمات لازم در خاک پاکستان، به کمک امپریالیست‌ها به افغانستان رخته داده می‌شوند."

گوشه‌ای از کارنامه داخلی رژیم ضیاء الحق

ضیاء الحق در سال ۱۳۵۶ (ژوئیه ۱۹۷۷)، پس از کودتایی علیه دولت قانونی "ذوالفقار علی بوتو" بر سر کار آمد. چنانکه در بالا اشاره شد، "بوتو" در اوایل سالهای ۷۰ اصلاحات ارضی را آغاز نمود (اما تا سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) تنها ۳٪ زمین‌ها تقسیم شده بود) و به ملی کردن بانکها، برخی موسسات صنعتی و خدمات و شرکت‌های بیمه و گشتیرانی آن کشور پرداخت.

هدف "بوتو" آن بود که رشد صنعت ملی را در بخش دولتی، بر پایه مناسبات تولیدی سرمایه داری، سرعت بخشد.

مرتبط با هم هستند. تنها چنین گروه محدودی است که اهرم عمده احتکار و گرانفروشی و بالا کشیدن سالانه ۲۰ میلیارد تومان درآمد مفت و مسلم از خرید و توزیع برنج بشمار می‌رود.

این تمرکز تنها مربوط به خرید و توزیع برنج نیست. این تمرکز مربوط به کلیه انواع کالاها و تولید داخلی و کالا - های وارداتی است. در هر یک از این رشته‌ها، سرمایه کالایی که به تروریسم اقتصادی اجازه می‌دهد اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را فلج و موجدات عدم رضایت عمومی را از گرانی و احتکار و کمبود کالا فراهم سازد، بطور عمده در دست گروه محدودی از بازرگانان و شرکت‌های

بزرگ تجاری (از ۲۰ تا ۱۰۰) متمرکز است. پس مبارزه با تروریست‌های اقتصادی و تروریسم اقتصادی دیرا باید از مبارزه با این گروه‌ها، کوتاه کردن دست آنها از تسلط بر ذخایر کالایی و توزیع کالا شروع کرد. چنین مبارزه‌ای است که ریشه احتکار و گرانی و گرانفروشی و کمبود کالا را می‌خشکاند. در این صورت ضرورت مبارزه

مبارزه با گرانی و گرانفروشی در سطح واسطه‌های دست دوم تا چندم و توزیع کنندگان پس از دست‌های اول ضرورت دارد. اما ضرورتاً لازم تر، مبارزه با عوامل اصلی و اساسی گرانی و گرانفروشی است. مبارزه با تروریسم اقتصادی و تروریست‌های اقتصادی در نوبه اول مستلزم مبارزه جدی و قاطع علیه سرمایه‌های عمده طفیلی تجاری و تجار عمده غارتگر است. دست‌انیناست که باید در نوبه اول از بازرگانی خارجی و داخلی کوتاه گردد. صحنه اساسی مبارزه با تروریسم و تروریست‌های اقتصادی در اینجا است.

کبست که نداند، نیروی عمده و اساسی تروریسم اقتصادی و تروریست‌های اقتصادی در وجود سرمایه بزرگ طفیلی تجاری و تجار عمده مسلط بر بازار کالایی کشور متمرکز است؟ مسئله خرید برنج داخلی بار دیگر این واقعیت را بوضوح نشان داد. وزیر مشاور و سرپرست بسیج اقتصادی بدرستی متذکر شد که اهرم عمده احتکار و گرانفروشی برنج تنها ۲۰ بازرگان عمده

سند دست‌های پینه بسته روس‌تاییان است "امام خمینی"

که ما در هر قدم به دست نوشته هائی که بوسیله خود مردم تهیه شده و به روی دیوارها چسبانده شده و در آنها خواسته می‌شود: "بازرگانی خارجی را ملی کنید، دست واسطه‌ها و عوامل سودجو را از توزیع کوتاه کنید"، "توزیع کالاها را اساسی از طریق سهمیه‌بندی را بسط دهید"، "تعاونی را گسترش دهید"، "توزیع دولتی کالا را وسعت بخشید" و نظایر این شعارها برخوردار کنیم. مردم انقلابی ایران مدتهاست که نظر و خواست خود را به مبارزه قاطع با تروریست‌های اقتصادی و تروریسم اقتصادی، تجار عمده و سرمایه‌های طفیلی و غارتگر بزرگ تجاری اعلام داشته‌اند. اکنون با حاکمیت انقلابی - مجلس - دولت و قوه قضائیه - است که با قاطعیت به مبارزه با عوامل اصلی و عمده تخریب انقلاب و خدمت به امپریالیسم و ضد انقلاب اقدام کنند.

اگرانفروشی توده وسیع توزیع کنندگان و فروشندگان جزء نیز از میان برداشته می‌شود، زیرا اینها عامل عمده ایجاد کمبودهای موثر کالا در سطح کشور نیستند و قدرت آن را هم ندارند که به طور ناگهانی و غیر مترقبه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را برضربه قرار دهند.

اینکه با تروریست‌های اصلی اقتصادی، - تجار عمده - و با سرمنشأ تروریسم اقتصادی - سرمایه‌های کلان تجاری - چگونه باید مبارزه کرد، مطلبی ناروشن نیست. اکنون در ایران انقلابی شعارهای "دولتی کردن بازرگانی خارجی" ضرورت ضبط ذخایر عمده کالایی، "توزیع کالا از طریق شبکه دولتی و تعاونی و خرده فروشی" و نظایر آن، شعارهایی است که برای همه مردم شناخته شده است. در کوجه و خیابانی نیست

آمریکا جهان را...

بقیاض صفحه ۴
فاشیستی هستند. این گروه اصولاً متکرم مخالف حقوق بشر است. سیاست خارجی دولت آمریکا، که نسبت به سرنوشت صلح کاملاً بی اعتناست و عنودانه از کوشش برای یافتن اشکال همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای متخاصم میکند، فاشیستی است. خط منحنی مسابقه تسلجاتی، تلاش برای دستیابی به برتری نظامی به هر قیمت، اعمال شیوه های تروری و شانتاژ، اتحاد با رژیم مافی ماندریزم پنبوشه و تبهکارترین رژیم ها در مناطق مختلف جهان، که دولت آمریکا دنبال میکند، فاشیستی است.

من هرگز مدعی نیستم که مردم آمریکا موافق فاشیسم هستند. مردم آمریکا دارای سنن دیموکراتیک شریفی هستند، و به همین علت ما امیدواریم که فاشیسم نتواند در آمریکا موفق باشد. نه در آمریکا و نه در سایر کشورهای جهان. اما این واقعیتی است که در حال حاضر در چارچوب دمکراسی بورژوازی، در ایالات متحده آمریکا یک رهبری فاشیست روی کار آمده و این فوق العاده خطرناک است.

طبق آزمون تاریخ شکوه، چابوس و گذشت بر فاشیسم غلبه نکرده است. فاشیسم با مبارزه مغلوب گردید. درک به موقع و واقع بینانه فاشیسم، افشاگری و مبارزه قاطع با سیاست فاشیستی، ان راه مطمئنی است که می تواند از افاجعه جلوگیری کند. خلقها باید به امریالیسم نشان دهند که امروز دیگر از تهدید و ترور نمی هراسند و زبربار تحمیل سیاست امریالیستی نمی روند و نشان دهند که سیاست مونیخ و گذشت های سنگین، دیگر تکرار نخواهد شد. باید نشان داد که مقاومت در برابر فاشیسم قاطعانه خواهد بود و خلقها آماده اند که اجرای نقشه های جنایتکارانه را، حتی اگر لازم باشد به قیمت جان خود، عقیم بگذارند.

افکار عمومی محافل اجتماعی جهان و همچنین خود مردم آمریکا هم نسبت به این سیاست واکنش از خود نشان میدهند. هر قدر این اقدامات و تدابیر سرکوبگرانه، که با منافع و طبقات و اقشار متوسط جامعه ایالات متحده آمریکا منافضند، تشدید شود، شاخص کسر بودجه بالا می رود، رکود در تولید و بیکاری افزایش می یابد و انزجار و مقاومت در برابر این سیاست غیر مسئولانه و ماجراجویانه، که می تواند امریالیسم را به شکست و نابودی دچار سازد، تشدید می شود.

ما هرگز، هر قدر هم خود را شایسته تقدیر و افتخار بدانیم، دوران ما سر خواهد آمد. تنها جامعه انسانی و ارزش هائیکه طی هزاران سال وسیله انسان آفریده شده، جاودانی و ماندنی است. امروز بدون گرافه، گویی میتوان گفت که همان چیز هائیکه ما به آن علاقه مندیم و بخاطر آن مبارزه میکنیم، آن چیز هائیکه پیشینیان مادر آرزوی آنها بودند و ما امروز آرزو میکنیم، به دیگر سخن، گذشته و حال و آینده ما در معرض خطر قرار گرفته است. خود ما عاملان و ناظران این لحظه خطرناک تاریخی هستیم. بسیاری حق دارند سؤال کنند که آیا ما این مرحله از تاریخ را از سر خواهیم گذراند و یا در آخرین مرحله تاریخ بشری قرار گرفته ایم؟ آیا بشریت زندگی خود ادامه خواهد داد؟

برای نخستین بار در تاریخ مسئله به این صورت حاد مطرح میشود. در برابر این خطر واقعی، ما باید با قاطعیت و شجاعت اقدام کنیم. ما حق نداریم بدین باشیم، زیرا در آن صورت مبارزه در راه صلح با شکست مواجه خواهد شد.

ما می توانیم و موظفیم، بدون کوچکترین گذشت و تسلیم، با اتکا به بسیج خلقها و از آجمله مردم آمریکا، با تکیه بر نیروی عظیم افکار عمومی محافل اجتماعی و آگاهی خلقها که در دوران مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام تجلی یافت صلح را حفظ کنیم ما میتوانیم به اتکا، تناسب کنونی نیروها در عرصه جهانی که به نفع سوسیالیسم تغییر یافته و امریالیسم تلاش دارد آنرا به نفع خود تغییر دهد، به اتکا توان خلقها در مبارزه برای عقیم گذاردن هر تجاوز امریالیستی و اتکا به همبستگی بین المللی، که می تواند با هزاران شکل نو متظاهر گردد، صلح را حفظ کنیم.

ما حتی به حسن ناخود آگاه امریالیسم برای بقای خود، که میدانند در صورت وقوع جنگ هسته ای ناگزیر کشور او هم به تل خاکستر تبدیل خواهد شد، باور داریم. ما جهان را از خطر نابودی نجات خواهیم داد. اگر دشمنان صلح آگاه شوند که در راه حفظ صلح حاضریم جان خود را فدا کنیم و تسلیم شانتاژ و تهدید نخواهیم شد. ما مجروحان و سوادگران مری حق نداریم سرنوشت بشریت را حل کنند. ما باور

چرا مناسبات سرمایه داری سبب تشدید وابستگی

امکان واقعی برای رهائی از وابستگی سرمایه داری وجود دارد

آغاز بحران عمومی سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی و مرحله اول آن با کاهش مهمی در منطقه نفوذ و سلطه امریالیسم و تضعیف مشهود بنیادهای استعمار توأم بود. جنگ اول جهانی (۱۲۹۷-۱۲۹۳) و پیامدهای عظیم تاریخی آن تاثیر بزرگی روی همه جریان گسترش بعدی روندهای عصر ما و از جمله روی بازار جهانی سرمایه داری گذاشت. زنجیر امریالیسم در سست ترین حلقه گسست، با پیروزی انقلاب کمپرسوئالیستی اکثر نظام اجتماعی - اقتصادی نوینی با قدم های استوار به عرصه تاریخ آمد. فراگیری جهانی سیستم اقتصادی سرمایه داری شکست. از آن پس دیگر بازار جهانی سرمایه داری سیستمی فراگیر نبود. مبادلات بین المللی کالا در جهان سرمایه داری چنان ضربه ای خورده بود که تنها پس از ۶ سال، یعنی در سال ۱۳۰۲ سطح پیش از جنگ اول رسید. سایر خلعت ماهوی امریالیسم، مبارزه بر سر تقسیم و تجدید تقسیم مناطق نفوذ انحصاری در چارچوب تنگ شده سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی افزایش می یافت. سرمایه مالی انحصارات امریالیستی در سیاست توسعه طلبی خود در عین حال با تغییر فرآیندها تناسب نیروها در سطح جهانی نیز زور بر آورده بود. تغییر که به هیچ وجه به سود سرمایه داری نبود. دیری نپایید که اقتصاد دیات سرمایه داری جهانی در چارچوب تنگ تر شده اش (در سالهای ۱۳۱۲-۱۳۰۸) با بزرگترین بحران ادواری در تاریخ خود رو برو شد.

در نتیجه جنگ جهانی (۱۳۲۴-۱۳۱۸) شروع دومین مرحله بحران سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی را به همراه آورد. پس از جنگ عده ای از کشور های دیگر در اروپا و آسیا و آمریکا لاتین به راه سوسیالیسم قدم گذاشتند. فرآیند شکل سیستم سوسیالیستی اقتصاد جهانی آغاز شد. گر چه در سالهای پس از جنگ احیا و گسترش بعدی مناسبات اقتصادی جهانی، که در نتیجه جنگ سخت آسیب دیده بود، صورت گرفت، لیکن در چارچوب تنگ تر شده سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی، دیگر امریالیسم عملاً قادر نبود مانند سابق سمت گسترش اقتصاد و سیاست جهان را تعیین کند. سرنوشت و آتیه بسیاری از کشورهای "جهان سوم" را مشخص نماید. شرایط مساعد واقعی پدید آمد تا عده ای از کشورهای مستعمره استقلال ملی بدست آورند. فروپاشی بزرگترین امپراتوری های مستعمراتی، تشدید بعدی ناموزونی گسترش سرمایه داری از یکسو، رشد سریع اقتصادیات سوسیالیسم جهانی از سوی دیگر، سومین مرحله بحران سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی را اوایل سالهای ۱۳۳۰ پدیدار کرد. در عین حال گسترش سریع مناسبات تجارتی - اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی به تشکیل بازار جهانی سوسیالیستی منحرف شد. بازرگانی بین این کشورها، همچنین تجارت آنها با کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد، گرایش به پیشرفت سریع راکاملاً آشکار ساخت. نوع جدیدی از مناسبات برابر حقوق بر پایه سود متقابل در اقتصاد جهانی بوجود آمد، که حداکثر بهره گیری از دستاوردهای حیرت انگیز انقلاب علمی - فنی معاصر برای پیشرفت مادی و معنوی بشر را سرلوحه هم فعالیت خود قرار داده است. در صورتیکه همین دستاوردها در جهان سرمایه داری برای تضعیف تدریجی نقش کشورهای رشد یابنده، زیر فشار گذاشتن و در وابستگی نگهداشتن آنها کار گرفته می شوند. ارقام رسمی منتشره نشان می دهد که وزن مخصوص این کشورها را در مبادله کالای بین المللی سرمایه داری پس از جنگ حدود ۲ مرتبه کاهش یافت. و از یک سوم کل مبادلات بازرگانی در اولین سالهای ۱۳۳۰ به یک ششم در اولین سال های ۱۳۵۰ رسید. و این درست در حالی بود که حجم کلی مبادلات کالا در بازار جهانی سرمایه داری افزایش داشت. چنانچه سهم هر یک از دورشته عمده کالا، یعنی تولیدات صنعتی و محصولات کشاورزی را در نظر بگیریم، آنوقت عدم توازن گسترش کلی سرمایه داری بارز تر به چشم می خورد. اگر در عرض ۲۰ سال (۱۳۵۲-۱۳۳۲) حجم کلی مبادله کالا بین این کشورها ۵ مرتبه زیاد شد، حجم محصولات

است؟

(قسمت دوم)

صنعتی در این مجموع بیش از ۸ بار و محصولات صنایع شیمیایی بیش از ۱۰ بار افزایش یافت. عبارت دیگر، ساختار تقسیم کار بین المللی در جهان سرمایه داری همچنان به سود تقویت هر چه بیشتر مواضع اقتصادی قدرتهای امریالیستی و تحکیم وابستگی دولت های آزاد شده پیشرفته است. تشدید روز افزون فعالیت دول امریالیستی در جهت تنظیم دولتی - انحصاری بازرگانی خارجی، صدور سرمایه، مسائل ارزی بین المللی، تعیین قیمت ها در بازار جهانی سرمایه داری همه و همه بخاطر تثبیت این بازار از راه تحکیم وابستگی کشورهای رشد یابنده است. لیکن جریان کلی گسترش وقایع پس از جنگ نشان می دهد که، تقویت گرایش دولتی - انحصاری در بازار جهانی سرمایه داری سبب تثبیت آن نمی شود و تضادهای آشتی ناپذیری را که زائیده ماهیت سرمایه است، تضعیف نمی کند. این تضادها زو تفر می شوند. در سال های اول ۱۳۵۰ بازار جهانی سرمایه داری به دفعات در پی بحران های شدید مالی - ارزی و پولی - اعتباراتی چنان متزلزل شد که مجموعه همه روابط متقابل بین المللی سرمایه داری معاصر افرا گرفت. کمی بعد بحران مواد انرژی زا (انواع مواد سوختی) افروخته شد، که هنوز هم سراسر جهان سرمایه داری را در تب و تاب نگهداشته است.

گسترش مناسبات سرمایه داری،

بویژه برای کشورهای آزاد شده،

اسارت بار است

سرمایه انحصاری خارجی که در کشور های رشد یابنده عمل می کند (در نتیجه غارت منابع طبیعی انرژی و مواد خام بویژه استثمار بی رحمانه نیروی کار ارزان تر، که سرچشمه درآمد های کلان نواستعماری است) سودی بدست می آورد، که حتی طبق محاسبه کارشناسان امریالیسم، بطور متوسط ۲ برابر سود سرمایه گذاری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری است. پژوهشهایی که بویژه بهیرامون فعالیت اقتصادی شرکت های چند ملیتی شده است، صحت اظهارات اقتصاد دان هندی "گوریان" راکاملاً تأیید می کند، که گفت: سود کنونی نواستعماری که، از لحاظ نسبی و مطلق دائماً روبه افزایش است چنان شکلی از بیگانگی محصولات ملی (در کشورهای آزاد شده) است، که آهنگ انباشت سرمایه راکاهش می دهد و مانع رشد اقتصادی میگردد. چندی پیش مجله انگلیسی "آفریقای نو" اعتراف کرد که فقط بازرگان قروض این کشورها در ۳-۴ سال اخیر بطور متوسط ۱۵ درصد افزایش یافته و اوایل سال میلادی ۱۹۸۰ (دی ماه ۱۳۵۹) به پیکره نجومی ۳۰۰ میلیارد دلار بالغ شده است. به حساب مجله، گروهی از کشورهای آزاد شده (که جزه صادر کنندگان نفت نیستند) مجبور شدند در همان سال ۴۰ میلیارد دلار تنها بابت ربح قرضه های دریافتی پرداخت کنند. مبلغی که به حساب کارشناسان برای تاسیس ۱۵ تا ۱۷ مجتمع بزرگ ذوب آهن یا ماشین سازی کفایت می کند!

امریالیسم با استفاده از دشواری های فراوان این کشورها، که خود مسیحا صلی است، هجوم علیه استقلال اقتصادی آنها را تشدید می کند. مثلاً صندوق بین المللی پول، که یکی از اهرمهای عمده وابستگی فرآیندها مالی - اقتصادی کشورهای جهان سرمایه داری است، ضرورت اجرای "اقدامات تثبیت کننده" را شرط مقدماتی و گذاری اعتبار به کشورهای رشد یابنده اعلام کرده است. این باصطلاح "اقدامات تثبیت کننده" عبارتند از: تنزل بهای ارزی این کشورها، نظارت "آزاد" بر سیستم ارزی - وارداتی آنها، کاهش هزینه های دولتی مربوط به نیازمندی های اجتماعی، افزایش مالیات ها، تثبیت دستمزدها و لغو نظارت بر قیمت ها، "آزادی" جریان سرمایه های (اعتبارات) خصوصی خارجی و غیره. از همین چند شرط

مقدماتی آشکارا دیده می شود که پیامد اجرای چنین سیاستی تشدید وابستگی اقتصادی کشور های آزاد شده به امریالیسم است. بی شک نتایج چنین سیاستی سیاستی باری سنگین تر بر دوش توده های زحمتکش کشور شده، نابرابری عظیم اجتماعی در تقسیم درآمد ملی را عمیق تر می کند. ارقام منتشره (نیماول سالهای ۱۳۵۰) نشان می دهد، که تنها ۵ درصد سکنه کشورهای آسیا (بزرگ مالکان، کلان سرمایه داران، کارمندان عالی رتبه دولت) ۲۵/۵ درصد از درآمد ملی کشور را تصاحب کردند، در حالیکه به ۶۰ درصد از زحمتکشان گوشه و استعمار شونده (کارگران شهر و روستا، دهقانان میانه حال، کارمندان جزء، تولید کنندگان خرده پا و غیره) تنها ۲۸/۱ درصد از درآمد ملی رسیده بود. در همان سالها، طبقات و اقشار استثمارگر در سنگاپور ۴۲/۴ درصد، در مالزی ۵۶ درصد، در اندونزی ۴۲ درصد، در فیلیپین (تنها بخش شهری) ۵۰/۷ درصد، در تایلند (تنها بخش کشاورزی) ۵۱ درصد از محصول کل داخلی را تصاحب کردند.

چنین وضعی برای کشورهای رهایی یافته از اسارت استعمار و نواستعمار، از جمله برای مهبین مابسی عبرت آمیز است. استقلال، که در همه جنبه های عمده سیاسی، اقتصادی نظامی و فرهنگی در سر لوحه اهداف اساسی انقلاب شکوهمند ایران قرار داشته و دارد، فقط با گسستن همه زنجیرهای وابستگی عمیق ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه ماتحت پذیر است. و این ممکن نیست، مگر با اجرای عملی درست و قاطع اصولی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باره بخش های ۳۲ گانه اقتصاد کشور آمده است. تا بخش های دولتی و تعاونی در رشته های عمده تولید و توزیع مواضع مسلط را در اقتصادیات کشور بدست نگیرند، نه قطع ریشه های وابستگی به امریالیسم، نه جلوگیری از چپاول بی بند و بار کلان سرمایه داران، محتکران و واسطه های بزرگ زالو و صفت ممکن نیست. تجارت خارجی ما باید از چنگال سرمایه داران وابسته به بازار جهانی امریالیسم خارج شود، تا از مجرای مهم تحکیم و گسترش وابستگی کشور، به مجرای تامین استقلال اقتصادی آن مبدل شود. بدون تصویب و اجرای دقیق و بی تاخیر قانون اصلاحات ارضی، بر پایه آنچه که به تأیید شورای انقلاب رسیده است، رهاشی از مظالم بزرگ زمینداران و دست رسی به اقتصاد خود - کفای کشاورزی و دامداری پیشرفته ممکن نیست. صنایع کشور (به جز بخشی که با همکاری کشورهای سوسیالیستی بی ریزی شده) بطور عمده از چارچوب صنایع مونتاژ که عمیقاً در تار و پود سیستم سرمایه داری اقتصاد جهانی وابسته است تجاوز نمی کند این وضع، از جمله سرنوشت مجتمع پتروشیمی، نشان داد که فقط با همکاری همه جانبه و گسترده با کشور های جنبه جهانی ضد امریالیستی و با کشورهای رهایی که در راه تامین استقلال خود جدا مبارزه می کنند، می توان به رشد مستقل صنعت، گسترش صنایع سنگین و مادر بر پایه تکنولوژی مترقی دست یافت.

نظام سرمایه داری، در بالاترین و آخرین مرحله حیات خود - امریالیسم، عدم لیاقت تاریخی خود را جهت تامین پیشرفت بعدی بشر به ثبوت رسانده است. خلق های بیبا خاسته جهان حاضر به تحمل بارگران اسارت امریالیستی نیستند. مردم تقریباً ۱۰۰ کشور از استعمرات و کشورهای وابسته سابق، که در آنها بیش از ۲ میلیارد نفر (نیمی از سکنه کره خاکی ما) زندگی می کنند، هم اکنون نقش فرآیندهای در مناسبات بین المللی ایفا می کنند. ترقی بشریت مستلزم محو هر چه زود تر همه پیامدهای خانمان بر انداز امریالیسم و استعمار و استعمار در پهنه تقسیم کار بین المللی است. وظایف مردم پیشرفت بعدی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، رشد پر شتاب نیروهای مولده در دوران تاریخی معاصر با اصرار روز افزون محو سیستم جهانی استثمار عده ای از کشورهای توسط کشورهای دیگر، ایجاد تقسیم کار بین المللی و اقامت برابر حقوق، احترام به استقلال و آزادی خلق ها و حرکت به سوی چنان سیستم فراگیر مناسبات اقتصادی جهانی را خواستار است، که پاسخگو منافع حیاتی همه خلق ها و به خصوص همه جامعه بشری باشد. نیروهای پیشرو جهان ما با عزمی راسخ و نیرویی پرتوان در این راه به پیش می روند. پیروزی آنها ضرورت تاریخ است.

ملت ها و خلقها، نسل های کنونی و آینده در محیط صلح و آرامش و عدالت و مومن از خطر زندگی کنند.

بشریت باید جاودان باشد و جاودان خواهد بود، اگر ما در این راه یکسویم و آگاهی و تهور از خود نشان دهیم.

داریم که جهان این خطر را از سر میگذرانند. مردم آگاه، معیار های عادلانه، تدابیر سنجیده، عاقلانه و قاطع تفوق خواهند یافت، تا همه

سیستم اطلاعاتی

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و هر کشوری به یک سیستم اطلاعاتی احتیاج دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به یک سیستم اطلاعاتی نیازمند است. تشکیل سیستم اطلاعاتی ضرورت مهمی است که بجاست درباره آن اظهار نظر شود، نه درباره جنبه فنی آن، که تخصصی است، بلکه درباره خصوصیات آن و سمنگیری سیاسی آن، تاخشت اول این سیستم درست کار گذاشته شود، زیرا که اگر این خشت اول کج باشد، تا ثریابی رود دیوار کج و لذا نقض غرض خواهد بود.

سخن را می توان از بیان این امر معلوم و بدیهی آغاز کرد که، سیستم اطلاعاتی یک ارگان دولتی است، در خدمت دولت، در خدمت سیاست دولت، یعنی سمنگیری سیاسی آن باید منطبق بر سمنگیری سیاسی دولت باشد. و چون بگفته آقای میرحسین موسوی "محور اصلی سیاست خارجی و داخلی ما ضد امریکائی (ضد امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا) است" محور اصلی سیاست و فعالیت "سیستم اطلاعاتی" نیز وقتی جوابگوی نیازمندیهای سیاست خارجی و داخلی انقلاب و دولت انقلابی خواهد بود که ضد امریکائی (ضد امپریالیسم، ضد نیروهای ضد-انقلابی، سرکردگی آمریکا) چهار مورد مسائل برون مرزی و وجه درون مرزی باشد برای روشن شدن بیشتر مطلب می توان به این پدیده دردناک اشاره کرد که، "سیستم اطلاعاتی" که "دولت موقت" در صدد پایه گذاری آن بود، ضد نیروهای ضد انقلابی خارجی و داخلی انقلاب نبود، تا آنجا که حتی کوشش به عمل آمد که سپهبد مقدم - رئیس ساواک - در رأس اطلاعات ارتش هماده شود. چرا؟ برای اینکه سمنگیری سیاسی دولت موقت ضد امریکایی نبود. دولت موقت، دشمن را دوست و دوست را دشمن تلقی می کرد، از انقلاب "پشیمان" شده بود، معتقد بود که امریکائی نیز از کردار سابق خود در ایران "پشیمان" است و بنابراین، این دو "پشیمان" می توانند از سر تصفیرات گذشته خود بگذرند و روی یکدیگر راببوسند، تا "غائله" پایان یابد! طبیعی است که "سیستم اطلاعاتی" یک چنین دولتی بایک چنین خط سیاسی باید در خدمت همین خط سیاسی عمل کند، یعنی هر شخص، هر نیرو، هر سازمان و هر کشوری را که طرفدار بقا و رشد و گسترش انقلاب اسلامی یا محتوی ضد امپریالیستی و مردمی باشد، "هدف" فعالیت خود قرار دهد.

پس طبعاً "سیستم اطلاعاتی" از لحاظ سیاسی، و در نتیجه از لحاظ سمت اصلی فعالیت خود، "بیطرف" نیست و نمی تواند باشد. این ارگانی است در خدمت دولت، در خدمت سیاست دولت و سمنگیری اصلی فعالیت آن منطبق بر محور اصلی سیاست دولت و هدف اصلی آن دشمن است. محور اصلی سیاست خارجی و داخلی ما ضد امریکایی (ضد امپریالیسم، ضد نیروهای ضد انقلابی، سرکردگی آمریکا) است و بنا بر این "سیستم اطلاعاتی" جمهوری اسلامی ایران نیز باید چنان تشکیل شود و باید چنان عمل کند که نتواند برای سیاست خارجی، اطلاعات مفید و لازم را درباره چگونگی تهیه "آشپای" مختلف زهر - آگینی که در "آشپزخانه" امپریالیسم و ارتجاع هم دست اوعلیها نقض و جمهوری اسلامی ایران و علیه کل جنبش رهائی بخش ضد امپریالیستی "پخته" می شوند، در اختیار دولت ما قرار دهد. و نیز برای سیاست داخلی دولت، اطلاعات لازم را برای شناخت و خنثی کردن فعالیت هر نیروی ضد انقلابی و هر توطئه ضد انقلابی، فراهم آورد. در اینجا باید بر روی یک نکته فوق العاده مهم و فوق العاده حساس را نکشت ناکید نهاد. نکته ایست که، سیستم - های اطلاعاتی دولت های امپریالیستی، ارتجاعی و ضد مردمی بر مبنای "ذهنیت گرائی" عمل می کنند، زیرا هدف سیاست این دولت ها، سلطه گری

حکومت قانون

بقیه از صفحه ۱

توسعه طلبی، جنگ افروزی، زورگویی، استثمار، استثمار، غارت، ستمگری، و در یک کلام ضد زحمتکاران، ضد انقلابی و ضد بشری است. بهترین نمونه سیستم - های اطلاعاتی "ذهن گرا" و دروغ - ساز "سیا" است. وقتی دولت آمریکا تصمیم به تهاجم نظامی به ویتنام گرفت، این سازمان اطلاعاتی "اطلاعات لازم" را در اختیار دولت آمریکا قرار داد، که بعدها ساختگی بودن آن فاش شد. "سیا" اطلاع داد که در خلیج تونکن از طرف نیروهای دولت سوسیالیستی ویتنام به گشتی - های آمریکائی حمله شده است. در داخل آمریکا نیز "سیا" و "اف بی آی" انواع "اطلاعات لازم" را برای تعقیب کمونیستها، صلح طلبان، لیبرال های پوستان رزمنده، ... بدست می آورد، یا بر مبنای این "اطلاعات" دروغ "سیستم قضائی" آمریکا بتواند "اجنه" را شکار و مجازات کند.

سیستم های اطلاعاتی دولت های ضد امپریالیستی، انقلابی و مردمی، بر عکس، بر مبنای عینیت گرائی "عمل" می کنند، زیرا این دولت ها برای پیشبرد سیاست ضد امپریالیستی، انقلابی و مردمی خود احتیاج به جمع آوری دروغ بعنوان "اطلاعات" ندارند. واقعیت ها، هر آنچه هستند، برای آنها مفید و لازم است، زیرا سیاست این دولت های ضد امپریالیستی، انقلابی و مردمی به نسبت اینکه واقعیت ها را در نظر بگیرد و بر واقعیتها تکیه کند بهمان نسبت کارایی بیشتری دارد. اگر دروغ و دغل کاری سلاح نیروهای ضد مردمی است، راستی و درستی سلاح نیروهای مردمی است.

پس تا اینجا "سیستم اطلاعاتی" جمهوری اسلامی ایران باید یاد و خصوصیت اساسی ساخته شود: یکی این که محور اصلی سیاستش، ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی، ضد نیرو و مردمی باشد، دشمن و دوست را "قاطی نکند" و دوم اینکه عینیت گرا، حقیقت جو و حقیقت یاب باشد. انجام وظیفه کسب اطلاعات با این دو خصوصیت، کاری است که وجدان پاک و دقت فوق العاده می طلبد. کمترین ناپاکی در سیستم اطلاعات می تواند منشاء اتخاذ سیاستی زیان بخش و گاه حتی فاجعه آمیز، چه در مورد مسائل برون مرزی و چه درون مرزی گردد. سیستم اطلاعاتی باید از هر گونه غرض، از هر گونه پیشدواری و از هر گونه کار سرسری بی باشد، در دقت و صحت کار، و سواست داشته باشد. بهمین دلیل در ساختمان "سیستم اطلاعاتی" و درگزینش هر عنصر آن، هر کارمندان، نهایت دقت باید بعمل آید. همه عناصر و کارمندان "سیستم اطلاعاتی" باید افرادی باشند پاک سرشت، درستکار، راستگو، دقیق، دلسوز بحال زحمتکاران و مستضعفان، خواستار استقلال کشور، آزادی طلب، مردم دوست، عدالت خواه - در یک کلام انقلابی راستین و مومن به اهداف انقلاب اسلامی ایران، با محتوای ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی، هر گونه سهل انگاری در گزینش کارمندان "سیستم اطلاعاتی" می تواند منشاء زیان - های بزرگ گردد.

پس برای ساختن "سیستم اطلاعاتی" باید دقیق، فوق العاده دقیق بود. "سیستم اطلاعاتی" برای جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد و حتی المقدور باید سریعتر ایجاد گردد. ولی این کاری است که در آن دقت را نباید فدای سرعت کرد. "سیستم اطلاعاتی" باید حتی الامکان سریعتر، ولی با نهایت دقت ایجاد گردد.

کار "سیستم اطلاعاتی" باید هماهنگ باشد. اگر سیستم های اطلاعاتی مختلف وجدان یکدیگری وجود دارند، آنها باید یک گامه شونده. ولی باید توجه داشت که اطلاعات جمع آوری شده باید یکدیگر را "تقاطع" کنند، ناصحت آنها محرز باشد. صحت اطلاعات باید دقیقاً از "صافی" یک سیستم کنترل دقیق بگذرد.

ناخوشیاتی که با احتمال بد آنها اشاره شد، نتیجه عمل "سیستم اطلاعاتی" چه در مورد مسائل برون مرزی و چه درون مرزی، در جهت خنثی کردن توطئه نخواهند توانست مقاومت مردمی را که برای دفاع از میهن و زندگی خود بسنج شده اند، درهم شکنند.

یک پیروزی

بقیه از صفحه ۱

نخواهند توانست مقاومت مردمی را که برای دفاع از میهن و زندگی خود بسنج شده اند، درهم شکنند. فتح بزرگ هفته گذشته خسار از نزدیکتر شدن پیروزی نهائی بر متجاوزان صدامی می دهد، که خود به معنای درهم شکستن یکی از بزرگترین توطئه های امپریالیستی و مردمی است.

نخواهند توانست مقاومت مردمی را که برای دفاع از میهن و زندگی خود بسنج شده اند، درهم شکنند. فتح بزرگ هفته گذشته خسار از نزدیکتر شدن پیروزی نهائی بر متجاوزان صدامی می دهد، که خود به معنای درهم شکستن یکی از بزرگترین توطئه های امپریالیستی و مردمی است. "سیستم اطلاعاتی" انقلابی و مردمی خواهد بود.

در نیامده است. و بالاخره دشمن می کوشد که با استفاد از کشمیری ها و کلاهی ها و تحریک عناصر صادق و کم اطلاع، به هرج و مرج دامن بزند، بگم و بچند راه بیندازند حرمت آزادی افراد را از میان ببرد، همینکه بهانه های از گروهبان های چپ رو بدست آورد، به تاخت و تاز بپردازد، افراد بیگناه و باگناه را یکجا و بدون تفاوت دستگیر کند و ... در همین حال جناح های دیگر ضد انقلاب نیز با ترور و بمب گذاری به میدان می آیند. و درست در همین هنگام شبکه های پنهان و آشکار تبلیغات دشمن به کار می افتد و همه آنها را به حساب انقلاب می نویسد. دشمن چنین تبلیغ میکند که انقلاب قادر به برقراری قانون و ایجاد امنیت نیست و در نتیجه باید کسی بیاید، تا امنیت را برقرار کند. این کس چنانکه تجربه تاریخی نشان داده است، امثال ضیاء الحق و رضا خان و پینوشه است.

باین ترتیب روشن است که در - هم شکستن توطئه دشمن تنها و تنها یک راه دارد: استقرار حکومت قانون در کشور و پافشاری برای اجرای قانون - فرمان اخیر رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و سخنان و بخشنامه های مسئولان کشور همگی در این راستا است.

آری، باید انقلاب در این سمت سرعت حرکت کند. قوانین بنیادی به تصویب مجلس برسد. قوانین تصویب شده به سرعت به اجرا در آید و همانطور که امام خمینی خواسته اند، از همین امروز با هرگونه تخلفی از قانون، از جانب هر کس که باشد، شدت مقابله شود. اگر همانطور که آیت اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور گفته است: "خاطبان از قانون در هر مقامی شناسائی و مجازات" (کیهان - ۱۷ آذر ۱۳۶۰) شوند، اگر براساس قانون بدون استثنا همگان را شامل شود، و بر اساس سخنان آیت اله موسوی اردبیلی اینها (خاطبان از قانون) با شناسائی مجازات خواهند شد و برای ما فرقی نمی کند که این افراد حاکم شرع باشند دولتی باشند و یا افراد غیر مسئول باشند. منای کار دستگاه قضائی رسیدگی بدون تسامح به این امورات و برگرداندن آنها به حسن اجرای قانون (همانجا)، در آن صورت توطئه دشمن درهم خواهد شکست، حق و حقوق همگان روشن خواهد شد، قانون بر مناسبات میان مردم و روابط ارگان ها و نهاد های دولتی و انقلابی بامر مردم نظارت خواهد داشت و مردم قهرمان ما خواهند توانست در سایه امنیتی که به این ترتیب ایجاد می - شود، دست در دست هم در راه سازندگی کشور بکوشند.

باین ترتیب روشن است که در - هم شکستن توطئه دشمن تنها و تنها یک راه دارد: استقرار حکومت قانون در کشور و پافشاری برای اجرای قانون - فرمان اخیر رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و سخنان و بخشنامه های مسئولان کشور همگی در این راستا است.

باین ترتیب روشن است که در - هم شکستن توطئه دشمن تنها و تنها یک راه دارد: استقرار حکومت قانون در کشور و پافشاری برای اجرای قانون - فرمان اخیر رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و سخنان و بخشنامه های مسئولان کشور همگی در این راستا است. آری، باید انقلاب در این سمت سرعت حرکت کند. قوانین بنیادی به تصویب مجلس برسد. قوانین تصویب شده به سرعت به اجرا در آید و همانطور که امام خمینی خواسته اند، از همین امروز با هرگونه تخلفی از قانون، از جانب هر کس که باشد، شدت مقابله شود. اگر همانطور که آیت اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور گفته است: "خاطبان از قانون در هر مقامی شناسائی و مجازات" (کیهان - ۱۷ آذر ۱۳۶۰) شوند، اگر براساس قانون بدون استثنا همگان را شامل شود، و بر اساس سخنان آیت اله موسوی اردبیلی اینها (خاطبان از قانون) با شناسائی مجازات خواهند شد و برای ما فرقی نمی کند که این افراد حاکم شرع باشند دولتی باشند و یا افراد غیر مسئول باشند. منای کار دستگاه قضائی رسیدگی بدون تسامح به این امورات و برگرداندن آنها به حسن اجرای قانون (همانجا)، در آن صورت توطئه دشمن درهم خواهد شکست، حق و حقوق همگان روشن خواهد شد، قانون بر مناسبات میان مردم و روابط ارگان ها و نهاد های دولتی و انقلابی بامر مردم نظارت خواهد داشت و مردم قهرمان ما خواهند توانست در سایه امنیتی که به این ترتیب ایجاد می - شود، دست در دست هم در راه سازندگی کشور بکوشند.

را ندارند و در صورت اقدام، وظیفه دادستانی انقلاب اسلامی محل است که ایشان را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. (کیهان - ۱۷ آذر ۱۳۶۰) شورای عالی قضائی و سازمان بازرسی کشور نیز بخشنامه هائی جهت جلوگیری از تخلفات و رسیدگی سریع به عمل تجاوزیه قانون در مورد افراد خاطی صادر (صبح آزادگان - ۱۸ آذر ۱۳۶۰) کردند.

باین ترتیب روشن می شود که خوشبختانه مقامات قضائی کشور برای اجرای قانون آمادگی کامل دارند. در نتیجه همه مردم در انتظار اجرای دقیق فرمان امام خمینی و رفع نتایج هستند که اینجا و آنجا، آگاهانه و نا - آگاهانه وجود دارد و متأسفانه پیش از صدور فرمان امام سیرشتابنده ای داشت.

گسترش بی قانونی (همانطور که در فرمان امام خمینی نیز منعکس است) یکی از موبهانه ترین و در عین حال قدیمی ترین نقشه های ضد انقلاب برای از میان بردن اعتبار و آبروی انقلاب، بویژه در مرحله تشییت است. ضد - انقلاب در همه انقلاب ها، و چنانکه تجربه سه سال گذشته نشان داده است، از جمله در انقلاب اسلامی ایران میکوشد تا آنجا که ممکن است، از استقرار نظام نوین جلوگیری کند. این کوشش نخست متوجه جلوگیری از تشکیل نهادهای انقلابی و تصویب قوانین انقلابی است. بنا بر این یکی از مهم ترین حربه های انقلاب برپائی نهادهای قانونی و تصویب قوانین انقلابی در کمترین مدت ممکن است.

متأسفانه باید گفت که انقلاب بزرگ ما در این قسمت بسیار کند حرکت میکند. هنوز مردم محروم ما چشم انتظار تصویب قوانین محوری از قبیل اصلاحات ارضی، دولتی کردن بازرگانی خارجی و ... هستند. سرعت در این امر می تواند یکی از اساسی ترین نقشه های دشمن را درهم شکنند و نقش اصلی را در تشییت و "قانونیت" در کشور ایفا کند.

دشمن در همان حال که میکوشد مانع از تصویب قوانین انقلابی شود و یا لاقول تصویب این قبیل قوانین را به تعویق اندازد، با تمام نیرو به میدان می آید، تا از اجرای قوانین تصویب شده نیز جلوگیری و مهم تر از آن، قوانین را در عمل به ضد خود مبدل سازد.

همگان بخاطر دارند که چندی پیش حجت الاسلام ها تفریحی در مشهدی رئیس مجلس شورای اسلامی در مورد عدم اجرای قوانینی که در مجلس تصویب شده، هشدار داد و خواستار اجرای آنها شد. از جمله این قوانین میتوان از قانون فعالیت احزاب و گروه ها نام برد، که بیش از چند ماه از تصویب آن میگذرد، اما هنوز به اجرا

باید رسید. آخرین نکته فوق العاده مهمی که باید بدان توجه کرد، اینست: سیستم یا سیستم های اطلاعاتی که بعد از انقلاب بوجود آمده اند، متاثر از خط سازش و همکاری با آمریکا بوده اند، که پایه سیاست لیبرال ها (دولت موقت و بنی - صدر) را تشکیل میداده است و در نتیجه، به احتمال نزدیک به یقین، در معرض نفوذ عناصری قرار گرفته اند که طرز فکر و اهداف آنها ضد انقلابی و ضد مردمی است. کافایت نمونه کشمیری را به یاد آوریم، که تا کجا رفته بود وجه فاجعه ای به بار آورد. و هرگز این واقعیت را از نظر دور نداریم که وقتی "سیا" - که ارباب اصلی و واقعی کشمیری است - مهره های بدین مهمی را - پس از انجام وظیفه

جنايتكارانهاش - بناچار از صحنه خارج میکند، حتما کشمیری های ناشناخته دیگری در اختیار دارد. پس باید هشیار، فوق العاده هشیار بود "سیستم اطلاعاتی" جمهوری اسلامی ایران را دقیقاً پاکسازی و نوسازی کرد. دقت موشکافانه در این پاکسازی توجه دقیق به معماری "سیستم اطلاعاتی" و گزینش مصالح آن، از اهم وظائف دولت است. ما به سهم خود امیدواریم که این وظیفه چنان انجام گیرد که پاسخ گوی محتوای ضد امپریالیستی و استقلال - طلبانه، ضد استبدادی و آزادی خواهانه، ضد ستمگری و عدالت خواهانه انقلاب اسلامی ایران باشد.

بین اخلاص و ...

بقیماز صفحه ۱

جنگ تحمیلی و کارگران

شرایط جنگ تحمیلی امپریالیسم امریکادست صدام جنایتکار وضع ویژه‌ای را برای انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی کشور ما به وجود آورده است. این جنگ باعث شده است تا همه توان اقتصادی و مالی و انسانی کشور بحق برای تامین پیروزی در جبهه تجهیز شود. کارگران و زحمتکشان ایران پیش از همه و بیش از همه به اهمیت اولویت جنگ واقفند. بهمین جهت کارگران و زحمتکشان نه تنها در گرفتن اسلحه و شرکت در جنگ، بلکه در انجام کارهای شبانه‌روزی در پشت جبهه و در سراسر مملکت در صف مقدم مدافعین انقلاب و میهن انقلابی قرار دارند. هیچکس نمی‌تواند انکار کند که کارگران و زحمتکشان بیشترین بار جنگ و دفاع از وطن انقلابی را بعهده گرفته‌اند و با استقامت و پایداری تعهد طبقاتی و ملی و میهنی خود را به انجام میرسانند.

محاصره اقتصادی و طبقه کارگر

امپریالیسم همچنین کشور ما را در محاصره اقتصادی قرار داده و قصد دارد با اخلاص در تولید داخلی، انقلاب را به زانو در آورد. در غنشی ساختن این توطئه نیز نقش عمده را کارگران و زحمتکشان بعهده دارند. کارگران از فرای پیروزی انقلاب به احیای تولید و خدمات پرداختند و با راهاندازی موسسات تولیدی و خدماتی نقش بزرگی در احیای اقتصاد ملی ایفا کرده و میکنند. در این زمینه نیز سنگین‌ترین بار بدوش توانای کارگران و زحمتکشان قرار گرفته و حرکت اینان بسوی ایجاد اقتصادی مستقل و نیرومند و خودکفا ادامه دارد.

کارگران متحمل ترین طبقه جامعه

ایرانند.

کارگران و زحمتکشان در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز نشان داده‌اند که در تحمل محرومیت‌های ناشی از تحمیل جنگ و محاصره اقتصادی متحمل تر از هر طبقه و گروه دیگر اجتماعی هستند. تنها با توجه به بیکاری میلیونها نفر از میان کارگران و گرانی سرسام آور هزینه زندگی و تورم شتابان سه ساله اخیر، که بار همه آنها بیش از همه بدوش کارگران و زحمتکشان تحمیل شده، میتوان بدرجه فداکاری و از خودگذشتگی آنها بخاطر دفاع از انقلاب و تامین پیروزی نهائی آن بی‌بزد.

با توجه به شمع قوی طبقاتی و آگاهی سیاسی در طبقه کارگر و آمادگی عظیم آن برای فدکاری، به هیچوجه نمیتوان این طبقه را به کوچکترین تخطی از خط اصیل انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی برهبری امام خمینی متهم ساخت. بهمین جهت پیدایش حوادث اعتصابی، نظیر آنچه در هفته قبل در یکی از واحدهای بزرگ صنعتی شاهدان بودیم، عللی خارج از خواست و اراده کارگران و زحمتکشان دارد. این علل را، همانطور که در ابتدا اشاره کردیم، باید از یکطرف در تحریک و اخلاص ضد انقلاب و از جانب دیگر در ایجاد نا رضایتی در میان کارگران و زحمتکشان جستجو کرد.

ضد انقلاب

و کارکنی در محیط‌های کار

ضد انقلاب داخلی مرکب از کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، که هدف آن شکست انقلاب و بازگشت به زیر سلطه امپریالیسم جهانی است، در واحدهای تولیدی خدماتی هنوز دارای پایگاه‌های محکم و فعالی است. عوامل لیبرالی در واحدهای بزرگ

تولیدی خدماتی، تا همین امروز شبکه وسیعی از مدیریت واحدهای صنعتی را در اختیار دارند. این عوامل با ایراد فشار از جوانب گوناگون، سعی در اخلاص در کار و واحدهای تولیدی - خدماتی مینمایند. به تعطیل کشانیدن این واحدها، بیکار کردن اقشار وسیعی از کارگران، اعمال تبعیضات گوناگون نسبت به کارگران و کارمندان انقلابی همه اینها شیوه‌های مختلف کارکنی لیبرال‌ها در محیط‌های تولید و خدمات است. هدف عمده ایجاد نا رضایتی در میان کارگران و زحمتکشان و وادار کردن آنها به اعتراض و درگیری با حاکمیت انقلابی است.

تفاق افکنی

میان کارگران و حاکمیت انقلابی

تصور نشود که لیبرال‌ها تنها در سطح مدیریت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی - خدماتی ایجاد نا رضایتی میکنند. حتی در سطح مقامات عالی‌رتبه کشور، ما شاهد کارکنی و اخلاص عمدی در محیط‌های کار بوده‌ایم. در زمان بنی صدر معزول و فراری، وزارت کار با تصویب لایحه قطع سود ویژه کارگران اقدام به اخلاص جدی در محیط‌های کار نمود. جالب اینکه گناه این اقدامات ضد کارگری به گردن روحانیست مبارز انداخته میشد، تا میان کارگران و حاکمیت انقلابی ایجاد نفق و درگیری شود. این امریست که شهید آیت‌الله بهشتی رسماً به آن اشاره نمود و اعلام داشت که عناصر لیبرال در غیاب روحانیت مبارز به تصویب لوایح ضد کارگری اقدام می‌کردند و وقتی کارگران به اعتراض کشانیده می‌شدند، به آنها میگفتند که این کار روحانیت مبارز است.

بهترین روش در حل مسائل کارگری مذاکره با خود کارگران است

طبقه کارگری که برای دفاع از انقلاب همه‌گونه فدکاری میکند و متحمل سنگین‌ترین بار جنگ و انقلاب است، به حق انتظار دارد که تصمیمات مربوط به کار و زندگی او، با شرکت خود او و نمایندگانش گرفته شود. در میان گذاشتن مشکلات و تصمیمات ضروری با خود کارگران بهترین روش حل مشکلات است. در نتیجه جای این سئوال باقی است که چرا تصمیم به لغو سهمیه تولید از قبل با کارگران در میان گذاشته نشده و رضایت منطقی آنان به اتخاذ این تصمیم جلب نشده است.

کارگران و زحمتکشان در رژیم طاغوتی گذشته به شدیدترین وضع استثمار میشده‌اند. یکی از اشکال این استثمار شدید، پرداخت بخشی از دستمزد آنان به صورت جنس بوده است. سهمیه تولید جز تشدید استثمار و غارت کارگران و وادار ساختن آنان به تحمل فشارهای گوناگون در محیط کار، نتیجه دیگری برای کارگران نداشته است. طبیعی است که آگاه کردن کارگران با این وضع نمیتوانست و میتواند نتایج مفیدی در اجرای قطع سهمیه تولید یا هر یک از اشکال دیگر باقیمانده غارت و استثمار کارگران داشته باشد. اینکه بدون اطلاع کارگران و بدون توجه به اینکه آنان باید برای قبول وضع جدید آمادگی داشته باشند، تصمیم متخذه درباره قطع سهمیه دستمزد به اجرا گذاشته شده، البته جز اینکه محیط آشفته‌ای در میان کارگران بوجود آورد نتیجه دیگری نمیتوانست داشته باشد. در اینجا ست که عناصر معینی، به قصد به اعتصاب کشانیدن کارگران، از تصمیم لغو سهمیه تولید سوء استفاده کرده‌اند.

قطع سهمیه تولید

علت اصلی اعتصاب نیست

قطع سهمیه تولید نمی‌توانست به اعتصاب و تحمیل در یک واحد بزرگ صنعتی بیانجامد، در صورتی که علل و موجبات دیگری برای عدم رضایت

وجود نمی‌داشت. متأسفانه باید گفت که چنین موجباتی را، چه لیبرال‌های ضد انقلابی از بالا و چه قشرهای بظاهر مسلمان از پائین، در محیط کار ایجاد می‌کنند. عدم تامین امنیت شغلی، زیر پا گذاشتن قوانین کار و اخراج‌های بدون دلیل تنها بعلافت تفاوت‌های عقیدتی و نظائیر آن مدت‌هاست محیط‌های کار را آشفته نگاه داشته است.

از اقدامات بیرویه و غیر قانونی در محیط‌های کار باید جلوگیری کرد

در کارخانه استار لایت همین چندی پیش یکباره تصمیم به اخراج ۴۰۰ زن گرفته شد. در کارخانه تلویزیون بلوموند ۷ کارگر به جرم بهائی بودن اخراج شده‌اند. در چیت شهر ری به کارگران زن اخطار شده است که در شیفت شب کار کنند و در صورت عدم قبول، از کار اخراج خواهند شد. از این نمونه‌های بی‌قانونی در محیط‌های کار، که همه آنها نتیجه تحریک و اخلاص لیبرال‌های ضد انقلابی از یکطرف و قشریون مسلمان نما از جانب دیگر است، بسیار میتوان نشان داد. متأسفانه باید گفت که اقدامات اولیه در وزارت کار در روزهای اخیر نیز

شاهد چنین برخوردهائی نسبت به کارگران است. اظهارات وزیر کار در ارتباط با اعتصاب اخیر، و تهدید اینکه باید کارخانه را تعطیل کرد و گویا کارگران موجب ضرر وزیران کار - خانه هستند، نشان میدهد که هنوز مسائل کارگری به شیوه سابق برخورد میشود. بخشنه هموز برکار، که در روزنامه‌های عصر سه‌شنبه و صبح چهارشنبه ۱۷ و ۱۸ آذر ۶۰ درج شده و طی آن به هیئت‌های حل اختلاف دستور داده میشود که به نفع کارگران اخراجی، که دگراندیش باشند، رای صادر نکنند، نشانه یک برخورد غیر منطقی و غیر قانونی نسبت به کار و زندگی کارگران و زحمتکشان است.

کارگران در شرایط کنونی اعتصاب را مورد می‌شمارند

کارگران و زحمتکشان کشور ما، آگاهی تمام، در شرایط کنونی از توسل به اعتصاب و تحمیل و درگیری رو گرداندن آنها بدستی میدانند که به هیچ دلیلی اعتصاب و کم کاری در شرایط جنگ و محاصره اقتصادی مجاز نیست. به همین جهت اعتصاب غیر مترقبه هفته قبل را باید اقدامی خلاف میل خود کارگران دانست. اما وقتی ضد انقلاب با ترندهای گوناگون و با استفاده از تصمیمات خلق الساعه زمینه مساعدی برای اخلاص و تحریک میان کارگران پیدامیکند، اینرا باید به حساب کارگران گذاشت. اینجا باید در صد در صد عوامل ایجاد نا رضایتی برآ مدور برای حل مسائل کارگری پیش از همه از خود کارگران یاری گرفت.

قش شکل‌های صنفی در محیط کار

محیط‌های کار بر اثر مخالفت با شکل‌های انقلابی و آگاهانه صنفی از جانب لیبرال‌ها، در برابر اخلاص و کارکنی ضد انقلاب از هر قماش بلادفاع نگاه داشته شده است. فقدان تشکلهای صنفی آزاد و مستقل در واحدهای تولیدی - خدماتی موجب شده است که توده کارگران از شرکت فعال در حیات اقتصادی - اجتماعی موسسات خود، از جمله مبارزه متشکل و نیرومند علیه اخلاص گران ضد انقلابی محروم بمانند.

وجود تشکلهای صنفی، که همه کارگران و زحمتکشان را صرف نظر از تفاوت در جنس و سن و نژاد و ملیت و مذهب و عقیده در برگیرد و آنان را به خاطر دفاع از انقلاب و منافع کارگران متحد سازد، بهترین تضمین در برابر حوادث و وقایع غیر مترقبه در واحدهای

بمناسبت ...

بقیماز صفحه ۱

قانون آغاز شده، فعالیت تروریست‌ها - که عمال سیا و ساواک و مجاهدین فریب خورده مجریان آن هستند - تشدید شده است. متحد ضد انقلاب، که در حاکمیت قانون مرگ نزدیک خود - و به ویژه عمال نقابدار خود - را حتمی می‌بیند، می‌کوشد تا به هر ترتیب مانع از استقرار قانون شود. جبهه متحد ضد انقلاب بر آنست، تا با ترور رهبران درجه اول جمهوری اسلامی ایران حواله انتقام جوئی را دامن زند و کار را به واکنش نامعقول افراد غیر مسئول بکشد. جبهه متحد ضد انقلاب میکوشد تا از ایجاد امنیت در سایه قانون جلوگیری کند و بجای آن به هرج و مرج دامن بزند و چنین وانمود سازد که فضای سیاسی جامعه مملو از رعب و وحشت است. ولی بیگمان این نیرنگ ضد انقلاب نیز ثمری نخواهد داد و توطئه مقابلیه با استقرار قانون درهم خواهد شکست. جامعه انقلابی ایران امروز نیازمند قانون و امنیت است و جبهه انقلاب بی‌تردید در مستقر کردن قانون موفق خواهد شد.

"اتحاد مردم" شهادت آیت‌الله دستغیب و یارانش را به مردم قهرمان ایران، به رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و به خانواده آن شهید و دیگر شهیدان این فاجعه، صمیمانه تسلیت می‌گوید. ما تردید نداریم که این خون‌های پاک درخت انقلاب بزرگ مردم ایران را آبیاری خواهد کرد.

لیبرال‌ها ...

بقیماز صفحه ۶

زودی شاهد روزهای تاریکی خواهند بود که از استقلال جز آرزویی و از آزادی جز سکه‌ای و از جمهوری اسلامی جز چیزی باقی نماند...

و سرانجام لیبرال‌ها روز سوم خرداد سال ۱۳۶۰، ضمن مقاله‌ای تحت عنوان "کی برود؟" حرف آخر را زدند: "... رئیس جمهور استعفا بدهد و برود؟ چرا برود؟ ده میلیون نفر از مردم این مملکت که صاحبخانه اصلی هستند به او رای داده‌اند و ایشان آن آراء را امانت و ماموریتی از جانب ملت می‌دانند..."

لیبرال‌ها در پاسخ "کی برود؟" صریحاً گفتند که بهتر است نخست وزیر شهید رجایی برود و بنی صدر بماند. وعاقبت هم وقتی که دیگر خیلی احساساتی شده بودند و محبت شان به بنی صدر حسابی گل کرده بود، از قول یکی از "هموطنان" (۵۹ بهمن ۵۹) شعری در مدح بنی صدر سرودند، که بعضی از مصرع‌های آن را در این جامی آوریم: "ای گل‌آتش و خون! نخل برومند شرف! شناسندهای تو چو کوه نظران... ای پرزاد اسیر آمده در خوان فریب... روسیه در دو جهان دشمن مکار تو باد... (همانجا) آری، "بزرگترین متفکر جهان"! "پرزاد" هم از آب درآمد، پرزاد نخل مانند و اسیر آمده در خوان فریب!

ولیبرال‌های ایرانی بر خوان فریب واقعی چه‌ها که نگسترندند. ما این خوان آمریکا پذیرفته را در ضیافت

تولیدی - خدماتی است. باید به کارگران اعتماد داشت و به آنها اجازه داد که آزادانه تشکلهای صنفی خود را در دفاع از انقلاب و تامین خواسته‌های بحق قانونی صنفی خود بوجود آورند. تحکیم دستاوردهای انقلاب، ایجاد تفاهم کامل میان طبقه کارگر و حاکمیت انقلابی و تضمین انقلاب در برابر خطرهای آتی، از چنین راهی میگذرد.

نوروز نوروزی و روزقانی

شهیدی

از تبار پاره‌پاره‌ها



هر روز پیوندت مبین انقلابی ما در جنگ بی‌امان با امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی و خارجی آن از خون پاک - باخته‌ترین جوانان ما گلگون ترمیشود. هر روز گروه تازه‌ای از بهترین فرزندان انقلاب بر خاک می‌افتند و دشمن زبون ترو عاجز تر به گنم خود می‌خزد.

شهید نوروز نوروزی و روزقانی در زمهره این قهرمانان و پاکبختگان بود. او در جریان پیروزیهای عظیم اخیر نیرو - های انقلاب بر متجاوزین صدامی و در تدارک یورش‌های گسترده تر بر دشمن، در ۱۲ آذرماه ۶۰، داوطلبانه برای اکتشاف بمنزله یک ترابری خط مقدم جبهه متجاوزین راه یافت و پس از آن که اطلاعات دقیقی از آرایش قوای دشمن و تجهیزات آنها به ما برده نمود، بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن به شهادت رسید. پیکر گلگون شهید نوروز نوروزی در تاریخ ۱۹ آذرماه به همراه پیکر ۷ شهید دیگر از فرزندان مردم زحمتکش کرج، بطور رسمی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرج، با حضور دهها هزار تن از مردم این شهر که برای وداع با عزیزان قهرمان خود به خیابانها آمده بودند، تشییع شد.

پیش از برگزاری مراسم، در مسجد جامع این شهر، یکی از روحانیون در بزرگداشت شهید سخنانی ایراد کرد و از جمله در مورد شهید نوروز نوروزی روزقانی گفت: "اوشهید از تبار پاره‌پاره‌ها و یک مبارز ضد امپریالیست بود. واقعیتی که شهید نوروز نوروزی با شهادت حماسی خویش بر وفاداری خود بر آن صحنه گذارد."

شهید نوروز نوروزی، این فرزند وفادار سلاله کار و زحمت، فارغ التحصیل دانشکده علوم اجتماعی و تعاون (دکتر شریعتی) در رشته مردم شناسی بود.

"اتحاد مردم" شهادت این فرزند دلیر و وفادار انقلاب اسلامی ایران را که مدتی از همکاری نزدیک وی برخوردار بود، به همسر، پدر و مادر و همسرزبان و دوستانش صمیمانه تسلیت می‌گوید و یاد شیراکرامی می‌دارد.

لیبرال‌ها - بنی صدر از هفته آینده در ابعاد مختلف و رده‌های همخوانی بررسی خواهیم کرد. ادامه دارد

تصحیح

در جدول دوم ستون سوم مقاله "رژیم ضیا الحق..." شماره ۱۰۶ "اتحاد مردم" پیش از ارقام سطر آخر باید ممیز بیاید، که به این وسیله تصحیح می‌شود.

ریگان کارزار ضد لیبیایی خود را گسترش می دهد

می دهد

بین المللی تکذیب کرد.
معمرفذافی گفت:
"ما همیشه میان سازمان آزادی بخش فلسطین و دیگر جنبشهای آزادی بخش ملی، که ما از آنها پشتیبانی می کنیم سازمان های تروریستی، چون بریگاد های سرخ" در ایتالیا فرق گذاشته ایم."
قذافی در مصاحله ای دیگر با تلویزیون "ای بی سی" آمریکا، دولت ایالات متحده را مسئول تیرگی روابط میان لیبی و آمریکا خواند. وی خاطر نشان ساخت، که:
"لیبی هیچگاه تسلیم فشار ایالات متحده برای سیادت بر دیگر کشورها نخواهد شد."
معمرفذافی ادعای دولت آمریکا

خبرگزاری لیبی گزارش های "واشینگتن" را درباره دسیسه های ترور ریگان تکذیب کرد. برپایه این گزارش ها، ۵ ترور بیست، که گویا در لیبی آموزش دیده اند، اکنون برای کشتن رئیس جمهور و چند تن از دستیارانش در ایالات متحده بر سر می برند!
خبرگزاری لیبی این گزارش ها را "حلقه ای دیگر از زنجیره کارزار ضد لیبی آمریکا می خواند."
به گفته معمرفذافی، رهبر لیبی، "سازمان جاسوسی آمریکا" در صد ترور اوست. او در مصاحبه ای با "کوریرا دلا سرا" (ایتالیا) گفت:
"کارزار ضد لیبیایی در ایالات متحده و دیگر نقاط یخشی از دسیسه علیه کشور من است."
وی ادعاهای رسانه های گروهی آمریکا را درباره شرکت لیبی در ترور بسم

وقایع مهم جهان در یک هفته

تمرین "پنتاگون"

برای مداخله در خاور میانه پایان یافت

مانورهای "ستاره درخشان"، که روز ۲۳ آبان ۶۰ (۱۴ نوامبر ۸۱) در مصر آغاز شد و در سوماتلی و سودان ادامه یافت، با پیاده شدن سر بازان آمریکایی در عمان پایان پذیرفت، این مانورها، که از نظر وسعت بی سابقه بوده است، "سپاه واکنش سریع"، بمب افکن های "بی-۵۲"، تانک ها، توپخانه ها و رزمناوهای بیشمار را در بر گرفت.
هدف از مانورهای "ستاره درخشان" تمرین برای مداخله "پنتاگون" در منطقه بوده است.

جنبش هواداران صلح گسترش می یابد

بیش از ۳۰۰ هزار نفر از هواداران صلح در آتن (یونان) به تظاهرات پرداختند. آنها در شعارهای خود خواستار عدم استقرار سلاح های هسته ای در خاک یونان و دیگر کشورهای اروپا شدند. تظاهرکنندگان همچنین فریاد می زدند: "برچیده باد پایگاه های نظامی آمریکا در یونان!"
تظاهرات همانندی در اشتوتگارت آس و اولم، سه شهر آلمان غربی، برگزار شد. در تظاهرات دیگری در بارسلنا (اسپانیا) ۲۰۰ هزار نفر شرکت کردند. مردم ایتالیا، دانمارک و سوئیس نیز در گرد همایی های وسیع اعتراض خود را علیه نقشه استقرار موشک های میان برد هسته ای آمریکا در اروپای غربی ابراز داشتند.
"کمیسیون مستقل سلاح زدایی و امنیت" به اجلاس خود در توکیو پایان داد. ریاست این کمیسیون را اولو ف پالمه، صدر حزب سوسیال دمکرات کارگز سوئد بعهده دارد. این کمیسیون پاره ای از سیاستمداران و دانشمندان نامدار را از اتحاد شوروی، ایالات متحده، آلمان فدرال، بریتانیا، هند و غیره در بر می گیرد.
پالمه در کنفرانس مطبوعاتی گفت: "اعضای کمیسیون همگی معتقدند که پس از پایان "کنفرانس نو" درباره تحدید سلاح های هسته ای در اروپا، دو کشور باید بیدرتنگ به مذاکره پیرامون سلاح های هسته ای استراتژیک بپردازند."

در افغانستان ۶۰ مدرسه جدید گشایش یافته است

پس از انقلاب شور ۱۳۵۷ افغانستان، در این کشور بیش از ۶۰۰ مدرسه جدید گشایش یافته است. پیش از انقلاب دست کم ۹۰ درصد افغانی های بیسواد بودند. اکنون بیش از ۵۳۰۰۰۰ نفر خواندن و نوشتن می آموزند.
مدارس افغانستان یکی از هدفهای عمده ضد انقلابیون است که از خارج به این کشور فرستاده می شوند. آنها به انفجار مدارس و آزار دانش آموزان و آموزگاران دست می زنند.

گستاخی سرکردگان همبستگی

به اوج خود می رسد

"کورون" ژورنالیستی سیرسحان همدانی اظهار داشتند:
به نوشته "تریبونالودو":
"خواست های جرگه "رادوم" وجه مشترکی با فعالیت های سندیکائی ندارد بلکه دارای سرشتی ضد قانون اساسی است"
آخرین گزارش ها حاکی است که عناصر ضد انقلابی مبارزه خود را با "حزب متحد کارگری لهستان"، دولت لهستان و سوسیالیسم گسترش می بخشند سرکردگان "همبستگی" در بسیاری از استان ها کارگران را به اعتصاب فرا خوانده اند. به گزارش تلویزیون لهستان رهبران محلی "همبستگی" در کارخانه ها به ایجاد واحدهای کماندویی دست زده اند. همچنین مقداری سلاح و مواد منفجره از انبارهای دولتی ربوده شده است.
ضد انقلاب خواهان برگزاری انتخابات جدید است. در برخی از شهر ها، اعلامیه های پخش و در آنها بیستم دسامبر ۸۱ (۲۹ آذر ۶۰) بعنوان "روز کشتار حزبی" ها اعلام شده است. ضد انقلابیون همچنین خواستار زندک لهستان از "پیمان ورشو شورای همپاری اقتصاد" کناره گیری.

ووسح بارور لسی، دسر اول کمنه مرکزی حزب متحد کارگری لهستان ونخست وزیر آن کشور، گفته است که:
"کشور دوران دشواری آکنده از خطرات و معضلات را می گذراند."
بارور لسی، که در "روز معدن-چیان" در شهر دوپروواگورنی چا سخن می گفت، اظهار داشت که:
"برنامه کنگره نهم "حزب متحد کارگری لهستان" برای غلبه بر دشواری هاتنها هنگامی به نتیجه خواهد رسید که قانون و نظم برقرار شود و مردم کار عادی خورا از سرگیرند."
رهبر لهستان گفت:
"نیروهای ضد سوسیالیستی در کشور اخیرا می کوشند تا حزب را از طبقه کارگر جدا سازند."
رهبری "همبستگی" پس از جلسه اخیر خود در "رادوم" اظهار داشت که برای غلبه بر بحران کنونی کشور حاضر به همکاری با دولت نیست.
سخن گوی دولت در این باره اظهار داشت:
"این موضعی نشان میدهد که چه کسی مسئولیت اوضاع کنونی را در کشور بعهده دارد. رهبران "همبستگی" تعهدات پیشین خود را فراموش کرده اند و نقش مخالف دولت را پیش گرفته اند. آنها به مبارزه آشکار با سوسیالیسم برخاسته اند. این رفتار رهبران "همبستگی" وضع بسیار خطرناکی را در لهستان پدید آورده است."
از سوی دیگر، "بویاک"، یکی از رهبران "همبستگی"، خواستار تسخیر ایسگاه مراد وو سرنگونی دولت شد.

فلسطینی ها خواستار تشکیل کشور مستقل خویش هستند

یگفته یاسر عرفات، رهبر "سازمان آزادی بخش فلسطین"، هدف از توافق ایالات متحده آمریکا و اسرائیل درباره همکاری استراتژیک "کوشش برای ارباب مردم خاور میانه است."
عرفات، که در گردهمایی در یکی از اردوگاه های پناهندگان فلسطینی سخن می گفت، افزود:
علیرغم همه تهدیدات، اعراب فلسطینی، همراه با همه خلق های عرب، به پیکار خود برای عقیم نهادن دسیسه های امپریالیستی - صهیونیستی در منطقه ادامه خواهند داد."
از سوی دیگر، اعتصاب عمومی در کراته باختری رود اردن عطا زندگی را در این منطقه فلج ساخت. اشغالگران اسرائیلی صداهان از مردم غزه را به دادگاه های نظامی سپردند. روز دوشنبه ۹ آذر ۶۰ سرایان اسرائیلی به روی دانش آموزان آتش گشودند و دوتن از آنها را هلاک کردند. شهر دار فلسطین گفت:
"فلسطینی ها می خواهند آزادی زندگی کنند و در سرزمین خود دارای کشور مستقل خویش باشند."

یکی از کودتاچیان سیشل کارمند بلند پایه سازمان

جاسوسی "پرتوریا" بود

جوونیلانگوتیه، نماینده سیشل در سازمان ملل متحد، از مجمع عمومی خواست، تا دادگاهی بین المللی برای محاکمه مزدورانی که چندی پیش به کودتای نافرجام علیه آن کشور دست زدند، برپا شود.
یگفته "جوونیلانگوتیه" بیشتر کودتاچیان شهروندان آفریقای جنوبی بودند.
"نورالدین جودی"، معاون دبیر کل "سازمان وحدت آفریقا" گفت:
"شواهد انکارناپذیر شرکت آفریقای جنوبی را در کودتای نافرجام،

سیشل ثابت می کند.
"نورالدین جودی" از سیشل و مزدوران دستگیر شده باز دیده عمل آورده است.
به گفته رئیس جمهور سیشل، یکی از این مزدوران یک عضو بلند پایه سازمان جاسوسی آفریقای جنوبی است. این مزدور اعتراف کرد که دولت آفریقای جنوبی از نقشه کودتا آگاه بوده است.
جمهوری سیشل خواستار اجلاس "شورای امنیت سازمان ملل متحد" برای رسیدگی به کودتای نافرجام مزدوران خارجی علیه این کشور شد.

سفر تحریک آمیز هیگ

به مرز افغانستان

به گزارش "فرانس پریس"، "شاه احد نورانی"، رهبر سیاسی و مذهبی پاکستان، از تعلیق قانون نظامی بد هواداری برخاست و از ضیاع الحری خواست، تا هر چه زودتر در کشور انتخابات همگانی برگزار شود.
"شاه احد نورانی"، علیرغم اعلام منع فعالیت های سیاسی از سوی دولت، در "انجمن حقوقدانان پاکستان" در کراچی سخن می گفت.
از سوی دیگر، در اسلام آباد، شد که الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا در جریان سفر آینده خود به پاکستان به مناطق مرزی افغانستان خواهد رفت. برپایه یک بیانیه وزارت خارجه پاکستان، هیگ از یک باصطلاح "اردوگاه پناهندگان افغانی" دیدار خواهد کرد. در این "اردوگاه ها، در واقع ضد انقلابیون افغانی برای کسپل به افغانستان آموزش می بینند.

مبادلات بازرگانی

"پکن" - "پروتوریا" در دو سال

ده برابر شد

به گزارش "پتریوت" هند، در دو سال اخیر بازرگانی میان چین و آفریقای جنوبی ده برابر شده است.
"پتریوت" می افزاید:
"پکن" با واگذاری اورانیوم غنی شده به رژیم نژادپرست، بلند پروازی های هسته ای آن را تشویق میکند.
کنفرانس همبستگی با خلق های عرب و آفریقای:

دشمن مشترک

امپریالیسم آمریکاست

در لوآندا (آنگولا) یک "کنفرانس همبستگی با خلق های عرب و آفریقای بر گزار شد. در این کنفرانس نمایندگان احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی و سازمان های آزادی بخش ملی بیش از ۶۰ کشور جهان شرکت کردند. شرکت کنندگان کنفرانس به بررسی پایه های همکاری و وحدت کشورهای آسیا و آفریقا در پیکار با امپریالیسم، صهیونیسم و نژادپرستی پرداختند.
معمرفذافی در پیام خود به کنفرانس، کشورهای عربی و آفریقای را به وحدت عمل در برابر دسیسه های دشمن مشترک، یعنی امپریالیست های آمریکا "فراخواند."
کنفرانس لوآندا "تصمیم گرفت که برای کمک به جنبش های آزادی بخش ملی در جنوب آفریقا و در کشورهای عربی یک صندوق کمک احداث کند.

نخست وزیر شوروی:

اتحاد شوروی خواهان اروپایی بری از سلاح های

هسته ای است

نیکلای تیخونوف، نخست وزیر شوروی، گفت که اتحاد شوروی آماده است تا همه سلاح های هسته ای خود، چه تاکتیکی و چه استراتژیک، را از قاره اروپا بربیند. وی در جریان سفر خود به مجارستان افزود:
"اتحاد شوروی خواهان اروپایی بری از سلاح های هسته ای و رعایت اکید امنیت برابر همه کشورهاست. ما می خواهیم در سالهای ۸۰ شاهد زرفشروند تنش زدائی و گذار از مسابقه تسلیحاتی به سلاح زدائی باشیم."

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. ب. دین)
آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی
صندوق پستی ۱۱۱۷/۲۱۴